

■ ابراهیم خداینده
دولتمردان آبانی راه درستی
را در پیش نگرفتند ۲۷

ایران چین را بدر پیروست

نسخه انگلیسی این شماره در پایگاه
خبری-تحلیلی فراق در دسترس است



■ انجمن نجات استان اردبیل ■ فصلنامه خبری-تحلیلی ■ بهار ۱۴۰۴ ■ شماره ۴۱

فراتر
نامه

پیروز این میدان ملت ایران است

ما در مسیر آمدنیم



■ گزارشی از دادگاه رسیدگی به اتهامات
تشکیلات مجاهدین: نابودی تشکیلات
مجاهدین مطالبه شایان پرونده ۵

■ جنایتی ددمشانه و رقص شیطانی خائنان: جز
فرومایگانی چون رجوی چه کسانی دل شاد
می‌شوند؟ ۱۲۹

■ مروری بر سابقه همدستی مجاهدین خلق با
رژیم صهیونیستی و خیانت به ایران: ماجرای
نیم کاسه ۳۰

«ثریا عبداللهی» به ادی رام، نخست‌وزیر آبانی: صدای خانواده‌ها را بشنوید ۴۳





■ شماره ۴۱ ■ بهار ۱۴۰۴

فرزانه نامه

انجمن نجات مرکز استان اردبیل

■ پایگاه خبری - تحلیلی: www.feraghnews.ir ■ پست الکترونیکی: feraghnews@gmail.com ■ تلگرام: [@feraghnews](https://t.me/feraghnews)

■ ایتا: [@feraghnews](https://www.feraghnews.ir) ■ بله: [@feraghnews](https://www.feraghnews.ir) ■ آپارات: [apararat.com/feraghnews](https://www.feraghnews.ir) ■ رویکا: [feraghnews](https://www.feraghnews.ir)

■ فیس بوک: [facebook.com/feraghnews](https://www.facebook.com/feraghnews) ■ ایکس (توییتر): twitter.com/feraghnews ■ اینستاگرام: [Feraghnews.ir](https://www.feraghnews.ir)

تیترها

■ پیروز این میدان ملت ایران است ۲

■ انجمن نجات آلبانی با «پویش پروانه» نامه خانواده‌ها را به کمپ «مانز» می‌رساند: امیدواری خانواده‌ها به پروانه‌هایی با بال‌های امید ۳

■ بیانیه خانواده‌های عضو انجمن نجات استان اردبیل در محکومیت حملات رژیم صهیونیستی و برائت از مجاهدین خلق ۴

■ گزارشی از جلسه ۳۵ دادگاه رسیدگی به اتهامات تشکیلات مجاهدین: نابودی تشکیلات مجاهدین مطالبه شاکیان پرونده ۵

■ حمایت‌های نمایی از تشکیلات رجوی، تجارتی پُرسود برای لایست‌ها ۱۰

■ جنایتی ددمشانه و رقص شیطانی خائنان: جز فرومایگانی چون رجوی چه کسانی دل شاد می‌شوند؟ ۱۲

■ افشای استراتژی صهیونیست‌ها و مجاهدین خلق برای فرار از پذیرش هزینه‌های شکست: دستور سائیری برای اختلاف افکنی در داخل ایران چیست؟ ۱۳

■ روایت خبرنگار «تهران تایمز» از داستان دلخراش مادری که ۲۴ سال در جستجوی تنها پسرش است: چگونه مجاهدین خلق پسر را ربود و آلبانی چش

خود را بست ۱۵

■ آلدو سولولاری، روزنامه‌نگار آلبانیایی: ما در کنار مردم ایران هستیم ۱۷

■ دیرکل بنیاد هایلین: سازماندهی تشکیلات رجوی در آلبانی توسط آمریکایی‌ها انجام شد ۲۱

■ افشای ابراهیم خداپنده از اقدامات منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و خیانت‌های فعلی: هشدار به دولتمردان آلبانی می‌دهیم که راه درستی را در پیش

تگرفتند ۲۷

■ مروری بر سابقه همدستی مجاهدین خلق با رژیم صهیونیستی و خیانت به ایران: ماجرای نیم‌کاسه ۳۰

■ وحشی‌گری آشکار رژیم صهیونیستی موجب واکنش «توکی الفیصل» شد: چرخش منصفانه حامی قدیمی مریم قجر عضدانلو در سایه اقتدار

ایران ۳۶

■ فراخوان همگانی برای شناسایی عوامل تروریست و جاسوسان رژیم صهیونیستی: با هوشیاری و اتحاد، ایران را از لوٹ عوامل دشمن

منافقین و خائنین پاک کنیم ۳۷

■ مادر «ثریا عبداللهی» به ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی: صدای خانواده‌ها برای دیدار با عزیزانشان را بشنوید ۴۳

■ سرکوب تشکیلات رجوی، وظیفه‌ای ملی ۴۵

پیروز این میدان ملت ایران است

ما در مسیر آمدنیم



مردم غیور ایران زمین، مهد شیران و عقابان قهرمان، روزهای کنونی، که شاهد اقتدار و عزت ملت ایران هستیم، به عنوان یکی از درخشان ترین صفحات تاریخ این سرزمین ثبت خواهد شد. دلاوران نیروهای مسلح ایران با شجاعت و توانمندی، دشمن صهیونیستی را از اقدامات نسنجیده اش پشیمان کرده اند. دشمن، به تحریک برخی افراد که از وطن خود گریخته و آواره شده اند، مرتکب خطایی استراتژیک شد. گروه هایی نظیر تشکیلات رجوی، با تبلیغات غیرواقعی و تحلیل های نادرست، تصور کردند که با حملات اولیه، مردم ایران علیه نظام به خیابان ها خواهند ریخت و جمهوری اسلامی در چند روز فرو خواهد پاشید. اما برخلاف تصوراتشان، نه تنها چنین اتفاقی رخ نداد، بلکه ملت ایران با اتحاد و همبستگی، از نظام و استقلال کشور دفاع کردند و دشمن را غافلگیر نمودند.

رژیم صهیونیستی، فریب اطلاعات نادرست و تبلیغات رسانه های مخالف جمهوری اسلامی را خورد. این رژیم، با حمایت آمریکا، جنگی را آغاز کرد که نه تنها میلیارد ها دلار هزینه به دنبال داشته، بلکه شهرهایش را به ویرانی کشانده است. نارضایتی

دستاوردهای جدید، جهانیان را شگفت زده می کند. بی تردید، پیروز این میدان، ملت ایران است. این پیروزی، نه تنها مایه افتخار ایرانیان، بلکه موجب شادی همه مظلومان منطقه و جهان است که آن را پیروزی خود می دانند. آری ما در مسیر آمدنیم تا جرسومه گان ظلم و ستم را نابود کنیم. «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»

را دست کم گرفته بود. سامانه دفاعی «گنبد آهنین» که روزگاری نماد قدرت دفاعی رژیم اسرائیل بود، در برابر موشک های پیشرفته ایرانی ناکارآمد شده و به موضوعی برای تمسخر جهانی تبدیل گشته است. این در حالی است که توانمندی های نظامی ایران، حتی برای بسیاری از مردم جهان و خود ایرانیان، فراتر از انتظار بوده و هر روز با رونمایی از

عمومی در سرزمین های اشغالی بالا گرفته و مردم این رژیم، با اعتراض به سیاست های جنگ طلبانه دولت خود، حتی در مواردی از ملت ایران عذرخواهی کرده اند. بسیاری از ساکنان اسرائیل در حال ترک این سرزمین هستند و ناامنی و بی ثباتی، زندگی آن ها را مختل کرده است. شگفت آور است که دشمن، توانایی های موشکی ایران



انجمن نجات آلبانی با «پوش پروانه» نامه خانواده‌ها را به کمپ «مانز» می‌رساند

امیدواری خانواده‌ها به پروانه‌هایی با بال‌های امید

خانواده‌های زندانیان کمپ مانز امیدوارند که با پیگیری‌های مستمر
بالاخره صدایشان به گوش عزیزانشان برسد

نجات به صلیب سرخ یادآوری کردند: «ما تا حصول نتیجه پای درهای شما خواهیم ایستاد و نامه‌های خانواده‌ها را به دستتان خواهیم رساند. این کمپین تا رسیدن به پاسخ متوقف نخواهد شد.» این پوش پروانه که با نام «پروانه» انتخاب شده، نمادی جهانی از رهایی و پرواز می‌باشد که نشان‌دهنده آرزوی خانواده‌ها برای آزادی عزیزانشان از حصارهای کمپ مانز است. اعضای انجمن نجات در آلبانی امیدوار هستند که این نامه‌ها مانند پروانه‌هایی با بال‌های امید، از سیم‌خاردها و دیوارهای کمپ عبور کنند و به دست عزیزانشان برسند.

انجمن نجات آلبانی تأکید کرده است که این حرکت را با قدرت ادامه خواهد داد و از تمام نهادهای حقوق‌بشری و بین‌المللی می‌خواهد در این مسیر همراهی کنند. خانواده‌های زندانیان کمپ مانز امیدوارند که با پیگیری‌های مستمر، بالاخره صدایشان به گوش عزیزانشان برسد.

”

انجمن نجات آلبانی در چارچوب «پوش پروانه»، تلاش‌های بی‌وقفه خود را برای رساندن نامه‌های خانواده‌های اعضای گرفتار در کمپ مانز به این افراد ادامه می‌دهد.

به گزارش فراق، این کمپ که محل نگهداری تعدادی از اعضای سازمان مجاهدین خلق است، سال‌هاست به دلیل محدودیت‌های شدید ارتباطی، امکان تماس آزاد ساکنان آن با خانواده‌هایشان را فراهم نکرده است.

در ادامه این اقدامات، روز پنجشنبه ۸، شنبه ۱۰ و آخر خردادماه، نمایندگان انجمن نجات با مراجعه به دفتر صلیب سرخ آلبانی، نامه‌های جمع‌آوری‌شده از خانواده‌ها را به این نهاد بین‌المللی تحویل دادند و بر وظیفه اخلاقی و انسانی این سازمان برای انتقال این نامه‌ها تأکید کردند. صلیب سرخ در این دو دیدار، نامه‌هایی را که مستقیماً خطاب به این نهاد نوشته شده بود، پذیرفت. نمایندگان انجمن

انجمن نجات آلبانی تأکید کرده است که این حرکت را با قدرت ادامه خواهد داد و از تمام نهادهای حقوق‌بشری و بین‌المللی می‌خواهد در این مسیر همراهی کنند.
خانواده‌های زندانیان کمپ مانز امیدوارند که با پیگیری‌های مستمر، بالاخره صدایشان به گوش عزیزانشان برسد

بیانیه خانواده‌های عضو انجمن نجات استان اردبیل در محکومیت حملات رژیم صهیونیستی و برائت از مجاهدین خلق

ما، خانواده‌های انجمن نجات، که شاهد رنج و جدایی عزیزانمان به‌دست این تشکیلات خائن بوده‌ایم، هرگونه همکاری و همسویی با این گروهک را محکوم کرده و از آحاد ملت ایران می‌خواهیم با هوشیاری در برابر توطئه‌های روانی و اطلاعاتی دشمن ایستادگی کنند



خانواده‌های عضو انجمن نجات استان اردبیل در بیانیه‌ای حملات رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کردند و از تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق به عنوان بازوی عملیاتی صهیونیست‌ها برائت جستند. به گزارش فراق، متن این بیانیه که توسط خانواده‌های اعضای گرفتار در مجاهدین خلق منتشر شده به شرح زیر است: اقدامات تجاوزکارانه و تروریستی رژیم صهیونیستی علیه میهن عزیزمان ایران، بار دیگر چهره کریه این رژیم غاصب و جنایتکار را که به‌عنوان غده سرطانی منطقه و بازوی اجرایی استکبار جهانی عمل می‌کند، نمایان ساخت.

این رژیم نامشروع که از بدو تأسیس با ترور، خشونت و اشغالگری به حیات ننگین خود ادامه داده، بارها ثابت کرده است که دشمن صلح، امنیت و بشریت است.

ما، خانواده‌های عضو انجمن نجات استان اردبیل، که سال‌هاست از ظلم و خیانت تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق رنج برده‌ایم، ضمن محکومیت شدید حملات رژیم صهیونیستی به خاک مقدس ایران، از این گروهک منفور که به بازوی عملیات روانی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است، اعلام برائت می‌کنیم.

مجاهدین خلق با سابقه‌ای سیاه در همکاری با دشمنان ایران، از جمله رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی و اکنون رژیم صهیونیستی، با انتشار شایعات، اخبار جعلی و تحریف واقعیت‌ها، در راستای اهداف شوم صهیونیسم جهانی علیه ملت ایران فعالیت می‌کنند.

این تشکیلات تروریستی با دریافت حمایت‌های مالی و اطلاعاتی از رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای غربی، نه تنها به وطن‌فروشی و خیانت به مردم ایران ادامه می‌دهد، بلکه با فریب و گمراه‌سازی، فرزندان این مرز و بوم را از خانواده‌هایشان جدا کرده و آن‌ها را به ابزاری برای پیشبرد

خواهد کرد. ما به‌عنوان خانواده‌های انجمن نجات، ضمن تجدید بیعت با آرمان‌های انقلاب اسلامی، اطمینان می‌دهیم که در کنار ملت ایران، برای حفظ استقلال و امنیت کشور از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. از خداوند متعال پیروزی جبهه حق و نابودی رژیم صهیونیستی و همه عوامل تروریستی آن، از جمله تشکیلات پلید مجاهدین خلق، را خواستاریم و امیدواریم به‌زودی شاهد رهایی منطقه و جهان از شر این رژیم فسادزا باشیم.

خانواده‌های عضو انجمن نجات استان اردبیل

مقاصد دشمن تبدیل کرده است. ما، خانواده‌های انجمن نجات، که شاهد رنج و جدایی عزیزانمان به‌دست این تشکیلات خائن بوده‌ایم، هرگونه همکاری و همسویی با این گروهک را محکوم کرده و از آحاد ملت ایران می‌خواهیم با هوشیاری در برابر توطئه‌های روانی و اطلاعاتی دشمن ایستادگی کنند.

ملت بزرگ ایران، که همواره در برابر تجاوزات دشمنان با عزت و اقتدار ایستاده، امروز نیز با وحدت و همدلی، این حملات ناجوانمردانه را محکوم می‌کند و عزم خود را برای دفاع از میهن و نابودی رژیم صهیونیستی جزم‌تر

گزارشی از جلسه ۳۵ دادگاه رسیدگی
به اتهامات تشکیلات مجاهدین

نابودی تشکیلات مجاهدین مطالبه شاکیان پرونده

”

قاضی: این را به خانواده شهدای ترور عرض می‌کنم هر آنکس که تا کنون برداشتی داشته که شاید شکایات او در سال‌های گذشته دقیق رسیدگی یا استماع نشده می‌تواند به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران مراجعه کند و در این خصوص اظهارات خود را بیان کند و این را بدانند که دادگاه به صورت بسیار جدی تمام زوایا را بررسی خواهد کرد

وکیل شکات: سازمان اعضای خودش را به دروغ شهید اعلام می‌کند و به دروغ می‌گوید که کمیته اعضای سازمان را دستگیر و شکنجه کرده است



جدا شده سازمان می‌گوید در یکی از عملیات‌ها که در تاریخ ۵ مهر سال ۶۰ انجام شد، به ما گفته بودند که امروز، روز سقوط رژیم است و ما پرسیدیم بعد از پیروزی کجا برویم که به ما گفتند به ساختمان رادیو و تلویزیون بیاوید. وکیل شکات ادامه داد: افشین برادران گفته است در این عملیات هر واحد ۴ نفر بودند که هر کدام ۴ سلاح و حدود ۵۰۰ فشنگ داشتند. مداح گفت: سهراب سپهری با نام مستعار مازیار که از سال ۵۹ عضو سازمان بوده و در یک خانه تیمی دستگیر شده در اعترافات خود گفته است: نمونه دیگر از عملیات‌ها پرتاب نارنجک به یک لوسترفروشی در خیابان حافظ بود. ما به آنجا رفتیم و چون دیدم مردم عادی زیاد هستند برگشتیم، اما فرمانده ما ناراحت شد و دستور داد برگردیم و گفت اگر چهار نفر از مردم عادی هم کشته شود مهم نیست. بعد ما برگشتیم و داخل لوسترفروشی نارنجک جنگی پرتاب کردیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود مداح بیان کرد: دقیقاً کاری که گروه‌های تروریستی مانند داعش در قتل‌های خود انجام می‌دهند اینکه تیر خلاص می‌زنند یا جسد را ربایش می‌کنند و آتش می‌زنند همین جنایات را رجوی داعشی و اعضای او در کشور ما انجام دادند.

وی افزود: حسین شیخ‌الحکما از دیگر

گروهک تروریستی رجوی عملیات مهندسی نامیده می‌شد، افزود: یکی دیگر از اقدامات تروریستی این گروهک ترور مردم عادی است. وکیل شکات پرونده ادامه داد: پروین پرتوی که با نام مستعار مریم از سال ۱۳۵۸ عضو سازمان بود، به صراحت گفته است که سازمان به آنها دستور داده به خیابان بروند و به سمت مردم تیراندازی کنند زیرا به محض انجام این کار مردم جذب سازمان می‌شوند و نظام سقوط می‌کند.

مداح افزود: این خانم گفته است ما بارها به خیابان رفتیم و اقدام به تیراندازی کردیم، اما یک نفر هم جذب ما نشد و مردم شعار مرگ بر منافق می‌دادند و ما مجبور بودیم دست به کشتار آنها بزنیم.

وی اضافه کرد: این فرد در اعترافات خود می‌گوید که گذشته از جنایاتی که سازمان انجام داده و می‌دهد، این سازمان دقیقاً در جهت جریان امپریالیسم است و یک جریان تبلیغاتی به راه انداختن تا با توسل به زور این جریان مرده را زنده کند.

وکیل شکات گفت: سازمان اعضای خودش را به دروغ شهید اعلام می‌کند و به دروغ می‌گوید که کمیته اعضای سازمان را دستگیر و شکنجه کرده است.

وی ادامه داد: آقای ولی‌اله صفری از اعضای

سی‌وپنجمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از سرکردگان سازمان مجاهدین خلق و ماهیت این سازمان به‌عنوان یک شخصیت حقوقی برگزار شد.

به گزارش فراق از قوه قضاییه، سی‌وپنجمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از سرکردگان سازمان مجاهدین خلق همچنین ماهیت این سازمان به‌عنوان یک شخصیت حقوقی، روز سه‌شنبه (۲۰ خرداد ماه) در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی حجت‌الاسلام والمسلمین امیررضا دهقانی و مستشاران دادگاه مرتضی تورک و امین ناصری، با حضور وزیری نماینده دادستان، خانواده شهدا و وکلای آنها و وکلای متهمان در مجتمع قضایی امام خمینی (ره) به‌صورت علنی آغاز شد.

قاضی دهقانی با اعلام رسمی بودن دادگاه از وکیل شکات خواست تا در جایگاه قرار بگیرد و مطالب خود را بیان کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مداح وکیل شکات گفت: بعد از اینکه مردم این سازمان را به رسمیت نشناختند و شعار مرگ بر منافق سر دادند، این سازمان برای از دست ندادن حیات سیاسی خود، دست به اقدامات تروریستی زد.

وی با بیان اینکه عملیات‌های تروریستی



اعضای جدا شده بود، وی در اظهارات خود گفت، ما با این عملیات تروریستی می‌خواهیم در دل مردم و طرفداران جمهوری اسلامی رعب و وحشت بیندازیم تا از این نظام دور شده و به سمت ما بیایند می‌خواهیم جو رعب و وحشت را در جامعه بشکنیم و اگر کسی با این ترورها عبرت نگرفت سرنوشتش مرگ است. مثال دیگر محمد کلانتری با نام مستعار منوچهر است که فرمانده یک تیم عملیاتی در سال ۶۰ و ۶۱ بود، وی در بیان سوابق خود، به ترور یک کارگر در مغازه اتوشویی، ترور یک پیرمرد کفاش، ترور یک دوچرخه‌ساز، ترور یک فرش فروش اعتراف می‌کند. او اعتراف کرده فرمانده ما به ما دستور داده بود که اگر جلو موتور سواری را گرفتید و گفتید من می‌خواهم موتور را مصادره انقلابی کنم ولی او مقاومت کرد او را نیز به قتل برسانید.

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود مداح اضافه کرد: این موضوع را افراد دیگری مانند عباس صحرایی، عبدالکریم معزز که از اعضای جدا شده هستند بیان می‌کنند. عباس صحرایی اظهار کرده که ما یک مغازه‌داری که خشکبار فروشی داشت و از مردم عادی بود را ترور کردیم، صرفاً به این خاطر که به ما دستور داده بودند هر مغازه‌ای که عکس حضرت امام (ره) و عکس شهید بهشتی در آن قرار دارد صاحب آن را ترور کنید.

وی ادامه داد: یکی دیگر از این جنایات که جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی سازمان رجوی است در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۶۱ رخ داده که یک تیم تروریستی ۷ نفره راه ارتباطی میان روستای قادیکلا به سمت قائمشهر را می‌بندند به طوری که با بستن خیابان‌ها و متوقف کردن خودروها، زنان و دختران و افراد پیر و جوان را از خودروها پیاده می‌کنند و افرادی که ظاهر مذهبی داشتند را جدا می‌کنند و به رگبار می‌بندند که در این حادثه تروریستی سه شهید بزرگوار حسین مظفری، جمشید خداپرست و محمدعلی حق‌پناه به شهادت می‌رسند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مداح اظهار کرد: در این رفتار مجرمانه، ارکان مادی و معنوی بزه ارتكایی نسبت به مباشرین جرم اعم از قتل عمدی و محاربه موضوع ماده ۲۹۰ و ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی نسبت به مباشرین محرز است، اما مطابق لایحه‌ای که ۱۶ بهمن ۱۴۰۳ و ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ به دادگاه تقدیم کردیم که

پرونده، خصوصاً انتساب بزه افساد فی‌الارض نسبت به تیم عملیاتی که در دهه ۶۰ فعالیت داشتند و اسامی آنها عبارت است از مسعود رجوی متهم ردیف دوم و مریم قجر عضدانلو متهم ردیف سوم و ابریشمچی متهم ردیف ۴ و زهره اخبانی متهم ردیف ۵ و مهدی برایی متهم ردیف ۷ و زهرا مریخی متهم ردیف ۹ علی خدایی‌صفت متهم ردیف ۱۱ محمد طریقت منفرد متهم ردیف ۱۶ و مهوش سپهری متهم ردیف ۱۷ و محسن سیاه‌کلاه متهم ردیف ۲۰ محمود عطایی متهم ردیف ۲۶ و آزاده رضایی متهم ردیف ۷۸ را از محضر دادگاه خواستارم.

وی ادامه داد: از طرفی یکی از عاملین و مباشرین این اقدام تروریستی، هرمز صفایی است که اسم وی در میان متهمین پرونده نیست، اما او از اعضای همین باند تروریستی بوده که اقدام تروریستی را انجام داده و دستگیر می‌شود، اما متأسفانه می‌تواند فرار کند و از کشور خارج می‌شوند و هم‌اکنون در آلمان به سر می‌برند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مداح گفت: با توجه به اینکه آلمان جرم تروریستی را بدین‌گونه تعریف کرده؛ جرمی که با هدف ایجاد وحشت، تهدید امنیت عمومی و یا اجبار دولت و یا سازمان‌های دولتی برای انجام و یا ترک کاری باشد که این اعمال شامل قتل، حمله مسلحانه، گروگان‌گیری و بمب‌گذاری می‌شود که در صفحه ۴۲۰ کیفرخواست مندرج است و با توجه به ماده ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری تروریستی سازمان ملل که آلمان نیز عضو این کنوانسیون است و تصریح می‌کند که جرایم تروریستی خارج از جرایم سیاسی هستند (که بخواهد مانع از استرداد مجرم باشد) و همچنین طبق ماده ۱ و ۲ کنوانسیون مبارزه با تروریسم اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۹۷ حال که مجرم در آلمان است و مجرم دارای اعلان قرمز در پلیس اینترنت است از محضر رئیس دادگاه تقاضا دارم

در آن به ۷ دلیل عمده بابت اینکه این افعال انتساب به تمام متهمین پرونده و شخصیت حقوقی سازمان دارد، را بیان کردم که از جمله این ادله شهادت شهود و اقرار متهمین است. وکیل شکات در ادامه گفت: جزوات آموزشی اقدامات تروریستی، تهیه و توزیع سلاح و مهمات که توسط سازمان صورت می‌گرفت، خانه‌های تیمی که توسط سازمان تهیه می‌شد و دستور مستقیم مسعود رجوی نسبت به این اقدامات از جمله موضوعات حائز اهمیت است. مسعود رجوی که خود در فرانسه مشغول عیاشی بود به نیروهایش دستور می‌دهد که مردم عادی را ترور کنند.

وی افزود: پذیرش صریح اقدامات تروریستی توسط نشریه رسمی سازمان به نام نشریه مجاهد که در همین واقعه قادیکلا در شماره ۱۴۳ صفحات ۱۹ و ۱۰ و در نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان که وابسته به گروهک تروریستی رجوی است و در شماره ۴۴ صفحه ۱۰ و در شماره ۴۶ صفحه ۵۶ و ۱۱ و در شماره ۴۷ صفحه ۸ این اقدام را با افتخار بیان می‌کنند و خود آنها این موضوع را تحت عنوان یک عملیات قهرمانانه بیان می‌کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین مداح بیان کرد: آری، شما قهرمان هستید که مردم کوچه و خیابان را به شهادت رساندید، مردمی که نه اسلحه داشتند و نه توان دفاع داشتند. از پیرمردی که کفش فروش است، یا فرد خواربار فروش و لوستر فروش و کارگر بنا و محصلی که از دبیرستان به خانه می‌آید و تا کودکان خردسال را به قتل رساندید.

وی گفت: آنچه شکات پرونده از مقام عالی قضایی درخواست دارند، اینکه مستند به همین دو لایحه نسبت به اعتبار امر مختومه، شمولیت مرور زمان نسبت به افعال ارتكایی و انتساب افعال نسبت به اعضای متاخر (که مفصلاً بحث شد) و انتساب بزه بغی و محاربه و سردهستگی گروه مجرمانه موضوع ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی نسبت به همه ۱۳۶ متهم این

اگر دادگاه لازم بداند تحقیقاتی را از این افراد انجام خواهد داد.

حجت الاسلام والمسلمین دهقانی گفت: ترور شهید قدوسی مقارن با زمانی بود که اعلام شد اطلاعات بسیار مهمی در خصوص انفجار نخست وزیری قرار است اطلاع رسانی شود بنابراین انفجار دفتر دادستان کل انقلاب به همراه رئیس شهربانی و همکاری او، ابعاد و ابهامات دیگری را به این پرونده اضافه می‌کند و این سبب می‌شود که در خصوص متهم ردیف اول و کادر مرکزی تحقیقات جامعی صورت نمی‌گیرد.

قاضی اظهار کرد: علی‌رغم رسیدگی به کسانی که مباشر ارتکاب جرم بودند در طول ۴۵ سال هیچ گاه پرونده‌ای علیه شخصیت حقوقی تشکیلات رجوی تشکیل نشد و بسیاری از ابعاد جرایم به جهت سازمان‌یافته بودن، و اتهامات متهمین نسبت به این افراد از سوی دادسراها در محل‌های وقوع جنایات یا انفجارها تحقیقات جامع نسبت به افراد دیگر صورت نگرفته است.

وی افزود: شاید از همان ابتدا که این کیفرخواست به دادگاه ارجاع شد با نواقص بسیار جدی روبه‌رو بود و به عنوان رئیس دادگاه می‌گویم از جمله این نواقص این است که نسبت به بسیاری از اتهامات اعم از متهم ردیف اول یعنی شخصیت حقوقی سازمان و متهمین دیگر به عنوان کادر مرکزی تحقیق کافی صورت نگرفته و نظر به اتفاقاتی که در روند دادگاه و کیفرخواست مواجه و مشاهده می‌کنیم این نکته بسیار قابل توجه است که دادگاه چرا بعد از ۴۵ سال نسبت به متهم ردیف اول برگزار شده باید گفت که از جمله آن

نخست وزیری است. حسب تحقیقات دادگاه، انفجار دفتر نخست وزیری، انفجاری است که شبکه داخلی مرتبط با کشمیری به هیچ عنوان تمایل تحقیقات در این خصوص را نداشتند و حتی تلاش زیادی کردند که پرونده‌ای تشکیل نشود.

قاضی گفت: بعد از تشکیل پرونده نکته بسیار مهم، اینکه زمانیکه رئیس دیوان عالی کشور وقت خبر از نتایج بسیار مهمی درباره انفجار دفتر نخست وزیری را می‌خواهد اعلام کند، با حضور شهید قدوسی به عنوان دادستان وقت و رئیس شهربانی کل کشور و مسئول پرونده جلسه‌ای برگزار می‌شود که بعد از آن قرار بوده شهید قدوسی درباره موضوعات مرتبط پرونده انفجار ۸ شهریور صحبت کند که فردی به نام فخارزاده در ۱۴ شهریور با بمب‌گذاری در دفتر وی او را به شهادت می‌رساند.

قاضی بیان کرد: نکته بسیار مهمی که دادگاه با آن مواجه شده و در اسناد با آن روبه‌رو بوده این است که مسعود کشمیری از لحظه حضور در ساختمان ضداطلاعات نیروی هوایی و اداره مستشاران آمریکایی ارتباط با سرویس‌های امنیتی برای او مهیا شده ولی برخی از اسناد خارج شده در منزل او کشف نشده است ولی صورت این اسناد وجود دارد.

وی ادامه داد: با اعتمادسازی که منافقین در درون کشور توسط شبکه نفوذی داشتند برای این شخص در جایگاه‌های بسیار خاص اعتمادسازی صورت گرفته است و دادگاه در خصوص این نکته مهم با جدیت همچنان در حال تحقیق است، چون برخی از همراهان مسعود کشمیری امروز در قید حیات هستند

اقدامات لازم جهت استرداد مجرم از وزارت خارجه صورت بگیرد.

وکیل شکات بیان کرد: با توجه به پیگیری که موکلان بنده در مورد انفجار دفتر نخست وزیری داشتند از دادگاه درخواست دارم در مورد تکمیل تحقیقات مطالبی را برای موکلان بیان کند.

در ادامه قاضی دهقانی بیان کرد: تا مدت‌ها درباره انفجار در دفتر نخست وزیری پرونده‌ای جدی در دادستانی انقلاب شکل نمی‌گیرد و با توجه به عملکرد شهید لاجوردی که بسیار خوب، دقیق و شناسایی‌کننده عوامل بوده است، حسب اسناد گروه‌های نفاق و نفوذ در مقابل شهید لاجوردی شروع به موضع گیری‌های شدیدی کردند و کارشکنی‌های زیادی کردند تا او نتواند اقدامی انجام دهد و حتی موجب برکناری این شهید از پرونده انفجار حزب هم می‌شوند.

وی افزود: که از جمله افراد موثر در برکناری شهید لاجوردی، شخص مسعود کشمیری حسب نامه‌نگاری‌های زیادی است که انجام داده و نهایتاً با تاخیر قابل اعتنایی که در این خصوص در تشکیل پرونده برای انفجار دفتر نخست وزیری صورت می‌گیرد، ابتدا دفتر متهم ردیف اول سازمان در لندن اعلام می‌کند که این اقدام توسط متهم ردیف اول صورت گرفته و علیرغم این اقدام بعداً آن را تکذیب می‌کنند که حسب اظهارات برخی از شهود نهایتاً با حضور مسعود کشمیری در محل پادگان‌های متعلق به متهم ردیف اول، توسط متهم ردیف دوم مسعود رجوی، از مسعود کشمیری به عنوان قهرمان خلق یاد می‌شود.

قاضی گفت: ولی نکته بسیار مهمی که قابل توجه است، نوع نقش معرفی کشمیری است که نزد دادگاه اسامی آنها موجود شده است و همراهان او که اسامی آنها نیز نزد دادگاه موجود است، و تحقیقات در این خصوص بطور جدی ادامه دارد، محمدرضا کلاهی از جمله افراد نزدیک به کشمیری بوده و خانه سکونت این دو فرد به دلیل شبهاتی که نسبت به آنها بوده، حتی تحت نظر بوده ولی نهایتاً با توجه به انفجار بسیار سهمگینی که رخ می‌دهد و افراد بسیار سرنوشت‌ساز برای جمهوری اسلامی از دست می‌روند.

وی ادامه داد: نکته‌ای که در این خصوص لازم به تحقیقات است و باید اعلام کنیم، نقش شهید قدوسی در بحث تحقیقات پرونده





قاضی گفت: از اولیای دم کسی در جلسه حاضر است؟
علی حق پناه گفت: پدر و مادرم نیستند فقط برادرم هست.
قاضی گفت: برادر شما مجرد بود؟ سمت دولتی داشت؟
حق پناه گفت: برادرم مجرد بود و در سپاه آموزش نظامی می‌داد.
قاضی گفت: درخواست شما چیست؟

حق پناه پاسخ داد: می‌خواهم به این پرونده رسیدگی شود.
حجت الاسلام والمسلمین مسعود مداح وکیل شکات پرونده اظهار کرد: شکایت موکلین علیه شخصیت حقوقی سازمان و همچنین سردستانان گروه نظامی و آقای هرمز صفایی نوایی است که نام وی در لیست متهمان پرونده قرار ندارد و در حال حاضر در آلمان پناهنده است. با توجه به قوانین این کشور قابلیت استرداد مجرم وجود دارد. سند اعلان قرمز این شخص از سوی اینترپل نیز به دادگاه ارائه شده است.

سپس غیاث‌الدین مظفری فرزند شهید حسین مظفری از شهدای واقعه قادیکلا در جایگاه حاضر شد و بیان کرد: در زمان شهادت پدرم سه ماهه بودم. پدر بنده یک معلم بود و منصب سیاسی نداشت. روز حادثه قصد مراجعه به اداره آموزش و پرورش را داشت که به فجیع‌ترین شکل ممکن به شهادت رسید.

حجت الاسلام والمسلمین مسعود مداح وکیل شکات پرونده، بیان کرد: یکی از شهدای دیگری که توسط اعضای تروریست و جنایتکار رجوی به شهادت رسید شهید یونس طاهری از اعضای اطلاعات سپاه بود که پس از شناسایی، ربایش و شکنجه‌های فراوان بدن مطهر این شهید بزرگوار تکه تکه شده و تا به امروز هم مفقودالاجسد است. فرزندان و همسر این شهید بزرگوار در جلسه دادگاه حضور دارند که برای بیان شکایت خود در جایگاه حضور می‌یابند. سپس فاطمه زهرا طاهری فرزند شهید یونس طاهری در جایگاه قرار گرفت و اظهار کرد: پدرم در زمان شهادت ۳۰ سال سن داشتند. پدرم را با لباس شخصی از مقابل خانه ربودند و می‌خواستند او را تخلیه اطلاعاتی کنند. پس از دو سال پیگیری مکرر از سوی دوستان، خانواده و سپاه، عاملان شهادت پدرم دستگیر و به سزای عمل خود می‌رسند، اما هیچوقت اثری از پیکر پدرم پیدا نشد.

چشمش به قتل رساندند. این درد را ۴۰ سال است که این مردم عنوان نکردند و امروز بنده بلندگوی این آه و درد هستم.

قاضی اظهار داشت: آقای وکیل اقتضای شغل وکالت شما این است که در چهارچوب آن اقتضاء، اصطلاحات حقوقی را در خصوص اتهامات به کار ببرید.

مداح وکیل شکات ادامه داد: همه بزه‌های انتسابی که عرض کردم؛ موضوع ماده ۲۷۹ و بغی و افساد فی‌الارض نسبت به شخصیت حقوقی و ۱۰۶ متهم اصلی این پرونده منتسب است که من جمله همین واقعه تروریستی قادیکلا است. آقای علی حق پناه برادر شهید محمدعلی حق پناه که در این واقعه به شهادت رسیدند در دادگاه حاضر هستند که شکایت‌شان در کیفرخواست مندرج است و از محضر دادگاه تقاضا دارم که اجازه دهند وی در جایگاه جهت ایراد شکایت حاضر شوند.

علی حق پناه در جایگاه قرار گرفت: فرزند قنبر برادر شهید محمدعلی حق پناه هستم، این شهید ما مجروح جنگی در گناوه بود. تقریباً یک ماه در تهران بستری بود. شهید مجروح جنگی بود و توانایی حرکت نداشت.

قاضی گفت: آنچه مربوط به حادثه قادیکلا در پرونده مضبوط است و مورد بررسی قرار می‌گیرد، مربوط به جاده قائمشهر به قادیکلا است که بین افراد متهم ردیف اول و نیروهای داوطلب مردمی رخ می‌دهد که ماشین نیروهای مردمی داوطلب را متوقف می‌کنند و درگیری شدید صورت می‌گیرد. برادر شما در این واقعه حضور داشته است؟

علی حق پناه گفت: بله. افرادی که در ماشین بوده و سرشناس بودند را از بقیه افراد جدا کرده و تیراندازی را شروع می‌کنند. برادرم عضو سپاه بود که به جبهه رفت و مجروح شد. قاضی گفت: بقیه افرادی که در آن روز همراه برادران در و انت بودند را می‌شناختید؟
حق پناه پاسخ داد: بله.

نواقص اعلامی از سوی رئیس دادگاه به دادرسی بوده و اینکه اتهامات بسیار مهمی مانند بعضی از اتهامات باید تعیین تکلیف دقیق شود مانند بغی، محاربه، افساد فی‌الارض که بسیاری از این موارد با دقت در کیفرخواست دیده نشده بود و وجود نداشت.

قاضی بیان کرد: درحال حاضر پس از گذشت یک سال و نیم که توسط نماینده دادستان تحقیقات جامع‌تری صورت گرفت و کیفرخواست با شکل کامل‌تری به دست دادگاه رسید حسب شکایت دختر شهید دفتریان دادگاه تحقیقاتی را انجام داده ولی با اسناد، استعلامات و افرادی مواجه می‌شود که تحقیقات بسیار گسترده‌تری را می‌طلبد.

وی ادامه داد: این را به خانواده شهدای ترور عرض می‌کنم هر آنکس که تا کنون برداشتی داشته که شاید شکایات او در سال‌های گذشته دقیق رسیدگی یا استماع نشده می‌تواند به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران مراجعه کند و در این خصوص اظهارات خود را بیان کند و این را بداند که دادگاه به صورت بسیار جدی تمام زوایا را بررسی خواهد کرد؛ این را خطاب به وکیل شاکی دختر شهید سید عبدالحسین دفتریان عرض می‌کنم به عنوان بخشی از آنچه که به عنوان رئیس دادگاه در تحقیقات به آن رسیدم، فعلاً بیان شده و این تحقیقات بیش از این بوده و همچنان هم ادامه دارد.

وکیل شکات گفت: بسیار سپاسگزارم از دادگاه به دلیل اینکه مطالبه موکلین بنده نابودی و پایان دادن به سازمان مجاهدین است که این سازمان همان داعش و همان القاعده است.

وکیل شکات گفت: بنده درد دل افرادی را بیان می‌کنم که بغض ۴۰ ساله دارند، سینه‌هایی مالا مال از آه و اندوه و اشک دارند. کسی که فرزند دو ساله خود را از دست داده، کسی که برادر، خواهر و پدرش را جلوی

International • Iran

Des Moudjahidin du peuple en bons thermes à Vichy



بازتاب گسترده خبر پولشویی‌های مریم قجر و ضرورت ورود نهادهای بین‌المللی

مریم رجوی دست‌کم دو بار در سال برای «تالاسوترایی» (دریا درمانی) می‌رود و تنها در سال ۲۰۲۴، مبلغ ۱۳۰ هزار یورو صرف این کرده است

که ۱۹ میلیون دلار از طریق شبکه جهانی شرکت‌هایی که سازمان مجاهدین ایجاد کرده، به دست این سازمان رسیده بود. مریم رجوی در بازجویی‌هایش گفته بود که این شرکت‌ها در اروپا هستند و شعبه‌هایی نیز در عراق، اردن و امارات و در حوزه‌های الکترونیک، تجارت فرش و خدمات دارند.

با این حال، مسئولان تحقیق در فرانسه در آن زمان، دو منبع مهم مالی سازمان مجاهدین را پولشویی و جمع‌آوری کمک‌های مالی اعلام کردند.

این گزارش‌ها، پرسش‌های جدی در مورد منابع مالی سازمان مجاهدین خلق و نحوه هزینه کردن این منابع مطرح می‌کنند.

واقعیت این است پولشویی‌هایی که توسط این فرقه تروریستی انجام می‌شود بسیار پیچیده بوده و از این رو است که مریم رجوی با خیال راحت به ولخرجی‌هایش ادامه داده و اهداف ضدایرانی خود را به راحتی دنبال می‌کند.

لذا لازم است نهادهای بین‌المللی و کشورهای ذی‌ربط، تحقیقات دقیقی در مورد منابع مالی سازمان مجاهدین خلق انجام دهند و با مدارک موجود، اقدامات قانونی لازم را انجام دهند.

این نشریه فرانسوی همچنین مدعی شده که دادگستری فرانسه در حال تحقیق درباره فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق در زمینه پولشویی است.

رسانه‌ها پیش از این نیز به هزینه‌های بالای این سازمان برای لابی‌گری در آمریکا و اروپا، مهمانی‌های مجلل و پوشاک گران‌قیمت مریم رجوی اشاره کرده بودند.

روزنامه لوموند در سال ۲۰۰۵ فاش کرد که پلیس فرانسه با تجسس از مقر سازمان مجاهدین در حومه پاریس، به وجود یک شبکه پیچیده مالی در این سازمان پی برده است. در جریان این تجسس، پلیس به هشت میلیون دلار وجه نقد دست یافت که از طریق آلمان، روسیه و سوئیس به دست سازمان مجاهدین خلق در پاریس رسیده بود.

مریم رجوی نیز در جریان بازداشت موقت خود در فرانسه در سال ۲۰۰۳ گفته بود که سازمان مجاهدین سالانه بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار کمک مالی جمع‌آوری می‌کرد و در سال ۲۰۰۲ این رقم به ۳۰ میلیون دلار رسیده است. در آن سال، دادگستری فرانسه اعلام کرده بود

انتشار گزارش‌هایی مبنی بر ولخرجی‌های مریم رجوی در فرانسه، بار دیگر توجه رسانه‌ها و افکار عمومی را به خود جلب کرده است. به گزارش فراق، این گزارش‌ها که در برخی رسانه‌های بین‌المللی بازتاب داشته، موجب ایجاد تضادهای گسترده نیز درون مقرهای این فرقه شده است.

هفته‌نامه فرانسوی «کانارآشنه» چند وقت پیش فاش کرد که مریم رجوی به طور منظم و با پرداخت مبالغ هنگفت، در هتل‌های مجلل و گران‌قیمت آب گرم در فرانسه اقامت می‌کند.

این نشریه مدعی است که مریم رجوی دست‌کم دو بار در سال برای «تالاسوترایی» (دریا درمانی) به این اقامتگاه‌ها می‌رود و تنها در سال ۲۰۲۴، مبلغ ۱۳۰ هزار یورو صرف این اقامت‌ها کرده است.

«کانارآشنه» همچنین تصریح کرده که صورت‌حساب‌های رجوی در این اقامتگاه‌های مجلل به صورت نقد پرداخت می‌شود. به عنوان مثال، هزینه اقامت او در هتل پنج ستاره «ویشی» در دسامبر سال ۲۰۲۳، بالغ بر ۶۵ هزار یورو و هزینه اقامت دیگر او در هتل مجلل «بیاریتر» در بهار سال گذشته، ۳۸ هزار و ۱۴۰ یورو بوده



حمایت‌های نمایشی از رجوی، تجارتی پُر سود برای لایبست‌ها

باشند، زیرا این کشور نمی‌خواهد به پایگاهی برای تروریسم تبدیل شود.

مریم رجوی بارها ممنوع‌الخروج شده و حتی پس از رفع محدودیت‌ها، دولت فرانسه اجازه خروج به او نداده است. امروز بیشتر فعالیت‌های او به فضای مجازی محدود شده، زیرا دیگر توان سفرهای پرسروصدا را ندارد. در اینجا نیز این پرسش به اذهان متبادر می‌شود که اگر حمایت از مجاهدین واقعی است، چرا این همه محدودیت علیه آن‌ها وجود دارد؟ آیا این محدودیت‌ها ساختگی نیست؟ یا واقعیت این است که فرقه رجوی در انزوای کامل به سر می‌برد و تنها با تبلیغات دروغین سعی در فریب افکار عمومی دارد. حقیقت این است که حمایت‌های ظاهری از تشکیلات رجوی، نه برای نجات آن‌ها، بلکه برای منافع مالی لایب‌هاست. تا زمانی که مریم رجوی بتواند هزاران دلار خرج کند، این حامیان مصنوعی در صحنه باقی می‌مانند. تنها چیزی که به حیات مصنوعی آن‌ها ادامه می‌دهد، دلارهایی است که برای خرید حمایت‌های نمایشی هزینه می‌کنند. اما پایان این بازی چه خواهد بود؟ زمانی که آخرین دلارها نیز تمام شود، چه کسی حاضر است برای یک جریان ورشکسته سیاسی هزینه کند؟

تشکیلات رجوی در آستانه فروپاشی کامل قرار دارد و تنها چیزی که باقی مانده، تکیه‌گاه‌های پوشالی و حمایت‌های دروغین حامیان منفعت‌طلب است.

حمایت‌های ظاهری از تشکیلات رجوی، نه برای نجات آن‌ها، بلکه برای منافع مالی لایب‌هاست.

به گزارش فراق، رسانه‌های وابسته به تشکیلات تروریستی رجوی در روزهای اخیر، با جاروجنجال ادعا کردند که کنگره آمریکا و برخی چهره‌های سیاسی از مریم رجوی حمایت کرده و خواستار رسمیت‌یافتن این گروه شده‌اند! اما نکته قابل تأمل اینجاست که جز رسانه‌های خود مجاهدین، هیچ منبع معتبری این ادعا را مطرح نکرده است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا این گروه چنین اخبار بی‌اساسی را بزرگنمایی می‌کند؟ پاسخ روشن است: آن‌ها جز این کار، چه توانی برای اثبات وجود خود دارند؟

نگاهی به سابقه حمایت‌های بین‌المللی از تشکیلات رجوی نشان می‌دهد که این حمایت‌ها هیچ‌گاه نتیجه‌ای در بر نداشته است. نه تنها نتوانسته‌اند ممنوعیت‌های سفر مریم رجوی به آمریکا را برطرف کنند، بلکه حتی نتوانسته‌اند این گروه را از انزوای کامل نجات دهند.

در مقابل، شاهد بوده‌ایم که پس از سقوط صدام حسین و انتقال اعضای تشکیلات به آلبانی، محدودیت‌های بیشتری علیه آن‌ها اعمال شده است. حتی در آلبانی، مقرهای آن‌ها مورد حمله پلیس قرار گرفته و تحت نظارت شدید امنیتی هستند. مقامات آلبانی بارها به آن‌ها هشدار داده‌اند که مراقب فعالیت‌های خرابکارانه خود

احتمال برخورد فرانسه

با مجاهدین خلق و استرداد به ایران

به دنبال اعلام جرم دستگاه قضایی فرانسه علیه مریم رجوی و با توجه به سابقه عملیات‌های تروریستی فرقه رجوی در این کشور و سایر نقاط جهان، شواهدی از احتمال برخورد قریب‌الوقوع پلیس فرانسه با مقرهای این گروه به چشم می‌خورد. به گزارش پایگاه خبری-تحلیلی فراق، این احتمال می‌تواند به دلایل متعددی مرتبط باشد که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

از زمان بازداشت مسعود رجوی در ژوئن ۲۰۰۳، دولت فرانسه به‌طور مداوم به بررسی فعالیت‌های این گروه پرداخته و در بسیاری از موارد، اقداماتی علیه آن انجام داده است. روندی که همواره با انتشار مقالات انتقادی در رسانه‌های معتبر فرانسوی از جمله روزنامه لوموند همراه بوده است. جالب توجه است که در سال گذشته، قبل از عملیات‌های مهم پلیس فرانسه علیه مجاهدین، لوموند به موضوع کودک‌سربازی و نقض حقوق بشر در مقرهای این فرقه پرداخته بود.



از سوی دیگر، گزارش‌های اخیر درباره ولخرجی‌های مریم رجوی، رئیس این گروه، در حالی منتشر شده است که نگرانی‌های جدی درباره منابع مالی و فعالیت‌های مشکوک این گروه در فرانسه وجود دارد. با توجه به سوابق این گروه در انجام عملیات‌های تروریستی و همچنین حمایت‌های مالی و سیاسی که به‌طور مداوم از آن‌ها می‌شود، احتمال اینکه دولت فرانسه به‌زودی اقداماتی جدی علیه این گروه انجام دهد، به نظر می‌رسد. در این راستا، ممکن است که پلیس فرانسه اقدام به حمله به مقرهای مجاهدین خلق کند و زمینه را برای استرداد آنان به ایران فراهم سازد. وضعیت کنونی مجاهدین خلق در فرانسه، در آستانه تحولی اساسی قرار دارد و باید منتظر ماند و دید که آیا این تحلیل‌ها به واقعیت تبدیل خواهند شد یا خیر.



اگر دادگاه برایتان بی اهمیت است، این همه واکنش برای چیست؟

فراق

این تناقض‌های آشکار و هذیان‌گویی‌های رجوی، نشان‌دهنده بحران درونی شدید این تشکیلات است که آن‌ها را در برابر دادگاه با چالش‌های بزرگی مواجه کرده است. ما جدانشدگان، همراه مردم ایران، به روند دادگاه اعتماد داریم و آن را پیگیری می‌کنیم. اما آنچه رجوی و اطرافیانش را بیش‌ازپیش رسوا و مغرور می‌کند، دروغ‌پردازی، وارونه‌نمایی و شانتاژ مستمر آن‌هاست.

ترس رجوی با سخنان ضدونقیضش آشکارتر از همیشه شده است. تناقض‌آمیزترین رفتار او، پنهان‌کاری بیش از دو دهه‌ای است! اگر نگرانی از دادگاه و شاهدین نداشتند، چرا لحظه‌به‌لحظه آن را دنبال می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند؟

پیشنهاد ما به سازمان مجاهدین این است: حداقل یک‌بار در یک مصاحبه رودررو، رجوی یا همسرش حاضر شوند!

سوال اینجاست: اگر از دادگاه و پیامدهایش نمی‌ترسند، چرا با عجله سرکردگان‌شان را جابه‌جا و پنهان می‌کنند؟

اگر دادگاه واقعاً بی‌اهمیت است، این همه پرداختن به آن برای چیست؟

به نظر می‌رسد مجاهدین بیش از همه، از این آتش زیر خاکستر هراسان‌اند و پیامدهای ویرانگر آن را از همین حالا پیش‌بینی می‌کنند. به همین دلیل هر روز مجبورند رجوی را از مخفیگاه بیرون بکشند تا هذیان‌گویی کند!

دست می‌دهد و دقایقی نمی‌گذرد که پیامی جدید منتشر می‌کند.

یک‌بار گفته: «دادگاه برای ما اصلاً مهم نیست»

بار دیگر ادعا کرده: «ما وکیل نیاز نداریم و این دادگاه کاملاً نمایشی است»

اما اخیراً با تأیید و تمجید از وکیل تسخیری، به سخنان او در دادگاه استناد کرده‌اند!

پس از آخرین جلسه دادگاه، در اقدامی تأمل‌برانگیز، سخنان وکیل تسخیری را بازنشر کردند؛ کسی که گفته بود:

«شاهدین حاضر در دادگاه باید از اتهامات میرا بوده و فرآیندهای قانونی را طی کرده باشند»

آنچه مشخص است، این دادگاه بر اساس قوانین حقوقی، قضایی و قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش می‌رود.

بهترین گواه بر سلامت آن، برگزاری جلسات علنی و گزارش‌های مستمر به مردم ایران است. جدانشدگانی که در برخی جلسات به‌عنوان شاهد حاضر شده‌اند، خود قربانیان شکنجه و جنایات این فرقه بوده‌اند. در پاسخ به ادعای وکیل تسخیری مبنی بر اینکه «چرا شاهدین سابق محاکمه نشده‌اند؟» باید گفت

این افراد مطابق قوانین جمهوری اسلامی، در فرآیندهای مختلف مورد عفو قرار گرفته‌اند و اکنون تابع قانون هستند.

جلسات دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ تن از سرکردگان تشکیلات تروریستی مجاهدین مرتب در حال برگزاری است.

به نظر می‌رسد برخلاف ادعاهای پیشین مجاهدین مبنی بر بی‌توجهی به دادگاه، واکنش شدید و مداوم سرکردگان آن به وقایع و رخداد‌های پیرامون آن، نشان‌دهنده تأثیر عمیق و غیرقابل‌انکار این دادگاه بر آنان است.

تلاش‌های مذبوحانه و موضع‌گیری‌های متعدد آن‌ها با ادعای بی‌تفاوتی و عدم رسمیت‌شناسی دادگاه، همخوانی ندارد.

آن‌ها ثابت کرده‌اند که دادگاه نه تنها خواب را از چشمان سران این سازمان ربوده، بلکه زلزله‌ای درونی در میان اعضا ایجاد کرده است.

یکی از عوامل این بحران درونی، مواجهه با تبعات دادگاه، به‌ویژه افشاگری‌های جدانشدگان و بیان حقایق و جنایاتی است که مرتکب شده‌اند. این جدانشدگان که خود قربانیان و شاهدان جنایات سازمان هستند، با تشریح جزئیات هولناک جنایات فرقه رجوی، چالش جدی برای آنان ایجاد کرده‌اند.

افشاگری‌های آن‌ها شامل مسئولیت فرقه رجوی در: ترور بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم ایران، کشتار، شکنجه و تصفیه‌های داخلی در چهار دهه گذشته است که موجب سردرگمی و تناقض‌گویی در میان سران و اعضای مجاهدین خلق شده است. رجوی که وحشت شدیدی او را فراگرفته، روزانه با اخبار دادگاه، تعادلش را از

جنایتی ددمشانه و رقص شیطانی خانانان جز فرومایگانی چون رجوی چه کسانی دل شاد می شوند؟

مریم سنجایی



بامداد ۲۳ خرداد ماه، رژیم اشغالگر صهیونیستی بار دیگر پرده از سیمای کریه خویش برگرفت و با جنایتی وحشیانه، جمعی از فرزندان رشید این خاک، از فرماندهان و دانشمندان نستوه گرفته تا مردم عزیز این دیار را آماج کینه و شقاوت خویش ساخت. خون پاک این عزیزان بر زمین ریخت و غمی جانکاه بر سینه میهن نشست.

در این میان، تنها کسانی که دلی به پلیدی شیطان دارند و بویی از انسانیت نبرده‌اند، می‌توانند بر این فاجعه صحنه نهند و با آن همراهی کنند. آری، جز فرومایگانی چون رجوی و ایادی ناپاکش، چه کسی از این بیداد دل شاد خواهد شد؟ همان کس که با شتابی جنون آمیز و ولعی تنفربرانگیز، مهر تأیید بر اقدامات ارباب صهیونیستش، نتانیاهاو، کوید و بی‌شرمانه از این ددمنشی حمایت کرد.

همسویی این عنصر خودفروخته با رژیم صهیونیستی هرگز تا بدین حد آشکار و بی‌پرده نبوده است. رجوی پلید، که همواره در مرداب خطا و جنایت دست و پا می‌زند، بار دیگر از هول حلیم به دیگ افتاد و ماهیت پلید خود را به نمایش گذاشت.

جالب آنکه، در محکومیت این اقدام بزدلانه و جنایتکارانه، اغلب کشورهای جهان، حتی آمریکا، به ظاهر، تأکید می‌کنم، هیچ کشوری تا بدین لحظه از این رژیم اشغالگر حمایت نکرده و قریب به اتفاق، این حمله را به شدت

جنایتکاری که در کارزار ایران و عراق، راه دشمنی را برگزید و با همکاری و جاسوسی برای صدام، موجبات نفرت عمیق ملت را فراهم آورد. اکنون نیز، ملت قهرمان ایران نیک درمی‌یابند که چگونه رجوی و هم‌کیشان، تمام و کمال در استخدام صهیونیست‌ها هستند و در میان این معرکه، بر خون شهیدان سُم بر زمین می‌کوبند.

آری، جز وطن‌فروشان، جانیان و بی‌ریشه گان، چه کسانی از شهادت دانشمندان و سرمایه‌های ملی کشورشان شادمان خواهند شد؟ این کینه‌توزی و بی‌حیایی، مهر تأییدی است بر خبائت نهادین این جماعت، که هرگز بوی انسانیت نبرده‌اند.

محکوم کرده‌اند. کشورهای ژاپن، عمان، قطر، عربستان، پاکستان، امارات متحده عربی، اندونزی، لبنان، روسیه، کره شمالی، اردن، حزب حاکم ترکیه، ونزوئلا، کوبا و نیز دبیرکل سازمان ملل متحد، هر یک با بیانی صریح و قاطع، این حمله را تقبیح کردند و دیگر کشورها نیز ضمن ابراز مخالفت، نگرانی عمیق خود را از گسترش دامنه جنگ در خاورمیانه اعلام داشتند. در این میان، تنها یک میمون دست‌آموز به نام رجوی، به رقص شوم خویش ادامه داد.

اینجانب یقین دارم که مردم شریف ایران، با بصیرت همیشگی خویش، بار دیگر این دشمن خبیث را در جنایت امروز بهتر شناختند. همان

انتقال جزئیات شرایط و اتفاقات کشور، به‌ویژه از مناطق حساس، حتی از روی دلسوزی خانوادگی، می‌تواند به ابزاری علیه امنیت کشور بدل شود. به گزارش فراق، در شرایطی که دشمن با انواع جنگ ترکیبی، از جمله جنگ شناختی و سایبری علیه ملت ما فعال است، مردم باید توجه کنند که اپلیکیشن‌های ناشناخته و دارای دسترسی‌های غیرمجاز می‌توانند به راحتی کنترل تجهیزات هوشمند را در اختیار گرفته و حتی اطلاعات حساس را ناخواسته در اختیار مجرمان سایبری یا دشمنان خارجی قرار دهند. این روزها حتی مکالمات تلفنی معمولی با بستگان داخل یا خارج از کشور می‌تواند مورد شنود قرار گیرد. اگر کسی از شما درباره وضعیت منطقه‌تان، محل زندگی‌تان یا حوادث اطرافتان پرسید، پاسخ شما باید با احتیاط و در صورت امکان «تمی‌دانم» باشد.

انتقال جزئیات شرایط و اتفاقات، به‌ویژه از مناطق حساس، حتی از روی دلسوزی خانوادگی، می‌تواند به ابزاری علیه امنیت کشور بدل شود.

افرادی که در خارج از کشور آشنا یا بستگانی دارند دقت کنند

مراقب شود مکالمات

توسط عوامل رژیم صهیونیستی باشد



افشای استراتژی صهیونیست‌ها و مجاهدین خلق برای فرار از پذیرش هزینه‌های شکست دستور سایبری برای اختلاف افکنی در داخل ایران چیست؟



لشکر سایبری تشکیلات مجاهدین خلق با استفاده از اکانت‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی و تحت پوشش به‌اصطلاح «سوپرانقلابی‌گری»، تلاش می‌کند شکست آشکار رژیم صهیونیستی را به‌عنوان پیروزی جلوه داده و ایران را شکست‌خورده معرفی کند.

به گزارش فراق، در پی پذیرش شکست از سوی رژیم صهیونیستی و متحدان آمریکایی‌اش پس از حملات موشکی قاطع ایران به پایگاه العدید در قطر و سرزمین‌های اشغالی، تشکیلات تروریستی منافقین با فعال‌سازی لشکر سایبری خود در آلبانی، به دروغ‌پراکنی و عملیات روانی علیه ملت ایران روی آورده است.

این تشکیلات که سابقه‌ای طولانی در خیانت و جاسوسی برای دشمنان ایران دارد، با استفاده از اکانت‌های جعلی در شبکه‌های اجتماعی و تحت پوشش به‌اصطلاح «سوپرانقلابی‌گری»، تلاش می‌کند شکست آشکار رژیم صهیونیستی را به‌عنوان پیروزی جلوه داده و ایران را شکست‌خورده معرفی کند.

تشدید فعالیت‌های سایبری مجاهدین با دستور مستقیم موساد و سیا

طبق اطلاعات به‌دست‌آمده، اکانت‌های وابسته به مجاهدین خلق با انتشار محتوایی نظیر «خون شهیدان پایمال شد!»، «عباس عراقچی و دولت این آتش‌بس را به نظام تحمیل کردند!» و «توقف جنگ به معنای صلح تحمیلی است!»، به‌صورت سازمان‌یافته احساسات انقلابیون را هدف قرار داده‌اند. این اقدامات، که با هماهنگی سرویس‌های جاسوسی موساد و سیا انجام می‌شود، بخشی از استراتژی صهیونیست‌ها برای فرار از پذیرش هزینه‌های شکست در جنگ اخیر است. منافقین، که پیش‌تر با افشای برنامه‌های هسته‌ای ایران برای رژیم صهیونیستی و آمریکا جاسوسی کرده و در جنگ تحمیلی

مادران آلبانیایی، صدای مادران چشم‌انتظار در ایران شدند آیا دولت آلبانی توان شکستن زنجیرهای اسارت را دارد؟

مادران آلبانیایی در شهر «دورس»، جایی که سایه سیاه تشکیلات مجاهدین خلق بر بخشی از خاک آلبانی افتاده است، صدای همه مادران چشم‌انتظار شدند که فرزندان‌شان در سیاه‌چاله‌های آن گرفتارند.

به گزارش فراق، روز پنج شنبه اول خرداد ماه در آلبانی صدای مادرانی طنین انداز شد که نه از برای خویش، که از بهر مادرانی فریاد زدند که فرزندان‌شان در چنگال تشکیلات رجوی ناخواسته گرفتار شدند. تظاهرات مادران آلبانیایی روایتی گویا از مقاومت انسانیت در برابر سنگدلی بود. این مادران، با بروشورهایی در دست در منطقه اسکان موقت تشکیلات رجوی به روشن‌گری پرداختند؛ آن‌ها از محرومیت اعضای تشکیلات از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی گفتند، از نامه‌های بی‌پاسخ، از دیدارهای ممنوع، و از دیواری که میان فرزندان و مادران کشیده شده است. در میان کلمات آن بروشور، رنجی نهفته بود که شامل مرزهای جغرافیایی نبود: «خانواده ارزشمندترین موضوع در جهان است»



تلویزیون «ستارپلاس» آلبانی نیز به پوشش این اعتراض پرداخت و آن را «افتخار آلبانی» نامید چرا که این مادران، پا جای پای مادران ایرانی گذاشته بودند تا سال‌ها چشم‌انتظاری آن‌ها را فریاد بزنند. گویی درد مادری، زبانی جهانی دارد؛ زبانی که مرز نمی‌شناسد و فریادش در هر کجای جهان، طنینی یکسان دارد. سوالی که مجری این رسانه در پایان مطرح کرد، سوالی است که دولتمردان آلبانی باید به آن پاسخ دهد: «آیا دولت آلبانی توان شکستن زنجیرهای اسارت، توان برقراری دوباره پیوند مادر و فرزند، توان ایستادن در برابر ظلمی که پشت پرده «تشکیلات» پنهان شده است را دارد؟

با صدام حسین علیه ملت ایران همکاری داشتند، اکنون به ابزاری برای عملیات روانی علیه ایران تبدیل شده‌اند.

این تشکیلات، که مسئول به شهادت رساندن ۱۷ هزار ایرانی بی‌گناه است، با تشکیل یگان سایبری در آلبانی، بیش از ۱۵۰۰ نیروی آموزش‌دیده را به‌صورت شبانه‌روزی برای تولید محتوای جعلی و شایعه‌پراکنی علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته است. مجاهدین خلق امروز با استفاده از اکانت‌های فیک و هویت‌های جعلی، به سیاه‌نمایی از وضعیت ایران، بزرگ‌نمایی مشکلات اقتصادی، و تحریف مقدسات مذهبی می‌پردازد. نمونه بارز این اقدامات، شایعه‌پراکنی اخیر آن‌ها درباره تخلیه برخی اماکن در ایران پس از حملات صهیونیستی بود که با هدف تشویش اذهان عمومی انجام شد.

پاسخ قاطع ایران و ناکامی دشمن

برخلاف ادعاهای مطرح شده از سوی رژیم صهیونیستی و منافقین توقف جنگ، نتیجه تحمیل اراده ایران بر دشمن بود. حملات موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکایی و صهیونیستی، که با عملیات «وعده صادق ۳» به اوج خود رسید، رژیم متجاوز را وادار به عقب‌نشینی کرد. البته ایران اعلام کرده است که در برابر هرگونه شرارت جدید، پاسخی قاطع‌تر خواهد داد.

ملت ایران، که بارها توطئه‌های منافقین را خنثی کرده، امروز نیز با هوشیاری در برابر اکانت‌های جعلی و پروپاگاندای سایبری این تشکیلات، اجازه نخواهد داد که دستاوردهای مقاومت به حاشیه رود.

درخواست جدی ایران برای استرداد سرکردگان مجاهدین از کشورهای اروپایی



دادگاه انجام می‌شود و در هر جلسه، ابعاد جدیدی از پرونده بررسی می‌شود. تاکنون بیش از ۳۰ جلسه تشکیل شده و در آن‌ها شهادت‌های متعدد استماع شده است. پیگیری استرداد مجرمان از اروپا یکی از موضوعات کلیدی این پرونده، درخواست ایران برای استرداد سران فرقه رجوی از کشورهای اروپایی است. قاضی دهقانی با اشاره به معاهدات استرداد و مبارزه با تروریسم، خاطرنشان کرد که عدم همکاری این کشورها در استرداد متهمان، نقض تعهدات بین‌المللی محسوب می‌شود و دستگاه قضایی ایران این موضوع را از طریق حقوقی پیگیری می‌کند.

واکنش‌های عمومی و انتظارات بسیاری از خانواده‌های قربانیان و حتی اعضای سابق این فرقه، این دادگاه را پاسخی به یک انتظار چند ده‌ساله می‌دانند. قاضی دهقانی اطمینان داد که دادگاه با شتابزدگی برخورد نخواهد کرد و تمام جوانب پرونده را با دقت بررسی می‌نماید. این پرونده نه تنها از جنبه قضایی، بلکه از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت است. به گفته قاضی دهقانی، این دادگاه بخشی از تاریخ انقلاب محسوب می‌شود و تجربه ارزشمندی در برخورد با جرایم سازمان‌یافته در اختیار دستگاه قضایی قرار می‌دهد.

دادگاه رسیدگی به اتهام‌های ۱۰۴ نفر از سرکردگان تشکیلات مجاهدین و ماهیت این گروه به‌عنوان یک شخصیت حقوقی، همچنان در جریان است. به گزارش فراق، این پرونده که از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع قضایی پس از انقلاب اسلامی یاد می‌شود، در چارچوب مبارزه با تروریسم و پایان دادن به بی‌کیفرمانی بزرگترین گروه خائن ضدایرانی تحت حمایت غرب برگزار می‌شود. ویژگی‌های منحصر به فرد پرونده قاضی حجت‌الاسلام والمسلمین دهقانی، رئیس این دادگاه، در گفت‌وگوی نوروزی خود با خبرگزاری میزان به ویژگی‌های خاص این پرونده اشاره کرده است:

حجم بالای جنایت‌ها؛ این گروه متهم به انجام اقدامات تروریستی گسترده علیه مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران است. شهادت‌های متعدد؛ بیش از ۲۰۰ شاهد، از جمله اعضای سابق، در این پرونده حاضر شدند. تعداد زیاد شاکیان؛ خانواده‌های بسیاری از قربانیان پس از دهه‌ها انتظار، فرصت بیان شکایت‌های خود را در دادگاه یافته‌اند. روند رسیدگی قضایی دادگاه با دقت و حوصله در حال بررسی اتهام‌هایی است که برخی از آن‌ها به بیش از ۵۰ سال پیش بازمی‌گردد. قاضی دهقانی تأکید کرد که تحقیقات با استفاده از اختیارات قانونی

وقتی دیگ رجوی روح و روان را با هم می‌پخت

نشست‌های موسوم به «دیگ» که با حضور خود مسعود رجوی در مقرهای فرقه رجوی برگزار می‌شد حاوی صحنه‌های شرم‌آور و در عین حال تراژیک بود.

به گزارش فراق، «دیگ» نشست بود که برگرفته از عنوانش، اعضا در فشارهای روانی بالا ذوب می‌شدند تا به اصطلاح گناهان خود را بریزند.

اعضای سازمان مجاهدین خلق در این نشست، یکی پس از دیگری، در مقابل جمعیت هزاران نفری، شخصیت، عقل و حتی غرایز انسانی خود را قربانی بتِ ساختگی رجوی می‌کردند.

این نشست‌ها در واقع کارخانه تولید انسان‌های یک شکل فاقد اراده بود. اعضا تحت فشارهای روانی شدید، القانات پی در پی و جو هیستریک جمعی، به نقطه‌ای می‌رسیدند که حتی از شرمساری برای وجود خودشان نیز عبور می‌کردند.



نمونه بارز آن، اعترافات تحقیرآمیزی است که این فرد در جلوی عموم انجام می‌دهد: «وقتی خواهر مریم را میبینم، لغزش پیدا می‌کنم و حالی به حال می‌شوم»

البته نمونه‌های دیگر هم است: «من یک عنصر ضدانقلابی هستم چون دیروز به جای فکر کردن به رهبر، به غذای خود فکر کردم!»

«اعتراف می‌کنم که شبها گاهی خواب میبینم و در خوابم رهبر نبوده... این نشانه انحراف است!»

تراژدی اصلی اینجاست که این افراد، پس از سال‌ها، حتی اگر از فرقه خارج شوند، اغلب قادر به بازسازی شخصیت مستقل خود نیستند. آنها یاد گرفته‌اند که وجودشان فقط در پرستش یک چهره خیالی معنا دارد.

روایت خبرنگار «تهران تایمز» از داستان دلخراش مادری که ۲۴ سال در جستجوی تنها پسرش است چگونه مجاهدین خلق پسر را ربود و آلبانی چشم خود را بست

حقوق او کسر خواهد کرد.» اعلان مدت کوتاهی بعد با مادرش تماس گرفت تا خداحافظی کند. سپس ناپدید شد. ثریا گفت: «هر روز نگران بودم. نمی‌توانستم باور کنم که به این راحتی ارتباطم با پسر قطع شده و هیچ راهی برای یافتنش ندارم. این یک کابوس زنده بود.»

چهار سال در خارج از دروازه‌های جهنم سه سال طول کشید تا اعلان دوباره با مادرش تماس بگیرد. او به ثریا گفت که در اردوگاه پناهجویان در آلمان بوده، جایی که هیچ وسیله ارتباطی وجود نداشته، اما حالا آزاد است، زندگی خوبی دارد و در باشگاهی که خودش مالک آن است، ده‌ها ورزشکار را آموزش می‌دهد.

ثریا اظهار داشت: «او شماره‌ای آلمانی به من داد و گفت حالا می‌توانیم مرتب در تماس باشیم.» اما آن شماره جعلی بود.

تا سال ۲۰۰۸ یا ۲۰۰۹ بود که ثریا حقیقت را درباره پسرش کشف کرد. صاحب کارخانه ادعایی، اعلان را اصلاً به آلمان نبرده بود؛ بلکه او را به عراق برده بود، به کمپ اشرف: مقر متروک و منزوی مجاهدین خلق که بیش از ۵,۰۰۰ نفر را در خود جای داده بود. برخی داوطلبانه وارد این کمپ شده بودند، اما دیگران، مانند اعلان، ربوده شده و به آنجا کشانده شده بودند.

ثریا گفت: «از طریق خویشاوند دوری از خانواده همسر که از مجاهدین خلق جدا شده و به ایران بازگشته بود، از سرنوشت پسر باخبر شدم. او مرا می‌شناخت، پس به دنبالم آمد و به من گفت چه بر سر اعلان آمده است.»

آن زمان، ثریا اطلاعات زیادی درباره مجاهدین خلق نداشت. او به یاد آورد که در دهه ۱۹۸۰، زمانی که این گروه حملات تروریستی در تهران انجام می‌داد، نامشان را از تلویزیون شنیده بود، اما در ۱۸ سالگی، آن‌قدر مشغول زندگی تازه ازدواجش بود که توجه زیادی به این موضوع نداشت. حتی پس از آگاهی از ربوده شدن اعلان توسط مجاهدین خلق، او ساده‌لوحانه تصور می‌کرد که آن‌ها زندگی نسبتاً عادی‌ای در میان مردم عادی



بین‌المللی را بگذرانند تا بتوانند در مسابقات شرکت کنند و شاگردانی داشته باشند.» در اوایل دهه ۲۰۰۰، پسر محبوب ثریا در ۲۰ سالگی برای دریافت گواهینامه بین‌المللی به ترکیه سفر کرد. در آنجا با مردی ایرانی آشنا شد که ادعا می‌کرد صاحب کارخانه‌ای در آلمان است. اما در واقع، این مرد مأمور مخفی سازمان مجاهدین خلق (MOK) بود که به دنبال جذب اعضای جدید برای این سازمان تروریستی بود. ثریا به یاد آورد: «اعلان یک روز با من تماس گرفت و گفت برنامه‌اش تغییر کرده است. او گفت با صاحب کارخانه‌ای ثروتمند آشنا شده که شغلی با درآمد خوب در آلمان به او پیشنهاد داده است. آن مرد قول داده بود که پس از چند سال، من و خواهرانش را هم به اروپا بیاورد.»

هتلی در استانبول که اعلان در آن اقامت داشت، میزبان ایرانیان دیگری نیز بود. مأمور مجاهدین خلق به‌طور استراتژیک دیگر اعضای گروه را در اطراف هتل قرار داده بود تا از صاحب کارخانه ادعایی حمایت کنند و او را فردی سخاوتمند و خیرخواه جلوه دهند.

ثریا مبلغ قابل توجهی پول به ترکیه فرستاد تا هزینه‌های سفر پسرش به آلمان را پوشش دهد. او گفت: «مردی که ادعا می‌کرد اعلان را به اروپا می‌برد، حتی با من تلفنی صحبت کرد، در حالی که اعلان هنوز در ترکیه بود. او گفت پولی که فرستاده‌ام کافی نیست، اما همچنان اعلان را خواهد برد و باقی مبلغ را از

■ نویسنده: شیدا سبزواری، تهران تایمز

وقتی ثریا عبداللهی در دهه سوم زندگی‌اش به‌عنوان مادری تنها شبانه‌روز کار می‌کرد تا مخارج سه فرزند خردسالش را تأمین کند، تصور می‌کرد بزرگ‌ترین چالش آینده‌اش، اطمینان از تحصیل مناسب فرزندان و ازدواج آن‌ها با افرادی است که دوستشان دارند. او هرگز تصور نمی‌کرد که در ۶۴ سالگی، همراه با دیگر اعضای خانواده‌اش، بیش از دو دهه را صرف جستجو برای یافتن تنها پسرش، امیراصلان، کرده باشد.

ثریا سه فرزند دارد. اعلان، فرزند دوم او و نزدیک‌ترین به قلبش بود. او توضیح داد: «زندگی ما از نظر مالی سخت بود. من در کارخانه‌ها کار می‌کردم و گاهی شیفتهای شبانه می‌گرفتم. اعلان به من کمک مالی می‌کرد. بعد از مدرسه، در تعمیرگاه‌های خودرو کار می‌کرد، پول توجیبی خودش را تأمین می‌کرد و برای خرید برخی از نیازهای خواهرانش هم کمک می‌کرد.»

امیراصلان در حالی که خواهر کوچکش را در آغوش گرفته است. او در این عکس در اواخر دوره نوجوانی‌اش است.

اعلان از حدود ۱۶ سالگی به بدنسازی علاقه‌مند شد. این ورزش را دوست داشت، زیرا به او قدرت می‌داد و می‌توانست در نهایت برایش درآمدزایی کند. ثریا گفت: «او مربی‌ای داشت که به او گفته بود باید یک دوره

دارند. واقعیت زمانی برایش روشن شد که انجمنی متشکل از اعضای سابق مجاهدین خلق، او و دیگر خانواده‌هایی که فرزندانشان ربوده شده بودند را به عراق بردند. هدفشان این بود که در بیرون کمپ اشرف نام فرزندانشان را فریاد بزنند، به امید اینکه آن‌ها صدایشان را بشنوند و برای فرار تلاش کنند.

ثریا گفت: «از مرز مهران در غرب ایران وارد عراق شدید. نمی‌توانم احساساتی که وقتی به بیابانی که به آن اشاره می‌کردند و می‌گفتند «اینجا اشرف است» رسیدیم را توصیف کنم. بلوک‌های بتنی وحشتناکی را نشانمان دادند.»

همان‌طور که تهران تایمز قبلاً گزارش داده بود، افرادی که در داخل کمپ بودند، عملاً از دنیای بیرون قطع شده بودند. استفاده از تلفن همراه ممنوع بود، تماشای تلویزیون محدود بود و استفاده از کامپیوتر تنها برای وظایف محوله مجاز بود. روابط نیز به شدت کنترل می‌شد. رهبر گروه، مسعود رجوی، تمام زوج‌های داخل کمپ را مجبور به طلاق کرده بود، کودکان را از والدینشان جدا کرده و ادعا کرده بود که تمام زنان باقی‌مانده همسران او هستند. او جلسات روزانه‌ای ترتیب داده بود که در آن همه مجبور بودند «گناهان» خود را اعتراف کنند و وفاداری خود به رجوی و برنامه‌هایش را تأیید کنند.

ثریا به مدت چهار سال در بیرون کمپ اشرف ماند. او و دیگر خانواده‌های ربوده‌شدگان در شرایط سختی در کنار ارتش عراق که در نزدیکی مستقر بود، زندگی می‌کردند. غذا کمیاب بود، آب تمیز در دسترس نبود و حفظ بهداشت یک چالش مداوم بود. اما ثریا با وجود این سختی‌ها مقاومت کرد. او و دیگران بلندگوهایی در اطراف کمپ نصب می‌کردند و نام فرزندانشان را با میکروفن فریاد می‌زدند، به امید اینکه به گوش آن‌ها برسد. البته هیچ‌یک از فرزندانشان هرگز اجازه نزدیک شدن به دروازه‌ها را نداشتند. گاهی برخی از اعضای ارشد مجاهدین خلق بیرون می‌آمدند و به آن‌ها توهین می‌کردند، سنگ و تکه‌های فلز پرتاب می‌کردند.

ثریا پس از اینکه در یکی از این حملات کمرش به شدت آسیب دید، مجبور شد برای جراحی به ایران بازگردد. وقتی به عراق بازگشت، پسرش به کمپ جدید مجاهدین

خلق در آلبانی منتقل شده بود. او گفت: «ما سعی کردیم همان کار را در آلبانی انجام دهیم. آن زمان، آلبانی هنوز در ایران سفارت داشت. من با چند مادر دیگر برای درخواست ویزا به آنجا رفتم، اما بدون هیچ توضیحی درخواستمان رد شد. هر بار که دوباره تلاش کردیم، نتیجه همان بود.» بر اساس اطلاعاتی که تهران تایمز به دست آورده، کمپ جدید در آلبانی - که با هماهنگی آمریکا برای مجاهدین خلق ایجاد شده - تحت همان شرایط سخت و غیرانسانی کمپ عراق اداره می‌شود. افراد آنجا از آزادی و هویت خود محروم شده‌اند، مجبور به کار طولانی‌مدت روزانه هستند و در صورت عدم اطاعت از دستورات، با مجازات‌های شدید، حتی مرگ، مواجه می‌شوند. تیرانا در سال ۲۰۲۲ روابط دیپلماتیک خود با تهران را به اتهام نفوذ ادعایی آمریکا و اسرائیل، دو حامی اصلی مجاهدین خلق، قطع کرد. پلیس آلبانی حتی زمانی که دیپلمات‌های ایرانی در ساختمان نبودند، به امکان دیپلماتیک ایران حمله کرد.

خیانت سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی و دولت‌های غربی

پس از ناکامی در جلب حمایت دولت آلبانی، ثریا امیدوار بود که سازمانی بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد بتواند به او کمک کند. او توضیح داد: «تنها چیزی که می‌دانستم این بود که سازمان ملل مسئول دفاع از حقوق بشر است. بنابراین، در سال ۲۰۱۶ با چند خانواده دیگر که فرزندانشان نیز در آلبانی گرفتار بودند، به ژنو رفتم.»

در ژنو، او موفق شد با احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران در آن زمان، دیدار کند. ثریا گفت: «داستانم را برای او تعریف کردم و او به من اطمینان داد که به من کمک خواهد کرد تا پسر را ببینم. او مرا دعوت کرد تا در جلسه‌ای که با مجاهدین خلق در ساختمان سازمان ملل داشت، شرکت کنم. اما وقتی در آن جلسه مرا دید، وانمود کرد که هرگز با من ملاقات نکرده یا صحبتی نداشته است.»

تجربه ثریا با سازمان‌هایی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) نیز الگویی مشابه داشت. ابتدا به او وعده کمک داده می‌شد، اما سپس نادیده گرفته می‌شد.

ناامیدی ثریا به سازمان‌های بین‌المللی محدود نمی‌شود. در حالی که او هر روز با درد

فکر کردن به پسرش که در زندانی تروریستی زندگی می‌کند، سیری می‌کند، دولت‌های غربی - به‌ویژه آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان - این گروه تروریستی را به‌عنوان مبارزان آزادی که برای رفاه ایران تلاش می‌کنند، معرفی می‌کنند! مجاهدین خلق به‌طور مرتب به کنگره آمریکا و پارلمان‌های اروپایی دعوت می‌شوند، مورد تقدیر قرار می‌گیرند و گاهی اوقات جوایزی دریافت می‌کنند.

ثریا گفت: «می‌فهمم که این دولت‌ها اهداف سیاسی دارند و از مجاهدین خلق برای رسیدن به آن‌ها استفاده می‌کنند. اما چگونه می‌توانند این افراد را دموکراتیک بنامند؟ مجاهدین خلق اعضای خود را از نظر جسمی، روانی و جنسی شکنجه می‌دهند. و حالا آلبانی آن‌ها را پناه می‌دهد، در حالی که به مادرانی مانند من اجازه نمی‌دهد فرزندانشان را ببینیم.»

آینده و آنچه ممکن است باشد

دادگاهی در ایران در حال حاضر جلسات علنی درباره جنایات مجاهدین خلق در چهار دهه گذشته برگزار می‌کند. از آنجا که پسر ثریا داوطلبانه به این گروه نپیوسته، او به همراه حدود ۲۰۰۰ نفر دیگر مرتبط با این سازمان، در فهرست متهمان نیست. با این حال، ثریا معتقد است اگر درهای کمپ مجاهدین خلق در آلبانی باز شود و افراد فرصت ترک آنجا را پیدا کنند، حتی برخی از کسانی که داوطلبانه به این گروه پیوسته‌اند، می‌توانند به ایران بازگردند و زندگی عادی‌ای مانند دیگر شهروندان ایرانی داشته باشند. او می‌گوید که بسیاری از اعضای سابق را می‌شناسد که به ایران بازگشته‌اند و اکنون زندگی عادی دارند.

او گفت: «شک دارم هیچ دولت دیگری نسبت به کسانی که علیه کشور خود سلاح به دست گرفته و جنگیده‌اند، این‌قدر بخشنده باشد»، اشاره‌ای به اتحاد مجاهدین خلق با صدام حسین در طول تهاجم عراق به ایران در دهه ۱۹۸۰. «با این حال، بر اساس آنچه در طول سال‌ها آموختم، دولت ایران بسیاری از آن‌ها را بخشیده است.»

در پایان مصاحبه، ثریا خسته و ناامید به نظر می‌رسید، حالتی که جستجوی ۲۴ ساله او برای پسرش را نیز توصیف می‌کرد. «من فقط می‌خواهم یک‌بار دیگر صدای پسر را بشنوم. آیا این برای یک مادر زیاد است؟»

آلدو سولولاری، روزنامه‌نگار آلبانیایی ما در کنار مردم ایران هستیم



ادغام ایرانیانی که سال‌ها در انزوا و شرایط دشوار در کمپ مجاهدین خلق (MEK) قرار داشتند، فعالیت می‌کند. اما با وجود بی‌طرفی سیاسی، نمی‌توانیم در برابر جان‌های از دست‌رفته و ظلم آشکار ساکت بمانیم. ما در کنار مردم ایران هستیم؛ در کنار صلح، حاکمیت ملی، کرامت انسانی و عدالت ایستاده‌ایم. این باور ماست که عزت هر ملت در حق زیستن در صلح و ایستادگی در برابر ظلم نهفته است.

میان، سکوت و بی‌تفاوتی ایالات متحده آمریکا تأسفبرانگیز و غیرقابل قبول است. کشوری که ادعای دفاع از حقوق بشر و عدالت جهانی را دارد، نمی‌تواند در برابر چنین جنایاتی ساکت بماند. این سکوت نه بی‌طرفی است و نه دیپلماسی، بلکه نوعی مشروعیت‌بخشی غیرمستقیم به خشونت و قانون‌گریزی است.

انجمن ما یک نهاد غیرسیاسی است که با مأموریت انسانی و اجتماعی برای حمایت و

روزنامه‌نگار آلبانیایی و مسئول انجمن ادغام ایرانیان در آلبانی گفت: ما در کنار مردم ایران هستیم؛ در کنار صلح، حاکمیت ملی، کرامت انسانی و عدالت ایستاده‌ایم.

به گزارش فراق، آلدو سولولاری در یادداشتی با محکومیت تجاوز رژیم غاصب صهیونیستی به خاک ایران نوشت: از طرف خودم و اعضای محترم انجمن ادغام ایرانیان در آلبانی که افتخار مدیریت آن را دارم، صمیمانه‌ترین تسلیت‌ها را به خانواده‌های قربانیانی که در پی حمله ناجوانمردانه و یک‌جانبه اسرائیل به خاک جمهوری اسلامی ایران جان خود را از دست دادند، ابراز می‌دارم. حمله هوایی اسرائیل نه تنها نقض آشکار قوانین بین‌المللی است، بلکه تحریک مستقیم علیه ثبات منطقه و مانعی جدی بر سر راه هرگونه تلاش برای صلح و امنیت پایدار در خاورمیانه محسوب می‌شود. این تجاوز نه تنها نظامی، بلکه در ذات خود تجاوز به کرامت انسانی و حق حاکمیت ملت‌هاست. هیچ کشوری نباید مجاز باشد که فراتر از قانون عمل کند و جان انسان‌ها را با تکیه بر مصونیت ناوشته قدرت‌های بزرگ به خطر اندازد. در این

انتقاد تحلیلگر آلبانیایی از موضع‌گیری کشورش در مقابل ایران

تحلیلگر آلبانیایی گفت که آلبانی در کنار اسرائیل در مناقشه با ایران موضع گرفته است.

به گزارش فراق، اولسی یازیچی، ۲۳ خرداد ماه در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز اظهار کرد: حمایت دولت آلبانی از اسرائیل نه تنها سیاسی، بلکه عملی است، چرا که این کشور میزبان تشکیلات مجاهدین خلق در اردوگاه «مانزا» بوده که به گفته وی، در اقدامات غیرقانونی مانند حملات سایبری به جمهوری اسلامی ایران دخیل بوده‌اند.

وی افزود که این موضع‌گیری تیرانا با منافع مستقیم ژئوپلیتیکی مرتبط است، چرا که آلبانی با حمایت از اسرائیل، روابط خود با ایالات متحده آمریکا را بهبود بخشیده است.

یازیچی این جهت‌گیری سیاست خارجی آلبانی را مورد انتقاد قرار داده و آن را تهدیدی برای حاکمیت و امنیت ملی این کشور دانست.



عادی سازی «وطن فروشی» به اسم «افشاگری»!

و در این ۳۰ سال اخیر با جاسوسی هسته‌ای برای رژیم صهیونیستی، ثابت کرد که «خیانت به وطن» در ذات این گروهک وابسته است!

و حالا...

در ۲۲ خرداد ۱۴۰۴، همین تشکیلات ورشکسته اعتراف کرده که در ۳۴ سال گذشته، ۱۳۳ بار اطلاعات هسته‌ای ایران را به رژیم صهیونیستی فروخته است!

بی‌وطن‌ها اسم این خیانت را گذاشته‌اند «افشاگری»! اکنون که ملت ایران اقتدار خود را به رخ جهانیان کشیدند، بهترین زمان برای استرداد و مجازات فوری سرکردگان منافقین است.

یقیناً دولت آلبانی به عنوان میزبان باید پاسخگو شود، و بی‌تردید ایران آن دولت را پاسخگو خواهد کرد، بعد از اسرائیل نوبت دولت خبیث آلبانی است.

تشکیلات مجاهدین خلق، این فرزند نامشروع آمریکا و رژیم صهیونیستی، همیشه خیانت به آب و خاک ایران را افتخار خود دانسته است؛ اگر نکند عجیب است. خیانت از دیروز... تا امروز...

رجوی خائن، بنیان‌گذاران اولیه تشکیلات را به ساواک فروخت و آن‌ها اعدام شدند؛ همان ساواکی که به نیابت از سرویس اطلاعاتی آمریکا فعالیت می‌کرد.

تا سال ۶۰ که به عنوان نوکر طرح کودتای آمریکایی-فرانسوی، در خیابان‌های تهران به جنگ انقلاب اسلامی آمد و رسوایی تاریخی خود را رقم زد.

تا همکاری با صدام، از هدف‌گیری شهرهای ایران توسط بمبافکن‌های بعثی.

تا تبدیل شدن به ارتش خصوصی دیکتاتور عراق! تا شکست مفتضحانه در حمله به خاک ایران و فرار ذلیلانه به پناهگاه غریب‌ها.



پاسخ قاطع و قانونی ایران به حمله زبوانه دشمن صهیونیستی همراهی مجاهدین خلق با صهیونیست‌ها از دید ملت ایران پنهان نخواهد ماند



مزدوران تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق بدانند که همراهی و همکاری آنان با دشمن صهیونیستی و مزدوری برایشان، هرگز از دید ملت ایران پنهان نخواهد ماند.

به گزارش فراق، رژیم اشغالگر صهیونیستی، در اقدامی بزدلانه و تروریستی، در آستانه دور جدید مذاکرات هسته‌ای که تاریخ آن از سوی ایالات متحده تعیین شده بود، به حمایتی ابلهانه دست زد. این اقدام که با فریب و نیرنگ همراه بود، به ترور تعدادی از دانشمندان هسته‌ای و فرماندهان عالی‌رتبه ایران به همراه خانواده‌هایشان منجر شد.

آنچه باید درک شود، این است که تقابل دشمن با ایران، نه بر سر برنامه هسته‌ای، بلکه بر سر پیشرفت و اعتلای جمهوری اسلامی ایران است. بدخواهان ملت ایران، تاب تحمل رشد علمی و توسعه همه‌جانبه این کشور را ندارند و به دنبال ممانعت از دستیابی مردم ایران به جایگاه شایسته خود در عرصه جهانی

هستند. در این میان مزدوران فرومایگانی بدبخت و کم حافظه چون گروهک تروریستی منافقین آگاهانه با این دشمن رذل همراهند.

دشمن به خوبی از جایگاه فتوای رهبر انقلاب گاه است و می‌داندست که جمهوری اسلامی هرگز قصد ساخت سلاح هسته‌ای را نداشته است. حمایت و تأکید رهبر انقلاب ایران بر دانش هسته‌ای، همواره در راستای پیشرفت، اقتدار ملی و کمک به رفاه مردم و اعتلای این سرزمین بوده است. ایران تا کنون نهایت خویش‌داری و نرمش قهرمانانه را از خود نشان داده بود. بالاترین سطح بازرسی‌ها از مراکز هسته‌ای ایران به عمل آمده و در بحبوحه مذاکرات، بی‌اساس بودن ادعای ساخت بمب هسته‌ای از سوی ایران به اثبات رسیده بود.

این هنر نیست که دشمن با توسل به شیوه‌های بزدلانه و پنهانی، دست به ترور می‌زند. استخدام مزدوران و اقدام به ترور، نه تنها نشانه قدرت نیست، بلکه

اوج ناجوانمردی و شقاوت و زبونی است و هدف آن نابودی سرمایه‌های ملی ایران است. جمهوری اسلامی ایران، بر اساس حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، حق دفاع مشروع از خود را در برابر چنین حملات ناجوانمردانه‌ای را دارد و به آن عمل کرد. جامعه جهانی نمی‌تواند و نباید در برابر این اقدامات تروریستی سکوت کند. پاسخ ایران به جنایات و حملات بزدلانه دشمن رذل، کاملاً در چارچوب قوانین بین‌المللی و حق دفاع مشروع یک ملت مستقل است. همچنین، مزدوران و بقایای

تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق بدانند که همراهی و همکاری آنان با دشمن صهیونیستی و مزدوری برای آنان، هرگز از دید ملت ایران پنهان نخواهد ماند. جنایات و خیانت‌هایی که این مزدوران در حق مردم ایران مرتکب شده‌اند، بی‌پاسخ نخواهد ماند و دیر یا زود، در دادگاه عدل الهی و به دست انتقام ملت، به سزای اعمال ننگین خود خواهند رسید. رجوی خائن و ایادی مزدورش بدانند که هیچ پناهگاهی برای آنان امن نخواهد بود و تقاص خیانت‌های خود را پس خواهند داد.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران: هسته‌های خرابکار، بخشی از ارتش متجاوز صهیونی هستند

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران گفت: هسته‌های خرابکار و تروریست این روزها، همچون منافقین در دهه ۶۰ که جرئی از ارتش صدام بودند، بخشی از ارتش متجاوز صهیونی هستند. به گزارش فراق، «محمدصادق کوشکی» استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرنگاران در خصوص شباهت شورش مسلحانه منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و اقدامات جریان‌های تروریستی همراه با رژیم صهیونی در روزهای اخیر اظهار داشت: گروهک منافقین در ابتدای جنگ تحمیلی رژیم بعث

در قامت ستون پنجم ارتش صدام عمل می‌کرد و با ارائه اطلاعات به آنها، سبب می‌شد تا دشمن متجاوز در حملات بعدی، ضربات بیشتری را وارد کند. در حقیقت منافقین و رژیم بعث همچون دو لبه قیچی عمل می‌کردند. استاد دانشگاه تهران افزود: در حال حاضر نیز اقدامات خرابکارانه مزدوران رژیم تروریست صهیونی مشابه اقدامات گروهک منافقین در دهه ۶۰ است که سبب می‌شود رژیم متجاوز این تحرکات تروریستی را به نام خود ثبت کند. وی در ادامه تشریح کرد: اکنون نیز هسته‌های تروریستی وابسته

به رژیم صهیونی، جرئی از ارتش این رژیم هستند و به مثابه متجاوز شناخته می‌شوند. همان‌گونه که اکنون تاریخ ثابت کرده است که هیچ فاصله‌ای میان صدام و منافقین نبود، هیچ فاصله‌ای میان مزدوران و رژیم صهیونی نیست. کوشکی در پایان در خصوص همکاری وابستگان به گروهک منافقین با ارتش متجاوز صهیونی گفت: منافقین و وابستگان به آن در حال حاضر ضعیف‌تر از آن هستند که ارزش همکاری با رژیم صهیونی را داشته باشند.

مروری بر زندگی حجت الاسلام والمسلمین حسینی نیری

قاضی انقلابی که دنبال بهانه می‌گشت تا فرد را آزاد کند



«اعدام‌های دهه شصت و به خصوص سال ۱۳۶۷» اینگونه پاسخ داد: «آن برهه شرایط ویژه‌ای بود. وضع مملکت بحرانی بود. یعنی اگر قاطعیت امام نبود شاید ما اصلاً این امنیت را نداشتیم. شاید اصلاً وضعیت طور دیگری بود. شاید اصلاً نظام نمی‌ماند. روزی ۵۰ - ۶۰ تا ترور در تهران و شهرهای دیگر اتفاق می‌افتاد. در این شرایط بحرانی باید چه کرد؟ باید حکم قاطعی داد. آن که دادگاه را اداره می‌کند و مسائل در دستش است باید مسئله را جمع کند. در این شرایط که نمی‌شود با «قرابت بروم و فدایت بشوم» کشور را اداره کرد.»

علت کینه مجاهدین خلق

یکی از نقاط عطف زندگی قضایی حجت الاسلام نیری، مواضع قاطع و دقیق او در همین محاکمه‌ها بود. او با استناد به مدارک، رأفت اسلامی و بررسی دقیق جرائم این گروه، حکم‌های عادلانه‌ای صادر کرد که باعث خشم و کینه شدید این سازمان تروریستی نسبت به او شد. منافقین که همواره به دنبال ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و قضات انقلابی بودند، نیری را به دلیل قضاوت‌های مستدلش در زمره دشمنان خود قرار دادند و همواره در هر فضایی به وی تاختند. او در میان همکاران و خانواده به عنوان فردی مهربان، متواضع و در عین حال قاطع در اجرای عدالت شناخته می‌شد. ایمان راسخ او به آرمان‌های انقلاب اسلامی، الگویی ماندگار برای قضات و جوانان انقلابی به جای گذاشت. حسینی نیری نماد مقاومت در برابر تروریسم و ظلم بود. او با شجاعت در مقابل دشمنان اسلام و انقلاب ایستاد و در نهایت، خط مبارزه با فساد و بی‌عدالتی را جاودانه کرد. یاد و خاطره این قاضی بزرگوار همچون چراغی فراوری همه کسانی است که برای تحقق عدالت و امنیت در جامعه تلاش می‌کنند. روحش شاد و راهش پررهرو باد.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی نیری یکی از شخصیت‌های برجسته و تاثیرگذار در تاریخ قضایی جمهوری اسلامی ایران بود که در طول دوران خدمت خود در سمت‌های مختلف، نقش قابل توجهی در تحولات حقوقی و قضائی کشور ایفا کرد. به گزارش فراق، وی در تاریخ ۱۴ فروردین ۱۴۰۴ درگذشت، اما میراث گسترده و تأثیرات عمیق او در عرصه‌های مختلف قضایی، دینی و اجتماعی همچنان باقی خواهد ماند.

در ادامه به بررسی مختصر کارنامه و فعالیت ایشان در عرصه قضایی کشور می‌پردازیم.

حجت الاسلام نیری زاده سال ۱۳۳۵ در گیلان بود. در نوجوانی به حوزه علمیه قم رفت و در زمان پیروزی انقلاب، از طلاب مدرسه حقانی در قم بود. پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۹ حجت الاسلام علی قدوسی، دادستان وقت کل انقلاب به توصیه آیت الله محمد بهشتی که در آن زمان رئیس شورای عالی قضایی بود، حجت الاسلام نیری را وارد دستگاه قضا کرد. در سال ۱۳۶۲ همزمان با ورود اسدالله لاجوردی به عنوان دادستان انقلاب اسلامی مرکز، حجت الاسلام نیری به عنوان حاکم شرع یکی از شعب‌های دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در زندان اوین که مخصوص زندانیان سیاسی بود منصوب شد. هنگام ورود حجت الاسلام نیری به اوین ریاست «حکام شرع» بر عهده آیت الله محمدی گیلانی بود که پس از پیروزی انقلاب، به ریاست دادگاه انقلاب اسلامی منصوب گردید. حجت الاسلام نیری در سال ۱۳۶۷ به عنوان قاضی شرع در کمیته تصمیم گیر درباره زندانیان سیاسی منصوب گردید. با منصوب شدن آیت الله محمدی گیلانی به ریاست دیوان عالی کشور، حجت الاسلام نیری در سال ۱۳۶۸، از سوی آیت الله محمد یزدی، رئیس وقت دستگاه قضا به سمت معاون دیوان عالی کشور منصوب شد و بیش از ۲۰ سال نیز در این سمت بود. در آذر ۱۴۰۱ حجت الاسلام محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، حجت الاسلام نیری را به عنوان مشاور خود منصوب کرد. حجت الاسلام نیری در مصاحبه‌ای که در سال ۱۴۰۱ با مرکز اسناد انقلاب اسلامی داشت، به پرسشی درباره

پاداش وفاداری در تشکیلات رجوی چه بود؟

تشکیلات رجوی که ادعای حمایت از مبارزان زندانی را دارد، درون خود حتی وفاداران به سازمان را با تحقیر و تفتیش مواجه می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، روایتی است از رضا گوران، عضو سابق سازمان مجاهدین خلق که گوشه‌ای از سرکوب درونی این تشکیلات را نشان می‌دهد: «سال ۱۳۷۹ با پیرمردی به نام «جواد آ» آشنا شدم که بعد از تحمل ۱۰ سال حبس از زندان‌های رژیم آزاد شده بود؛ اما هر روز در نشست‌های تفتیش عقاید، او را سوژه و تحقیرش می‌کردند.



هر اتهامی که می‌توانستند به او می‌زدند و می‌پرسیدند: «چرا اعدام نشدی؟ حتماً گند زدی؟ حتماً تیر خلاص به مجاهدین زدی که اعدام نشدی؟! عوضی مزدور چرا دیر به سازمان پیوستی؟ چرا وقتی آزاد شدی رفتی زن هم‌زمت که اعدام شده بود را گرفتی؟ حتماً خودت به او که روی اعتقاداتش ماند و در هنگام اعدام شعار زنده باد رجوی سر می‌داد، تیر خلاص زدی؟ آن غریبه اکبری حتماً خوشگل بوده که تو را از مبارزه کنده؟! جواد سرش را پایین انداخته بود و با قطرات اشک کف اتاق را می‌شست...»

■ روایت دردهای من

دیر کل بنیاد هایلیان

سازماندهی تشکیلات رجوی در آلبانی توسط آمریکایی‌ها انجام شد

گره خوردن سرنوشت رجوی به رژیم صهیونیستی



سازماندهی منافقین در کشور آلبانی توسط آمریکایی‌ها انجام شد برای این که بتوانند یک مکان امنی برای آنها فراهم کنند تا آنها بتوانند از طریق حضور خود در آن مکان و ایجاد پایگاه‌های مختلف و به خصوص پایگاه‌های جاسوسی به منافع ملت ایران ضربه وارد کنند.

به گزارش فراق، جوانان این مرز و بوم باید سری به روزهای دهه ۱۳۶۰ ش در تهران بزنند تا عملکرد و روش خائنانه گروهک‌های ضدانقلاب و من جمله گروهک تروریستی و منحط منافقین را به عینه مرور کنند. برای این کار بد نیست سری به کانال‌های رسانه‌ای معتبر در فضای مجازی بزنند تا از موج جدید دستگیری تیم‌های عملیاتی و اشخاص وابسته و مرتبط با این سازمان مزدور آگاه شوند.

با آشکار شدن هر چه بیشتر بخش عملیاتی و اطلاعاتی سازمان مخوف موساد، همکاران متعدد این سازمان تروریست که از قضا بسیاری از آنان را اعضای وطن فروش گروهک منافقین تشکیل می‌دهند نیز رسوا می‌شوند.

به گزارش فراق، خبرگزاری آنا طی گفت‌وگو با «سید محمدجواد هاشمی‌نژاد» دبیر کل بنیاد هایلیان (خانواده شهدای ترور) به بررسی ابعاد بیشتری از این همکاری مزورانه پرداخته است که در ادامه می‌خوانیم.

لطفاً بخشی از تحرکات

سازمان منافقین علیه ملت ایران در سال‌های اخیر را بیان بفرمایید؟

مستحضرید که در طول تاریخ معاصر ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، منافقین یکی از ابزارهای اصلی دشمن بوده‌اند. یعنی در هر دوره‌ای که متجاوزین به خاک ایران هجوم آورده است، منافقین یکی از ابزارهای آن کشور محسوب می‌شدند و به عنوان جاسوس به خدمت آن درآمده‌اند. همه ما به یاد می‌آوریم گزارشات متعدد فراوانی هم در این زمینه وجود دارد که منافقین در زمان جنگ تحمیلی به خدمت رژیم بعث عراق و صدام درآمدند و خوش خدمتی‌های فراوانی برای او انجام دادند. بعد از سقوط رژیم پیشین حاکم بر عراق و با حضور آمریکایی‌ها در این کشور، منافقین بیشترین تلاش را برای ارائه خدمات به آمریکایی‌ها کردند و در

منافقین دست اندر کار بوده است. بنابراین، زمینه‌سازی بسیاری از اقداماتی که متجاوزین مثل رژیم بعث عراق، آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران انجام داده‌اند برعهده منافقین بوده است و این سازمان و بسیاری از گروه‌های دیگری که در کشور ما جنایت کردند، پای ثابت خدمتگزاری به متجاوزین به خاک کشور ایران هستند.

لطفاً وضعیت این سازمان پس از ورود به کشور آلبانی را برای ما شرح بدهید؟

سازماندهی منافقین در کشور آلبانی توسط آمریکایی‌ها انجام شد برای این که بتوانند یک مکان امنی برای آنها فراهم کنند تا آنها بتوانند از طریق حضور خود در آن مکان و ایجاد پایگاه‌های مختلف و به خصوص پایگاه‌های جاسوسی به منافع ملت ایران ضربه وارد

این زمینه هم واقعاً خدمات فراوانی برای آمریکایی‌ها انجام دادند به خصوص با توجه به شناختی که از جامعه عراق به دلیل حضور بیست ساله خود در این کشور داشتند. وقتی قضیه اقدامات خرابکارانه و تروریستی در حوزه انرژی هسته‌ای مطرح شد خوب، طبیعتاً تمام دنیا می‌داند این مسئله مربوط به رژیم جنایتکار صهیونیستی است.

ترور دانشمندان هسته‌ای از دیگر اقدامات خرابکارانه‌ای بود که در این زمینه انجام شد. مطابق گزارش‌های بین‌المللی که وجود دارد ابزار این کار منافقین بودند یعنی این اقدامات تروریستی در قبال دانشمندان هسته‌ای ما عمدتاً توسط منافقین انجام شد. چه در خصوص جمع‌آوری اطلاعات و اخبار دانشمندان هسته‌ای و چه در مورد اقداماتی که منجر به ترور آنها شده سازمان

”

وجه مشترک رژیم صهیونیستی و منافقین این است که اساس اقدامات و حیات اینها به ترور، تروریسم و جنایت بستگی دارد و قطعاً هر اقدامی را هم در این فضا و چارچوب اقدامات ناجوانمردانه ملاحظه می کنند

لطفاً بفرمایید موضع بنیاد خانواده شهدای ترور در خصوص تهدید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) توسط رئیس جمهور منفور آمریکا دونالد ترامپ چیست؟

وجه مشترک رژیم صهیونیستی و منافقین این است که اساس اقدامات و حیات اینها به ترور، تروریسم و جنایت بستگی دارد و قطعاً هر اقدامی را هم در این فضا و چارچوب اقدامات ناجوانمردانه ملاحظه می کنند. شما اقدامات رژیم صهیونیستی در قبال فرماندهان نظامی ما را ملاحظه بفرمایید این اقدامات در کمال ناجوانمردی انجام شد. اقدامات منافقین نیز به همین صورت است؛ بنابراین هم منافقین و هم رژیم صهیونیستی به دنبال حل مسائل پیش روی خود در چارچوب اقدامات تروریستی و جنایت پیشگی هستند. اما رژیم صهیونیستی و به تبع آنها منافقین و آمریکا بسیار بسیار کوچکتر از اینها هستند که در مورد فرماندهی معظم کل قوا (که امروز دنیا فرماندهی باتدبیر و حکیمانه ایشان را ملاحظه می کند و می بیند که نهادهای نظامی ایران را که فرماندهانشان ترور شده بودند را چه طور در عرض ۱۰ ساعت وارد فاز اقدام عملی کرد و طراحی رژیم صهیونیستی را بر هم زد) تهدیدی را عملی کنند. به نظرم این سخنان بولوفهایی است که امثال آمریکا، رژیم صهیونیستی و منافقین می زنند و نشان دهنده این است که در تله اقدامی که انجام داده اند گرفتار شدند.

که هیچ پایگاه و جایگاهی در بین مردم ایران ندارند و امکان این که در کشور ایران بتوانند با قلدری، ترور و وحشت حکومت را ساقط کنند؛ وجود ندارد؛ لذا تنها راه را تمسک جستن به کشورهای دیدند که با جمهوری اسلامی ایران تخاصم دارند.

با این اوصاف حضرت عالی آینده روابط این سازمان با موساد و رژیم صهیونیستی را چگونه می بینید؟

قطعاً سرنوشت این دو به هم گره خورده یعنی این ارتباطات به قدری قوی و مستحکم بوده و به قدری اینها در خدمت موساد و رژیم صهیونیستی بودند که کار به حوزه رسانه های غربی هم کشید. ما نباید فراموش کنیم که آقای «سیمور هرش» در روزنامه نیویورکر گزارش هایی در خصوص آموزش اعضای سازمان منافقین توسط موساد و آمریکایی ها و همکاری های موجود بین سیمور موساد و منافقین برای ترور دانشمندان هسته ای ایران منتشر کرد. به نظر من آینده این همکاری بسته به وضعیتی است که رژیم صهیونیستی در آن به سر می برد.

در حال حاضر به نظر می رسد که آن شاء الله با قدرت و صلابتی که رزمندگان اسلام با رژیم صهیونیستی مواجه شده اند بخش مهمی از این تعیین تکلیف ها در خصوص سازمان منافقین هم به تبع رژیم صهیونیستی مشخص شود.

۱۳۶۰ ش همین گونه بود که با ترور مردم و مسئولین کشور فضای آشوب در کشور ایجاد می شود و آنها خواهند توانست به وسیله اربابان خود کشور را به سمت و سویی که مدنظر آنها است ببرند. این طراحی در آن زمان دقیقاً به خاطر حضور گسترده مردم و البته قدرت رهبری امام (ره) با بن بست مواجه شد. ما امروز هم شاهد این قضیه هستیم. یعنی اگر ملاحظه بفرمایید در تابستان ۱۳۶۰ ش عمده مسئولان کشور و جمع زیادی از مردم ترور شدند و بعد از این برهه ما شاهد این بودیم که سران منافقین به همراه ابوالحسن بنی صدر در پاییز همان سال از کشور فرار کردند. این مسئله نشان دهنده این است که آنها منتظر بودند که این طرح ها پشت سر هم عملی شود تا نظام جمهوری اسلامی ایران ساقط گردد. ما دقیقاً همین طراحی را در اقدامات رژیم صهیونیستی هم می بینیم. به هر حال منافقین وقتی به بن بست رسیدند دریافتند که با توجه به حضور گسترده مردم در صحنه نخواهند توانست کشور را با سقوط مواجه کنند؛ بنابراین از همان زمان به صورت مستقیم (پیش از این به صورت غیرمستقیم این کار را انجام داده بودند) در خدمت بیگانگان درآمدند لذا ما شاهد هستیم که منافقین بعد از گذشت یک سال از این جریانات به صورت مستقیم در خدمت اجانب درآمدند و بعد از اشغال بخشی از کشور توسط حزب بعث به عراق رفتند و در کنار صدام قرار گرفتند.

به صورت تمام وقت و کامل در خدمت حزب بعث درآمدند. به نظرم انگیزه اینها برای خدمت به اجانب این دریافت درست آنها بود

کنند. عکس ها و تصاویر این مسئله هم موجود است. در این اسناد می بینیم جمعیتی حدود ۱۵۰۰ نفر را در سه شیفت کاری در سوله هایی متراکم با ظرفیت هر شیفتی ۵۰۰ نفر سازماندهی کرده اند تا از آنها جهت انجام اقدامات مختلفی مانند جاسوسی از منابع مختلف کشور یا شرکت در طرح صهیونیست ها به منظور عملیاتی کردن جنگ روانی علیه ایران و یا سایر اقدامات علیه ملت ایران استفاده کنند. ما شاهد بودیم که بارها و بارها اقدامات مختلفی را در این زمینه انجام دادند.

تحرکاتی مثل آنچه که در سال ۱۴۰۱ و سال های ۱۳۹۶-۹۸ اتفاق افتاد. منافقین یکی از صحنه گردانان اصلی این جریانات بودند. به ویژه این که جریان نفاق در این حوزه ها به دلیل همکاری نزدیکی که با حزب بعث و استخبارات عراق به مدت بیست سال داشته بسیار باتجربه و آموزش دیده است.

از نظر جناب عالی انگیزه سران سازمان نفاق از همکاری با موساد و رژیم صهیونیستی در تحولات اخیر ایران خصوصاً در روزهای اخیر چیست؟

ببینید منافقین بعد از اعلام جنگ مسلحانه علیه ملت ایران در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ ش تصورشان این بود که با ایجاد هرج و مرج به وسیله کشتار مردم و ترور رهبران انقلاب اسلامی دقیقاً شبیه طرحی که رژیم سفاک صهیونیستی در ترور فرماندهان نظامی ایران انجام داده بود، می توانند کاری از پیش ببرند (برای این که تصور می کردند به این وسیله می تواند قدرت دفاعی و نظامی رزمندگان اسلام را نابود کنند). تصور منافقین هم در دهه

این زنان توسط رجوی نابود شدند

مسعود رجوی، سرکرده تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق، با شعارهای ایدئولوژیک و ادعای مبارزه با «بورژوازی»، در واقعیت یکی از سرکوبگرترین و ضدزنترین ساختارهای فرقه‌ای را ایجاد کرد

■ ارسالن صادقی



مجاهدین خلق خود یک ساختار طبقاتی شدیداً سلسله‌مراتبی دارد که در آن سرکردگان در رفاه کامل زندگی می‌کنند، در حالی که اعضای عادی (به ویژه زنان) در شرایطی نزدیک به بردگی نگه داشته می‌شوند.

— رجوی با محور قرار دادن زن به عنوان «نماد بورژوازی»، در واقع از فمینیسم سوءاستفاده کرده تا کنترل خود را بر اعضا تحکیم کند بسیاری از زنان که توانسته‌اند از این تشکیلات فرار کنند، از آسیب‌های روانی شدید، افسردگی، و احساس پوچی پس از سال‌ها زندگی در شرایط فرقه‌ای رنج می‌برند. برخی از آنان حتی پس از فرار هم نتوانستند از این آسیب‌ها رهایی یابند.

مسعود رجوی با شعارهای نمایشی علیه بورژوازی، در حقیقت یکی از غیرانسانی‌ترین سیستم‌های کنترل و سرکوب زنان را ایجاد کرد. بورژوازی بود گفتمان رجوی، تنها بهانه‌ای بود برای نابودی آزادی و کرامت انسانی زنان در فرقه مجاهدین.

افشای این جنایات پس از گذشت این همه سال نه تنها ضروری است، بلکه کمکی است برای نجات قربانیان این فرقه و آگاهی‌بخشی به جوانان ناآگاه درباره ماهیت واقعی مجاهدین خلق.

— قطع ارتباط با خانواده‌ها به بهانه «وفاداری به سازمان»، که منجر به انزوای کامل آنان می‌شود.

— القای ترس و احساس گناه به بهانه «مبارزه با بورژوازی»، به طوری که هرگونه تمایل به زندگی عادی را خیانت به آرمان‌های سازمان معرفی می‌کنند.

— اجبار به اطاعت کورکورانه از سرکرده، به ویژه مسعود و مریم رجوی، که خود را در جایگاه مرشد قرار داده‌اند.

تناقض گفتمانی رجوی

مسعود رجوی در حالی که ادعا می‌کرد بورژوازی دشمن اصلی است، در عمل، این زنان بودند که قربانی اصلی این گفتمان شدند:

— سازمان تروریستی

فردیت و حقوق انسانی را در آنان سرکوب کند. در فرقه رجوی:

— ازدواج و فکر کردن به خانواده ممنوع است، البته فقط برای طبقه پایین؛ روابط عاطفی و خانوادگی به عنوان انحراف ایدئولوژیک محکوم می‌شود.

— زنان تحت اختیار کامل سرکردگان هستند و حتی در مواردی مورد آزارهای روانی و جسمی قرار می‌گیرند.

— زنان تحت عنوان «مبارزه با بورژوازی»، از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم شده‌اند، از پوشش شخصی گرفته تا حق تحصیل و انتخاب آزادانه مسیر زندگی.

شست‌وشوی مغزی و تخریب هویت فردی

زنان در فرقه رجوی تحت برنامه‌های شست‌وشوی مغزی شدید قرار دارند:

مسعود رجوی، سرکرده تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق، با شعارهای ایدئولوژیک و ادعای مبارزه با «بورژوازی»، در واقعیت یکی از سرکوبگرترین و ضدزنترین ساختارهای فرقه‌ای را ایجاد کرد.

به گزارش فراق، او با شعارهای عوام‌فریبانه، زنان عضو سازمان را تحت کنترل روانی و جسمی شدید قرار داد و هرگونه استقلال فردی آنان را نابود کرد.

در این گزارش، به بررسی وضعیت زنان در این فرقه و تناقض‌های گفتمان رجوی می‌پردازیم.

زنان به عنوان نماد «بورژوازی»

رجوی با ادعای اینکه «زن نماد بورژوازی است»، عملاً زنان را به دشمنی خیالی تبدیل کرده تا بتواند هرگونه تمایل به آزادی،



”

ترور صیاد شیرازی در شرایطی
انجام شد که او کمترین
حفاظت شخصی را داشت و
این اقدام، بیش از آنکه یک
عملیات نظامی باشد، جنایتی
علیه انسانی بی‌پناه بود

هدف پنهان رجوی از ترور شهید صیاد شیرازی

■ مرتضی حیدرزاده

که بیمارستان‌های عراق از پذیرش مجروحان او عاجز ماندند. رجوی در مواجهه با این موج انتقادات، در اقدامی مذبوحانه، با ترور صیاد شیرازی تلاش کرد مسئولیت شکست را به گردن او بیندازد و وانمود کند که اگر این فرمانده کارگشته نبود، او بر ایران مسلط می‌شد!

ترور صیاد شیرازی در شرایطی انجام شد که او کمترین حفاظت شخصی را داشت و این اقدام، بیش از آنکه یک عملیات نظامی باشد، جنایتی علیه انسانی بی‌پناه بود.

امروز پس از گذشت سال‌ها، رجوی همچنان با ارسال پیام به اعضای باقیمانده در اشرف، سعی دارد با تحریف حقایق، حواس‌ها را از فاجعه مرصاد منحرف کند؛ فاجعه‌ای که بسیاری از قربانیان آن، خانواده‌هایی داشتند که هنوز در انتظار دادگاه عاملان این جنایت هستند.

پرونده این ترور همچنان باز است، و تا محاکمه و مجازات آمران و عاملان آن، پیگیری عدالتخواهی ادامه خواهد داشت.

معروف شد، با فرماندهی هوشمندانه صیاد شیرازی به شکست سختی برای رجوی انجامید. او با طراحی تاکتیکی دقیق، پیشروی نیروهای رجوی را در تنگه چهارزبر متوقف کرد و سپس آنان را تا مرزهای بین‌المللی عقب راند.

این شکست سنگین، خشم رجوی را برانگیخت و کینه‌ای عمیق نسبت به صیاد شیرازی در دل او نشاند. سرانجام، این کینه به ترور ناجوانمردانه این فرمانده وطن‌پرست در برابر چشمان فرزندش منجر شد. اما آیا صرفاً انتقامجویی رجوی دلیل این ترور بود؟

پاسخ منفی است. اگرچه کینه شخصی یکی از انگیزه‌ها بود، اما دلیل اصلی، تلاش رجوی برای پوشاندن شکستی بود که حتی در تصوراتش هم نمی‌گنجید. پس از عملیات مرصاد، افکار عمومی و حتی هواداران رجوی، او را به دلیل فرستادن نیروهای بی‌آموز و کم‌تجهیز به کشتارگاه محکوم کردند. تلفات سنگین (حدود ۱۴۰۰ کشته و هزاران مجروح) چنان بود

سرلشکر شهید صیاد شیرازی در طول سال‌های خدمت نظامی خود، به ویژه در دوران هشت سال دفاع مقدس، خدمات ارزنده‌ای به ملت ایران ارائه کرد. یکی از برجسته‌ترین اقدامات او، فرماندهی نیروهای مقاومت در مقابل تهاجم سنگین سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۶۷ بود. در آن مقطع، مسعود رجوی در تله استراتژیکی افتاد که امام خمینی (ره) برای او طراحی کرده بودند.

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، رجوی در تنگنایی بی‌سابقه قرار گرفت؛ چراکه مرزهای ایران و عراق به سرعت بسته شد و هرگونه امکان حمله تروریستی و نظامی از خاک عراق مسدود گردید.

رجوی که نمی‌خواست در این محاصره گرفتار شود، پیش از بسته شدن کامل مرزها، با بسیجی شتابزده، عملیات گسترده‌ای از غرب ایران آغاز کرد و آن را «فروغ جاویدان» نامید. این حمله که بعدها در ایران به «عملیات مرصاد»

داستان سوزناک خانواده‌ای که از «عید غدیر ۶۰» در آتش مجاهدین می‌سوزد

فریاد «لیلا» شنیده شد

مادر شهیده: دختر جانبازم، مثل گل محمدی به خود پیچیده



فرات
Feraghnews

مادر شهید دو ساله لیلا نوربخش گفت: من هنوز هم قبلم می‌سوزد. فکر کنید یک مادر، بچه دو ساله‌اش جلوی چشمش بسوزد یک فرزندش هم زخمی شود و چندین بار عمل شود. یک مادر و پدر چقدر می‌تواند تحمل کند.

به گزارش فراق، سکوت سی‌وسومین جلسه دادگاه محاکمه نفاق، با صدای لرزان مادری شکسته شد که عکس کوچک و محو کودکش را محکم در آغوش گرفته بود. عکسی که دیگر هرگز بزرگ نمی‌شود؛ چون لیلا، آن دختر دو ساله با چشمان کنجکاو و لبخند بهارانه‌اش، سال‌ها پیش در انفجاری وحشیانه توسط عوامل مجاهدین خلق جزغاله شد. امروز در این دادگاه، وجدان بیدار انسانیت به پا خاسته تا از آن همه بی‌رحمی حساب بکشد. پدر و مادر لیلا که سال‌هاست با خاطره خونین آن روز می‌سوزند، این‌بار نه به عنوان تماشاگر، بلکه به عنوان شاکیانی ایستاده‌اند که می‌خواهند فریاد لیلا به گوش جهان برسند.

اما درست در همین لحظات، در گوشه‌ای دیگر از جهان، همان گروه تروریستی که دستش به خون لیلا و ده‌ها کودک بی‌گناه دیگر آلوده است، با حمایت برخی دولت‌های اروپایی، نه تنها محاکمه نمی‌شود، که پرونده‌های جنایاتش را با عنوان «مبارزه برای آزادی» می‌بندند! آیا این همان عدالتی است که جهان متمدن به آن می‌بالد؟ آیا لیلا و کودکان قربانی، سزاوار این بودند که قاتلانشان نه تنها مجازات نشوند، که پرچم

دروغین «حقوق بشر» را نیز به دست بگیرند؟

پدر شهیده لیلا نوربخش، از شهدای انفجار تروریستی اتوبوس شیراز در سی‌وسومین جلسه دادگاه محاکمه نفاق اظهار کرد: منافقین می‌گویند ما این کودکان را نکشتیم و این کارها را نکردیم ما پاسدارها را کشتیم، اما می‌بینید که این انفجار از جنایت‌های آنهاست. خانواده ما آسیب‌های بسیاری از این انفجار دید، فرزند جانبازم زهرا نوربخش، ده بار مورد عمل جراحی قرار گرفت و زندگی‌اش مختل شد. سر او کاملاً سوخته بود. ما یک آدم عادی بودیم که منافقین این جنایت را در مورد ما انجام دادند و بعد می‌گفتند این کار را نکردیم. روز عید غدیر سال ۶۰ این کار را انجام دادند و الان پنهانده شدند و منکر این کارها شده‌اند. آیا کسی هست که جلوی کارهای اینها را بگیرد؟ گناه امثال ما چیست؟

اینها هزاران نفر را شهید کردند گناه آنها چه بود؟ منافقین می‌گفتند بیایید طرفدار ما بشوید و ما را تایید کنید. از جناب آقای قاضی تقاضای مجازات اعضای این سازمان را دارم.

پدر شهیده نوربخش در پاسخ به سوال قاضی در مورد اینکه آن روز با چند نفر سوار اتوبوس شدید بیان کرد: من به همراه اعضای خانواده‌ام سوار اتوبوس شدیم ولی منافقان هم در اتوبوس بودند و ما نمی‌دانستیم.

قاضی پرسید: مبدا و مقصد اتوبوس کجا بود؟

پدر شهیده نوربخش گفت: ما از ابیوردی سوار اتوبوس شدیم و می‌خواستیم به شاهچراغ برویم.

قاضی پرسید: در مسیر سوار شدید یا ترمینال؟

پدر شهیده لیلا نوربخش گفت: در مسیر سوار شدیم و اتوبوس خط واحد بود. در فلکه نمازی این اتفاق افتاد.

قاضی پرسید: اتوبوس پر بود؟ پدر شهید پاسخ داد: بله. چهار خانم در اتوبوس نشسته بودند. به فلکه نمازی که رسیدیم یکی از آن خانم‌ها گفت اتوبوس را نگه دارید، در ماشین بمب گذاشته‌اند، اما دروغ می‌گفتند. وقتی همه مسافران هجوم آوردند به در جلوی اتوبوس که پیاده شوند، فقط آن چهار نفر از در عقب پیاده شدند. من در حالی که دخترم زهرا در بغلم بود به آن چهار نفر نگاه می‌کردم و دیدم که یک پلاستیکی درآوردند و پرت کردند وسط اتوبوس و بعد یک کبریت را آتش زدند و به داخل انداختند. سه نفر از آنها سوار یک پیکانی شدند و رفتند، اما یکی از آنها منتظر ماند تا ببیند چه اتفاقی می‌افتد و انفجار چند نفر کشته می‌دهد و حتی چندبار با مادرش در مدت چندماهه که دخترم زهرا در بیمارستان نمازی بستری بود می‌آمد ملاقات که این خانم

بعدها خودش را معرفی می‌کند و اقرار می‌کند که انفجار کار او بوده است.

قاضی گفت: در اتوبوس شخص نظامی وجود داشت یا همگی مردم عادی بودند؟

پدر شهیده لیلا و جانباز زهرا نوربخش گفت: همگی مردم عادی بودند و منافقی که باعث این آتش‌سوزی شده بود بعدها اقرار کرد ما می‌خواستیم اتوبوس را آتش بزنیم که این اتفاق افتاده ما نمی‌خواستیم شخصی را ترور کنیم.

قاضی از وی پرسید: آیا شما شکایتی دارید؟

پدر شهیده لیلا نوربخش پاسخ داد: بله از منافقین شکایت دارم. تقاضای قصاص دارم. بچه من را در اتوبوس آتش زدند و من به چشم خود دیدم بچه‌ام در آتش می‌سوزد ولی دیگر نمی‌توانستم هیچ کاری انجام دهم. من و همسرم، چون بچه خود را در این ترور از دست داده‌ایم پدر و مادرهایی که در غزه هر روز کودکان خود را از دست می‌دهند درک

می‌کنیم. همسرم خیلی از روزها برای این کودکان گریه می‌کند. در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود مداح در جایگاه حاضر شد و درخواست کرد، ویدیویی از اقرارهای فلور زارع یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق که عامل و مسبب آتش کشیدن اتوبوس شیراز در دهه ۶۰ شده بود پخش شود.

ویدیویی در مورد اعترافات فلور زارع یکی از عوامل به آتش کشیدن اتوبوس شیراز در دهه ۶۰ که از اعضای سازمان مجاهدین خلق است در جلسه دادگاه پخش شد. در ادامه وکیل شکات پرونده در جایگاه حاضر شد و به بیان بخشی از اقرارهای خانم زارع

وی ادامه داد: زارع در ادامه اظهاراتش این توصیه را می‌کند، از شما خواهران و برادران که در بیرون هستید می‌خواهم که از من به عنوان یک نمونه بارز این جریان درس بگیرید و به شعارهای توخالی و عوام‌فریبانه منافقین که گوش فلک را کر کرده بی‌توجه باشید و بدانید که مطرح کردن سابقه مبارزاتی‌شان و ملعبه قرار دادن کسانی، چون حنیف‌نژاد و مهدی رضایی جز برای رسیدن به اهداف شوم چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

وکیل شکات پرونده بیان کرد: مسعود رجوی و مریم قجر عضدانلو دروغگو هستند که می‌گویند ما حامی زنان و حقوق زنان و اطفال هستیم، شما حامی زنان و اطفال هستید که دختر بچه دو ساله‌ای را زنده زنده می‌کشید؟ شما حامی زنان هستید که حتی به زنان خود رحم نمی‌کنید و آن‌ها را سپر آتش می‌کنید، به آن‌ها تجاوز می‌کنید و برای شهوت‌رانی سرکرده اصلی خود استفاده می‌کنید؟ شما نمی‌توانید دم از آزادی بزنید. در ادامه مادر شهیده لیلا و جانباز زهرا نوربخش در جایگاه حاضر شد و درباره آن روز گفت: روز عید غدیر گفتیم سوار اتوبوس بشویم و برویم شاهچراغ، نمی‌دانستیم منافقین سوار اتوبوس می‌شوند. ما وسط اتوبوس بودیم زهرا بغل پدرش بود، لیلا و علی پیش خواهر همسرم بودند و یک پسر کوچکم هم پیش من بود. مسافر هم در اتوبوس پر بود. زمانی که حرکت کردیم و به سر فلکه نمازی رسیدیم، یکی از خانم‌ها گفت آقای راننده اتوبوس را نگه دارید بمب در ماشین است، مردم ترسیدند و بلند شدند. آن خانم‌ها صورتشان را پوشانده بودند. وقتی راننده اتوبوس را نگه

داشت یکی از خانم‌ها پلاستیک را از عقب ماشین انداخت وسط اتوبوس و منفجر شد. سعی کردیم فرزندم لیلا را نجات بدهیم، اما نشد، آتش از در اتوبوس بیرون زده بود، فرزند دیگرم زهرا را به بیمارستان نمازی بردیم. مادر شهید دو ساله لیلا نوربخش گفت: من هنوز هم قلبم می‌سوزد. فکر کنید یک مادر، بچه دو ساله‌اش جلوی چشمش بسوزد یک فرزندش هم زخمی شود و چندین بار عمل شود. یک مادر و پدر چقدر می‌تواند تحمل کند. ما از سال ۶۰ این درد را تحمل می‌کنیم و با این درد می‌سوزیم. ما می‌خواهیم آن‌ها مجازات شوند. این خواهشی است که داریم. مادر شهیده لیلا نوربخش ادامه داد: زهرا دختر جوان جانبازم، مثل یک گل محمدی به خود پیچیده است. صحبت بسیار دارم، اما بیشتر از این نمی‌توانم، چون به اعصابم فشار می‌آید. من می‌خواهم منافقین به سزای اعمالشان برسند. همین منافقینی که به جنایت‌های خود و بمب‌گذاری اقرار کردند. مادر شهید در پاسخ به سوال قاضی که پرسید شما مجروح شدید؟ گفت: وقتی فرزندانم را نجات می‌دادم در اثر شکستن شیشه اتوبوس، دست و پایم زخمی شد.

قاضی پرسید: دختر شما که شهید شد کجا بود؟ بغل شما بود؟ مادر شهیده لیلا نوربخش گفت: پسر ابراهیم در بغل من بود، لیلا در بغل خواهر همسرم بود. همسرم خواهرش که ۱۸ سالش بود را نجات داد، اما دخترم در ماشین ماند و نتوانستیم نجاتش دهیم. سر همسرم هم سوخته بود. قاضی گفت: شما درخواستی دارید؟ مادر شهیده لیلا نوربخش گفت: من قصاص این افراد را می‌خواهم.

افشاگری ابراهیم خدابنده از اقدامات منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و خیانت‌های فعلی هشدار به دولتمردان آلبانی می‌دهیم که راه درستی را در پیش نگرftند

سازمان، امروز از مردم انتقام می‌گیرد



جلسات پاریس به ما می‌گفت که یکی از افتخاراتش این است که وقتی همه دنبال فعالیت سیاسی و تشکیل حزب بودند، ما به دنبال تشکیلات نظامی، میلیشیا و جمع‌آوری سلاح بودیم. او معتقد بود که رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی از ابتدا در تقدیر بوده است. رجوی حتی گفت که پس از پیروزی انقلاب، ما نفوذی‌هایمان را همه‌جا فرستادیم؛ مثلاً در دفتر بنی‌صدر، رئیس‌جمهور وقت. هر جا توانستیم تأثیر گذاشتیم و هر جا نتوانستیم، مثل دفتر حزب جمهوری اسلامی، منفجر کردیم. استراتژی مجاهدین این بود که به سرعت نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند و زمام امور را به دست بگیرند. این برنامه با کمک کشورهای خارجی طراحی شده بود. رجوی خودش اعتراف کرد که پیش از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، دو بار مخفیانه به پاریس سفر کرد و از طریق مقامات فرانسوی با رژیم بعث عراق ارتباط برقرار کرد. قرار بود عراق از خارج و مجاهدین از داخل، کار جمهوری اسلامی را یکسره کنند. مدارکی از این ارتباطات وجود دارد؛ فیلم‌هایی که رژیم بعث طی ۲۳ سال ارتباط با مجاهدین ضبط کرده بود و پس از سقوط صدام به دست جمهوری اسلامی افتاد. بخشی از این اسناد در کتاب «خوابگردها» از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مستند «آوای گرگ‌ها» منتشر شده است. این فیلم‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۹، مجاهدین به رژیم بعث اطلاعات

خوش آمدید، ممنون از حضور شما در برنامه. خدابنده: عرض سلام دارم خدمت شما و بینندگان عزیز. متشکرم که این فرصت را در اختیار من قرار دادید. مجری: پرسش اولم این است که برگردیم به آن روزها و از شما بپرسیم چه اتفاقی قرار بود در ۳۰ خرداد ۶۰ برای مردم ایران و کشور رخ دهد؟ چه خطر بزرگی از سر ملت ایران گذشت؟ خدابنده: اجازه دهید ابتدا آنچه مجاهدین خلق یا منافقین می‌گفتند را بیان کنم. آن‌ها ادعا می‌کردند که ما ۲۸ ماه فعالیت سیاسی داشتیم، اما جمهوری اسلامی فعالیت ما را برناتافت و علیه ما اقدام کرد، لذا ما مجبور شدیم دست به سلاح ببریم. اما من به‌عنوان کسی که در درون سازمان بودم و نه به‌عنوان یک تحلیلگر، بلکه به‌عنوان شاهد، ماجر را از زبان خود مسعود رجوی نقل می‌کنم. او بارها در

با ارائه اطلاعات ساختگی و تشویق به جنگ علیه ایران، به خیانت خود ادامه می‌دهد. وی با افشای همکاری‌های این سازمان با دشمنان ایران و هشدار به دولت آلبانی درباره پیامدهای حمایت از منافقین، بر پایان حیات سیاسی این گروه و حیات خائنانه آن تأکید کرد. عضو پیشین تشکیلات مجاهدین خلق همچنین از تلاش‌های انجمن نجات برای رهایی اعضای گرفتار در کمپ‌های مجاهدین سخن گفت و از دولت آلبانی خواست حقوق انسانی خانواده‌های این اعضا را رعایت کند. متن کامل این گفت‌وگو که توسط خبرنگار فراق به نگارش درآمده، به شرح زیر است: مجری: سلام عرض می‌کنم خدمت شما و بینندگان عزیز. امروز میزبان جناب آقای مهندس ابراهیم خدابنده، از اعضای سابق سازمان منافقین هستیم. خیلی

مدیرعامل انجمن نجات در گفت‌وگویی صریح و افشاگرانه به تشریح برنامه‌ریزی‌های این جریان برای کودتا علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۰ و خیانت‌های فعلی آن‌ها در همدستی با رژیم صهیونیستی پرداخت. به گزارش فراق، ابراهیم خدابنده روز جمعه ۳۰ خرداد ماه در برنامه شبکه افق سیمای جمهوری اسلامی ایران، با استناد به مشاهدات و تجربیات خود از درون این تشکیلات، جزئیاتی تکان‌دهنده از اقدامات منافقین برای براندازی نظام و همکاری آن‌ها با رژیم بعث عراق و دیگر قدرت‌های خارجی به خصوص در شرایط فعلی ارائه کرد. خدابنده در این گفت‌وگو با بیان جزئیات تکان‌دهنده از نقش مزدوری سازمان مجاهدین خلق در خدمت به رژیم صهیونیستی و سرویس‌های اطلاعاتی غربی، اظهار داشت که این گروه چگونه

می‌دادند و صدام را برای حمله به ایران تشویق می‌کردند. آن‌ها می‌گفتند که جمهوری اسلامی نوپاست، توان دفاعی و سیستم اطلاعاتی ندارد و اگر ضربه‌ای به سران نظام بزنیم و شما حمله کنید، کار تمام است.

اما مجاهدین نتوانستند هماهنگ با عراق عمل کنند و این برنامه به تأخیر افتاد تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و سپس حوادث تروریستی ۷ تیر و ۸ شهریور. آن‌ها فکر می‌کردند با یک ضربه اساسی به رأس نظام و همراهی حمله خارجی، نظام ساقط می‌شود. به خواست خدا این پروژه شکست خورد و خطر بزرگی از سر ملت ایران رفع شد.

مجری: دو پرسش دارم: اول اینکه شنیده بودم مجاهدین به دلیل نداشتن جایگاه سیاسی در نظام، دست به سلاح بردند. این با آنچه شما می‌گویید متفاوت است. دوم اینکه چرا این کودتا شکست خورد؟

خدابنده: درباره پرسش اول، مسعود رجوی و مریم رجوی بارها به ما گفتند که رهبری انقلاب ایران ربوده شده است. رجوی خودش را در جایگاه رهبری انقلاب می‌دید و معتقد بود نظام باید به او واگذار شود، نه صرفاً چند کرسی یا پست. او نامه‌ای به امام خمینی (ره) نوشت و درخواست دیدار کرد، اما امام هوشیارانه پاسخ داد که اگر سلاح‌تان را زمین بگذارید، من به دیدار شما می‌آیم. این پاسخ دست منافقین را رو کرد، چون آن‌ها قصد جنگ مسلحانه داشتند. واژه «منافق» بی‌دلیل به آن‌ها اطلاق نشده؛ آن‌ها چیزی را نشان می‌دادند که نبودند.

درباره شکست کودتا، غربی‌ها و خود مجاهدین به اشتباه تصور می‌کردند که اگر مردم از نظام ناراضی باشند، پشت آن را خالی

می‌کنند. اما رجوی خودش بارها گفت که بحران‌هایی که جمهوری اسلامی از سر گذرانده، هر یک به تنهایی برای سقوط هر نظامی کافی بود. هیچ نظامی نمی‌تواند این همه بحران را تحمل کند، مگر اینکه صددرصد به مردمش متکی باشد. ایران از معدود کشورهای مستقلی است که به هیچ‌کس باج نداده، و این را رجوی که خودش مزدور بود، خوب می‌فهمید.

سازمان امروز از مردم انتقام می‌گیرد

مجری: سازمان مجاهدین خلق امروز چه وضعیتی دارد و چه اقداماتی انجام می‌دهد؟
خدابنده: سازمان امروز ارتباطش را با مردم ایران قطع کرده و به یک گروه تروریستی تبدیل شده که از مردم انتقام می‌گیرد، چون مردم به آن‌ها پاسخ رد داده‌اند. مثلاً در ۲۲ خرداد، همزمان با قطعنامه شورای حکام علیه ایران، مسعود رجوی پیامی داد و گفت ما ۱۳۳ رشته افشاگری درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران انجام دادیم، یعنی ۱۳۳ بار به مردم ایران خیانت کردند. همچنین به مناسبت ۳۰ خرداد امسال، اطلاعیه‌ای صادر کردند که ادعا کردند ۳۰ رشته عملیات در تهران و ۱۷ شهر دیگر انجام داده‌اند. در حالی که ایران در حال دفع تجاوز خارجی است، آن‌ها علیه نیروهای نظامی و انتظامی و مردم اقدام می‌کنند و علناً خیانت خود را اعلام می‌کنند.

در حال حاضر، دادگاهی در ایران دو سال است که در جریان است و جرم خیانت مجاهدین به کشور در ابعاد مختلف به اثبات رسیده است.

حتی طبق قوانین اروپایی، مانند قوانین فرانسه که میزبان مریم رجوی است، خیانت به کشور در زمان صلح مجازات

حبس ابد و در زمان جنگ مجازات اعدام دارد. اقدام علیه مقامات ارشد کشور در اروپا نه به عنوان تروریسم، بلکه به عنوان خیانت به کشور محسوب می‌شود. مجری: پس از شکست کودتا، کشورهای غربی چه کردند؟ آیا حمایت خود را از مجاهدین قطع کردند؟

خدابنده: خیر، پس از شکست کودتا، مسعود رجوی با کمک خلبان شاه به فرانسه فرار کرد و تحت حمایت دولت فرانسه قرار گرفت. از آنجا ترورها و فعالیت‌های ضد جمهوری اسلامی را ادامه داد. بعدها آمریکایی‌ها او را به صدام حسین تحویل دادند. در عراق، مجاهدین ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش را به عنوان ارتش خصوصی صدام تشکیل دادند و با تسلیحات او علیه مردم ایران و مدافعان مرزها وارد جنگ شدند و خیانت را کامل کردند. پس از سقوط صدام، آن‌ها به سعودی‌ها و سپس به رژیم صهیونیستی تحویل داده شدند. اکنون در آلبانی مستقر هستند و متأسفانه این کشور که روابط دوستانه‌ای با مردم ایران داشت، به دلیل حمایت از منافقین به عنوان حامی تروریست‌ها شناخته می‌شود.

سر سازمان در پاریس و بدنه در آلبانی است

مجری: در آلبانی دقیقاً چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهند؟ فقط در فضای مجازی فعال‌اند یا اقدامات دیگری هم دارند؟

خدابنده: از دو سال پیش، دولت آلبانی به دلیل تهدیدات امنیتی مجاهدین، فعالیت‌های آن‌ها را محدود کرد. مریم رجوی و حدود صد نفر از سران به پاریس رفتند و اکنون سر سازمان در پاریس است. بدنه سازمان در آلبانی یک ارتش سایبری تشکیل داده که امنیت روانی مردم ایران را هدف قرار می‌دهد. آن‌ها

شایعه‌سازی و اخبار کذب منتشر می‌کنند و حتی افراد ناآگاه یا دارای مشکلات اقتصادی را تحت عنوان «کانون‌های شورشی» به اقدامات خرابکارانه وادار می‌کنند. این اقدامات شاید ارزش نظامی نداشته باشد، اما به لحاظ تبلیغی و سیاسی برای دشمنان ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منشاء هزینه‌های مجاهدین خلق

مجری: هزینه‌های این سازمان از کجا تأمین می‌شود و نقش آن‌ها در پازل رژیم صهیونیستی چیست؟

خدابنده: هزینه‌های هنگفت سازمان از منابعی مانند آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم با ایران تأمین می‌شود. مستند «خبریه اشرف» از شبکه مستند نشان داد که آن‌ها از طریق پولشویی، قاچاق سلاح و دارو فعالیت‌های مافیایی انجام می‌دهند، که یکی از دلایل محدودیت آن‌ها در آلبانی بود. در پازل رژیم صهیونیستی، مجاهدین نقش کلیدزنده بحران را ایفا می‌کنند.

طبق کتاب «بحران ساختگی» نوشته گرت پورتر، سرویس‌های اطلاعاتی غربی اطلاعاتی را به مجاهدین می‌دهند تا آن‌ها به عنوان نیروی ایرانی در واشنگتن مطرح کنند که ایران در حال ساخت بمب اتم است. این اطلاعات ساختگی از طریق مجاهدین منتشر می‌شود تا سیاست‌گذاری‌های ضدایرانی در غرب توجیه شود.

در ادامه گفت‌وگو، ابراهیم خدابنده به تشریح نقش این سازمان در خدمت به دشمنان ایران، به ویژه رژیم صهیونیستی و قدرت‌های غربی، و همچنین پیامدهای حمایت دولت آلبانی از این گروه پرداخت.

بقیه در صفحه بعد

وی با استناد به تجربیات خود از درون سازمان، از همکاری‌های منافقین با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی، پروژه‌های خیانت‌بار آن‌ها علیه ایران و وضعیت کنونی این گروه سخن گفت. خدابنده: مثلاً بینید، شورای حکام بیانی‌های صادر می‌کند، سپس مسعود رجوی می‌گوید ما ۳۴ سال است همین حرف‌ها را می‌زنیم و شما توجه نکردید. روز بعد، رژیم صهیونیستی این را بهانه کرده و حمله موشکی انجام می‌دهد. سیاست‌گذاری که در خارج می‌خواهند به رژیم صهیونیستی اعتراض کنند، با این پاسخ مواجه می‌شوند که خود ایرانی‌ها به ما گفتند این‌ها در حال ساخت بمب اتم هستند. یعنی منافقین نقش مزدوری را ایفا می‌کنند. در غرب، سیاست‌گذاران یکپارچه نیستند؛ برخی جنگ‌طلب‌اند و برخی مخالف جنگ. آن‌هایی که به دنبال جنگ با ایران هستند، از رجوی به‌عنوان مزدور استفاده می‌کنند تا موضع خود را تقویت کنند، مثلاً با حمایت افرادی مثل پمپئو و بولتون.

اعتراف رجوی به اینکه برای سرنوشتی نیاز به حمایت یک ابرقدرت دارد

مجری: سؤالی مطرح شده که ظاهراً تیمی از منافقین اخیراً با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرده و به او اطمینان داده‌اند که اگر ایران را هدف قرار دهد، ایرانی‌ها توان پاسخگویی ندارند. آیا این دیدار را تأیید می‌کنید و اگر صحت دارد، چه اتفاقی افتاده است؟

این موضوع اطلاع ندارم، اما به‌طور کلی می‌دانم که در جریان حمله عراق به ایران، سازمان مجاهدین خلق نقش اساسی در تشویق صدام حسین برای حمله داشت و به او اطمینان می‌داد که ایران

توان دفاعی ندارد. این سابقه‌ای است که تکرار شده است. همچنین اطلاع دارم که سازمان بارها تلاش کرده رژیم صهیونیستی و آمریکا را مطمئن کند که توان موشکی ایران آن‌گونه که ادعا می‌شود نیست و اگر سران نظامی ایران را به‌موقع هدف قرار دهند، ایران قادر به پاسخگویی نخواهد بود. به زعم مجاهدین، ایران نباید می‌توانست به حملات صهیونیست‌ها پاسخ دهد. آن‌ها این اطمینان را داده بودند، اما وقتی حمله غافلگیرانه صهیونیست‌ها در صبح جمعه رخ داد و ایران همان شب با قدرت کامل پاسخ داد، تمام ادعاهای سازمان نقش بر آب شد. بارها پیش آمده که اطلاعات ارائه‌شده توسط مجاهدین خلاف واقع بوده است. هدف آن‌ها صرفاً ایجاد «جرقه و جنگ» است. خود رجوی بارها از این عبارت استفاده می‌کرد و می‌گفت استراتژی ما از ابتدا این بود که ایران را با هر کشوری وارد جنگ کنیم تا از این طریق حاکمیت را به دست بیاوریم. وقتی در عراق بودیم، رجوی در نشست‌هایی به نام «حوض» می‌گفت ما به عراق آمدمیم تا با کمک این کشور جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم، اما خودش اعتراف کرد که با کمک عراق این کار ممکن نیست و نیاز به حمایت یک ابرقدرت دارد. او می‌دانست که برای کسب قدرت در ایران باید پای آمریکا را از طریق اسرائیل به میان بکشد. برادرم، مسعود خدابنده، توییتهایی جالب منتشر کرد که می‌گفت مریم رجوی و نتانیاهو پس از ناکامی در اقدامات تروریستی، حالا به ترامپ التماس می‌کنند که سربازان آمریکایی را به کشتن دهد، اما وقتی آمریکا با صدام درگیر بود، هیچ‌یک از این‌ها به کمک آمریکا علیه صدام

نیامدند. هدف آن‌ها فقط به کشتن دادن سربازان آمریکایی در این ماجراست.

سازمان با تمام سرویس‌های اطلاعاتی در ارتباط است

مجری: ارتباط فرانسوی‌ها و آمریکایی‌ها با مجاهدین مستقیم است یا واسطه‌ای مثل موساد در میان است؟

خدابنده: سازمان مجاهدین خلق با هیچ وزارت خارجه‌ای ارتباط مستقیم ندارد، اما با تمام سرویس‌های اطلاعاتی در ارتباط است. حتی در عراق، هیچ ارتباطی با وزارت خارجه این کشور نداشت، اما با مخابرات، استخبارات ارتش و اطلاعات غیرنظامی رژیم بحث همکاری داشت.

سازمان به سرانجام شوم خود رسیده است

مجری: سازمانی که به این وضعیت افتاده، پروژه می‌گیرد تا روزمرگی کند، در روزی که مردم کشورش در حال دفاع هستند، به انجام ۳۰ رشته عملیات در ۳۰ خرداد افتخار می‌کند و اطلاعات را به نام خود منتشر می‌کند تا پرستیزش حفظ شود، به نظر شما سرانجامش چه خواهد بود؟

خدابنده: من فکر می‌کنم سازمان به سرانجام شوم خود رسیده است. سؤالی که خود اعضای سازمان می‌پرسند این است که مسعود رجوی کجاست؟ سر سازمان از بدنه جدا شده، قدرت جذب ندارد و روند مزدوری تا حدی می‌تواند ادامه یابد، اما کارکرد خود را از دست داده است. آن‌ها مدام تلاش می‌کنند خود را در معادلات نگه دارند، اما حتی اسرائیلی‌ها حاضر نشده‌اند علناً با این سازمان یا دیگر گروه‌های اپوزیسیون ایران در سرزمین‌های اشغالی دیدار کنند. یادم هست ویکی‌لیکس سندی منتشر کرد

که وزیر خارجه عربستان از سفارت این کشور در لندن درباره مجاهدین سؤال کرده بود و پاسخ این بود که این گروه به شدت منفور است و نزدیک شدن به آن‌ها هرگونه حمایت ما در داخل ایران را از بین می‌برد. منافقین به حیات خفیف و خائنه‌ای رسیده‌اند و تلاش می‌کنند به قول انگلیسی‌ها نشان دهند که هنوز می‌توانند «گاز بگیرند و لگد بزنند» و برای اربابان‌شان کاری انجام دهند.

حمایت آلبانی از یک نیروی خائن آینده خوشی برای این کشور نخواهد داشت

مجری: نکته‌ای باقی مانده است؟

خدابنده: من فقط می‌خواهم اشاره کنم که ما در انجمن نجات تلاش می‌کنیم برای نجات اعضای که در سازمان گرفتار هستند. شعبه‌ای در آلبانی داریم که برای کمک به افرادی که در کمپ‌های مجاهدین گرفتارند، فعالیت می‌کند. خانواده‌های این افراد تلاش می‌کنند با آن‌ها دیدار کنند، اما متأسفانه دولت آلبانی به دلیل حمایت از مجاهدین، این حق انسانی را از خانواده‌ها سلب کرده است. آن‌ها حتی اجازه نامه‌نگاری یا ارتباط ساده را نمی‌دهند. حمایت آلبانی از یک نیروی خائن و مزدور آینده خوشی برای این کشور نخواهد داشت. دریافتان آلبانی با جمهوری اسلامی به نفع مجاهدین و رژیم صهیونیستی چیزی نیست که مردم آلبانی بخواهند. به دولتمردان آلبانی هشدار می‌دهم که راه درستی را در پیش نگرفته‌اند.

مجری: بسیار متشکرم از جناب آقای مهندس خدابنده برای این گفت‌وگوی افشاگرانه.



مروری بر سابقه همدستی مجاهدین خلق
با رژیم صهیونیستی و خیانت به ایران

ماجرای نیم کاسه

”

مجاهدین خلق در تمامی این سال‌ها یک هدف اصلی داشتند: تحریک غرب و رژیم صهیونیستی برای حمله نظامی به ایران. امروز آن‌ها تنها یک ابزار در دست دشمنان ایران هستند و هرگونه ادعای مبارزه برای آزادی از سوی آن‌ها، دروغی بیش نیست. اما آن چه بدیهی است این گروه فرومایه و پست هیچ اهمیتی برای ایرانیان ندارند و هیچ‌گاه نیز در راستای منافع ملت ایران عمل نکردند ولی نمی‌توان خیانت‌های آن‌ها را هم نادیده گرفت

در دوران جنگ تحمیلی عملاً به بخشی از ارتش صدام تبدیل و علیه سرزمین مادری خود وارد جنگ شد. مجاهدین از همان ابتدای جنگ تحمیلی، اطلاعات نظامی ایران را از طریق جاسوسی به رژیم بعث ارائه کردند و حتی پس از اعلان رسمی پایان جنگ نیز در عملیاتی موسوم به «فروغ جاویدان» (۱۳۶۷) به صورت مستقیم علیه ایران وارد جنگ شدند. این خیانت آشکار که در راستای منافع دشمنان ایران انجام می‌شد، چهره واقعی این تشکیلات وطن‌فروش را برای ملت ایران عیان کرد.

ارتباط با موساد

از اوایل دهه ۱۳۸۰، رژیم صهیونیستی به دلیل نیاز به اهرمی علیه ایران، به تشکیلات رجوی علاقه‌مند شد. اولین تماس فیزیکی بین نمایندگان مجاهدین

(کا.گ.ب) دستگیر شد. سعادت‌ی در ملاقاتی با ولادیمیر فیسینکو، مأمور شوروی، در شرکت نولکو (پوششی برای فعالیت‌های جاسوسی سازمان)، اسنادی از جمله پرونده سرلشکر مقربی در آرشیو ساواک را به طرف شوروی تحویل داد. این اقدام، که با هدف تأمین منافع بیگانه انجام شد، منجر به محکومیت و اعدام او در سال ۱۳۶۰ شد. این ماجرا هم پس از انتشار جزئیات آن فاش نمود که ابزار بودن برای قدرت‌های خارجی از راهبردهای اصلی این تشکیلات است.

همدستی با صدام و نقش در جنگ تحمیلی

یکی از سیاه‌ترین فصل‌های تاریخ تشکیلات رجوی، همکاری آن‌ها با رژیم بعث صدام حسین در طول جنگ تحمیلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹) است. این تشکیلات خائن

مجاهدین خلق؛ از همکاری با ساواک تا جاسوسی برای شوروی

سابقه خیانت، مزدوری و وطن‌فروشی در تشکیلات مجاهدین به پیش از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. مسعود رجوی در دهه ۱۳۵۰، با ساواک، سازمان امنیت رژیم پهلوی، همکاری کرد و اطلاعات خانه‌های تیمی و اعضای کلیدی سازمان را لو داد. این اقدام منجر به دستگیری و اعدام بسیاری از بنیان‌گذاران اولیه سازمان شد. این خیانت نشان داد که رجوی از همان دوران فقط به دنبال حذف رقبای درون‌سازمانی و در سودای ریاست بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸، محمدرضا سعادت‌ی، از اعضای ارشد مجاهدین، به اتهام جاسوسی برای سرویس اطلاعاتی شوروی

تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق که در ادبیات سیاسی به نام «منافقین» شناخته می‌شود، از بدو تأسیس تا به امروز، همواره مسیری پر از ترور، خیانت و وابستگی به بیگانگان را پیموده است.

به گزارش فراق، این تشکیلات که در سال ۱۳۴۴ با شعارهای مبارزه با رژیم پهلوی و دفاع از خلق شکل گرفت، خیلی سریع تغییر ماهیت داد و به‌تدریج به ابزاری در دست سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه، به‌ویژه سیا و موساد، تبدیل شد.

در این نوشتار به بهانه تجاوز رژیم غاصب صهیونیستی به میهن عزیزمان با تکیه بر موارد جاسوسی به بررسی سابقه همکاری مجاهدین خائن با این رژیم و نقش آن‌ها در مزدوری برای بیگانگان و خیانت به منافع ملی ایران پرداختیم.

و مأموران اطلاعاتی رژیم غاصب در دسامبر ۱۹۸۸ در منطقه‌ای روستایی در جنوب ولز برقرار شد. در این دیدار، که با میانجی‌گری سرویس اطلاعاتی عراق انجام گرفت، تهدید اسرائیل به بمباران تأسیسات هسته‌ای عراق مطرح شد و مجاهدین به‌عنوان کانالی برای انتقال اطلاعات مورد استفاده قرار گرفتند.

موساد در دهه هفتاد عملیات محرمانه‌ای را در چند منطقه از جهان با عنوان «عصر جدید» انجام داد که شامل انفجار و عضوگیری از مزدوران از جمله شهروندان کشورهای عربی با هدف ممانعت از ساخت راکتور هسته‌ای توسط صدام بود اما این عملیات به هدف خود نرسید و رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت این راکتور را نابود کند.

دومین ملاقات در سال ۱۹۹۶ در خانه‌ای امن متعلق به مجاهدین در حومه منچستر انجام شد. این بار، به صراحت اعلام شد که طرف مقابل، مأموران موساد هستند. این دیدار، که توسط ابراهیم ذاکری، رئیس وقت اطلاعات سازمان، هدایت می‌شد، نقطه عطفی در همکاری‌های اطلاعاتی بین دو طرف بود.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های همکاری مجاهدین با موساد، عملیات فریب خبری در تابستان ۲۰۰۲ بود که طی آن، اطلاعات جعلی درباره تأسیسات هسته‌ای نطنز و اراک توسط واحد جنگ روانی موساد به مجاهدین منتقل شد و این سازمان آن را به‌عنوان «افشاگری» منتشر کرد. این اقدام مجاهدین که اولین سفارش رسمی از سوی رژیم صهیونیستی بود به تشدید فشارهای بین‌المللی علیه ایران کمک کرد.

سه محور اصلی خیانت

مجاهدین در پرونده هسته‌ای

۱- همکاری با موساد و سیا جان مک‌کین، سناتور آمریکایی، در نامه‌ای به باراک اوباما در سال ۲۰۱۵ صراحتاً اعلام کرد:

«مجاهدین خلق در جمع‌آوری اطلاعات از تأسیسات هسته‌ای ایران بسیار مفید بوده‌اند و باید مورد حمایت قرار گیرند.» این اعتراف خود گواه روشنی بر همکاری مجاهدین با دستگاه‌های امنیتی دشمن بود.

۲- ترور دانشمندان هسته‌ای ایران بر اساس کتاب «برخیز و بی‌درنگ او را بکش» اثر رونن برگمن، روزنامه‌نگار اسرائیلی، ترور دانشمندان هسته‌ای ایران بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ با همکاری مستقیم موساد و عناصر مجاهدین خلق انجام شده است.

فیل جرالدي، افسر سابق سیا، نیز تأیید کرده که موساد از شبکه مجاهدین برای شناسایی و ترور دانشمندان ایرانی استفاده کرده بود.

۳- برگزاری کنفرانس‌های تبلیغاتی و انتشار اطلاعات جعلی مجاهدین خلق در طول دو دهه اخیر، بیش از ۱۰۰ کنفرانس ضدایرانی در کشورهای مختلف برگزار کردند تا با تحریف واقعیت‌ها، جو رسانه‌ای منفی علیه ایران ایجاد کنند. برخی از مهم‌ترین ادعاهای کذب این گروه شامل:

سال ۲۰۱۰: ادعای کشف یک سایت هسته‌ای مخفی در غرب تهران (که حتی مقامات آمریکایی آن را رد کردند).

سال ۲۰۱۱: جعفرزاده، سخنگوی مجاهدین، در واشنگتن ادعا کرد ایران در مجتمع تابا کرج در حال ساخت ده‌ها هزار سانتریفیوژ است.

سال ۲۰۱۲: پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و امیدواری به حل دیپلماتیک بحران، منافقین مدعی شدند ایران در حال ساخت یک مرکز هسته‌ای زیرزمینی در شرق دماوند است.

تمام این ادعاها توسط بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رد شد، اما هدف اصلی، تداوم فشارها و توجیه حمله احتمالی به ایران بود. حتی پس از امضای توافق برجام در سال ۲۰۱۵، مجاهدین به فعالیت‌های خرابکارانه خود ادامه دادند. در اردیبهشت ۱۳۹۶، سخنگوی سازمان در آمریکا ادعا کرد ایران به‌صورت مخفیانه در پارچین به فعالیت‌های هسته‌ای ادامه می‌دهد، در حالی که بازرسی‌های آژانس این ادعا را تکذیب کرد.

در آخرین نمونه هم، ماه پیش بود که مجاهدین در نمایشی که توسط «فاکس نیوز» برجسته‌سازی شد مدعی وجود یک سایت هسته‌ای مخفی در سمنان باز هم با استفاده از اطلاعات رسیده توسط ارباب صهیونی خود شدند، اما با واکنش سریع نمایندگی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد که آن را «ساختگی» و «روش کار گروهک تروریستی منافقین» دانسته بود، ناکام ماندند.

نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل در این خصوص با انتشار بیانیه‌ای افزود: «روش کار گروهک تروریستی منافقین حکایت از این دارد که این گروهک، گزارش‌های ساختگی را در قالب یافته‌های به‌اصطلاح اطلاعاتی در اختیار سرویس‌های غربی از جمله آمریکا قرار می‌دهد تا کسب اعتبار کند.» نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل اضافه کرد: «اما وقتی این سازمان‌ها به

بی‌اعتباری آن پی می‌برند، مشتری بعدی خود را در رسانه‌های غربی انتخاب می‌کند تا از ظرفیت آن‌ها برای موج‌سواری بهره‌مند گردد.»

مجاهدین بدون فرانسه و رژیم صهیونیستی قادر به ادامه حیات نیستند

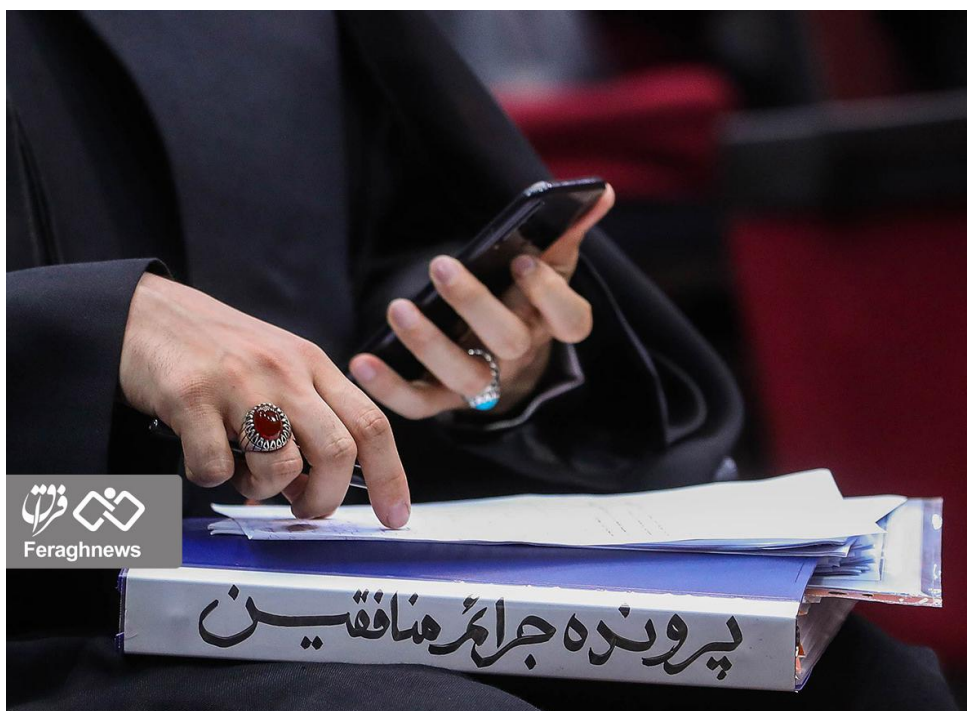
مهم‌ترین نکته در تحلیل وضعیت امروزی مجاهدین خلق این است که این تشکیلات بدون حمایت مالی، لجستیکی و سیاسی قدرت‌های خارجی، به‌ویژه فرانسه و رژیم صهیونیستی، قادر به ادامه حیات نیست. پس از اخراج از عراق و انتقال به آلبانی، مجاهدین به‌طور کامل به حمایت‌های مالی و اطلاعاتی اسرائیل وابسته شده‌اند. فرانسه نیز با میزبانی مسعود و مریم رجوی در دهه‌های گذشته، نقش مهمی در حفظ این تشکیلات ایفا کرده است. اظهارات بسیاری از اعضای جدا شده تشکیلات، مانند مسعود خداینده، سرتیم سابق حفاظت مسعود رجوی، نیز این وابستگی را تأیید می‌کند. خداینده بارها فاش کرده که موساد و مجاهدین همکاری نزدیکی برای ایجاد آشوب در ایران دارند.

مجاهدین خلق در تمامی این سال‌ها یک هدف اصلی داشتند: تحریک غرب و رژیم صهیونیستی برای حمله نظامی به ایران. امروز آن‌ها تنها یک ابزار در دست دشمنان ایران هستند و هرگونه ادعای مبارزه برای آزادی از سوی آن‌ها، دروغی بیش نیست. اما آن چه بدیهی است این گروه فرومایه و پست هیچ اهمیتی برای ایرانیان ندارند و هیچ‌گاه نیز در راستای منافع ملت ایران عمل نکردند ولی نمی‌توان خیانت‌های آن‌ها را هم نادیده گرفت.

حمایت جدادشده‌های تشکیلات رجوی از پیگیری استرداد سرکردگان «مجاهدین خلق»

عدالت در راه است

” به زوجه غصبی و آبدارچی اورسورواز یادآوری می‌کنیم: عدالت در راه است، پاسخ‌گویی به قتل‌ها، خیانت‌ها، و جنایت‌هایی که مرتکب شده‌اید، اجتناب‌ناپذیر است



جمعی از جدادشده‌های تشکیلات رجوی در بیانیه‌ای به سرکردگان این تشکیلات نوشتند: عدالت در راه است. پاسخ‌گویی به قتل‌ها، خیانت‌ها، و جنایت‌هایی که مرتکب شده‌اید، اجتناب‌ناپذیر است.

به گزارش فراق، به دنبال انتشار خبر پیگیری قانونی استرداد متهمان پرونده دادگاه نفاق در ایران به ویژه از کشورهای آلمان، فرانسه و انگلستان، جمعی از اعضای جدادشده از تشکیلات تروریستی رجوی در بیانیه‌ای اعلام کردند، این سازمان که سال‌هاست به مهرهای سوخته بدل شده، اکنون تلاش می‌کند با ایجاد هیاهو، تهدید و تطمیع، صدای حقیقت را خفه کند.

در متن این بیانیه آمده است:

ما جمعی از اعضای جدادشده از تشکیلات تروریستی رجوی، با آگاهی از مسئولیت تاریخی خود در برابر مردم ایران و قربانیان جنایات این تشکیلات، بر خود فرض می‌دانیم که بار دیگر حقیقت را بی‌پرده بیان کنیم.

آن تشکیلات تروریستی و وطن‌فروش که طی چند دهه با عوام‌فریبی و خیانت، جان هزاران نفر را به گروگان گرفته، امروز در برابر موج درهم‌کوبنده افشاگری‌ها و برگزاری دادگاه‌های عادلانه، به شکلی هیستریک دچار دست‌پاچی شده است.

واکنش‌های اخیر این تشکیلات در قالب توهین، فحاشی و برچسب‌زنی به اعضای

آرام اعضای جدادشده می‌شوند تا شاید با ارباب، آنان را به سکوت وادار کنند. اما بدانند که این روش‌ها دیگر کارگر نیست.

ما اعلام می‌کنیم:

نه تطمیع، نه تهدید، و نه جیغ‌های بنفش، مانع ما نخواهد شد.

ما ایستاده‌ایم، چون حقیقت را دیده‌ایم.

ما می‌گوییم، چون صدای قربانیان فراموش شده‌ایم.

و به زوجه غصبی و آبدارچی اورسورواز یادآوری می‌کنیم: عدالت در راه است. پاسخ‌گویی به قتل‌ها، خیانت‌ها، و جنایت‌هایی که مرتکب شده‌اید، اجتناب‌ناپذیر است.

در حافظه خود خواهند داشت. امروز، ما اعضای سابق، با افتخار در صف افشاگران این باند جنایتکار ایستاده‌ایم. حملات هیستریک و توهین‌های این باند وطن‌فروش نشان می‌دهد که دقیقاً به هدف زده‌ایم. آنچه باند رجوی آن را «افشاگری مزدورانه» می‌نامد، در حقیقت، صدای وجدان‌های بیدار و تجربه‌دیده‌ای است که از دل تاریکی آمده‌اند تا با خود روشنی بیاورند و می‌آورند ان‌شاءالله. این سازمان که سال‌هاست به مهرهای سوخته بدل شده، اکنون تلاش می‌کند با ایجاد هیاهو، تهدید و تطمیع، صدای حقیقت را خفه کند. خرمگس‌هایش در کشورهای اروپایی مزاحم زندگی

جدا شده، به‌خوبی نشان‌دهنده عمق بحران و وحشت درونی تشکیلات است. ما را «مزدور» می‌خوانند! مزدور کسی است که هر زمان با صدام‌ها و صدامک‌های خون ریز هم‌پیمان می‌شود و تشکیلاتی به ظاهر انقلابی و در باطن وطن‌فروش را به شرکت خصوصی خدمات جاسوسی و خرابکاری تبدیل کرده است. فراموش نمی‌کنیم که مسعود رجوی، سرکرده زیرخاکی تشکیلات و نوجه‌های پیر و پاتال او، چگونه تشکیلات را به ابزاری برای سرکوب مردم عراق تبدیل کردند. کردها و شیعیان عراق به لطف دادگاه‌هایی که برگزار می‌شود تا ابد جنایات این پلید را

افشای اقدامات رژیم صهیونیستی در آلبانی

داده کاوی از اظهارات اولسی یازیچی، پژوهشگر آلبانیایی

اسرائیل گروه مجاهدین خلق (MOK) را به آلبانی آورد.

اسرائیل، ادی راما را در قدرت نگه داشته است.

اسرائیل، قصد دارد آلبانی را تقسیم کند و یک دولت بکتاشی تشکیل دهد.

اسرائیل در حال کشتار و نسل کشی مسلمانان است.

اسرائیل در سال ۲۰۲۲ به سیستم‌های سایبری آلبانی حمله کرد و ایران را متهم نمود.

مافیای اسرائیل از طریق Bankers Petroleum، نفت آلبانی را دزدیده است.

مافیای اسرائیل از طریق کال سترها از اروپا سرقت می‌کند.

اسرائیل پلیس ضدتروریسم را ساخت و زندان‌ها را از مسلمانان آلبانیایی پر کرد.

مافیای اسرائیل اقتصاد آلبانی، سیستم بانکی و پول مردم را کنترل می‌کند

اسرائیل پشت جولنیست‌ها (روزنامه‌نگاران وابسته) و MEK است.

اسرائیل به راما دستور داد سفارت ایران را از آلبانی اخراج کند.

مافیای اسرائیل کنترل ثروت آلبانیایی‌ها را در دست دارد و دستور داده هر آلبانیایی که وارد یا خارج می‌شود، تحت کنترل مالی قرار گیرد.

مافیای اسرائیل میلیون‌ها دلار از آلبانیایی‌ها می‌گیرد تا ادعا کند از سیستم‌های سایبری آن‌ها «محافظت» می‌کند.

رفتار دوگانه رهبر بکتاشیان - سکوت در برابر جنایات رژیم غاصب و دیدار با لابی‌های یهودی - با اصول اعلام‌شده این طریقت، مانند مبارزه با ظلم و احترام به انسانیت، در تضاد است

دلیل سکوت رهبر بکتاشیان آلبانی در برابر جنایات آشکار رژیم صهیونیستی



سکوت رهبر بکتاشیان آلبانی در برابر جنایات رژیم صهیونیستی و دیدارهای او با لابی‌های یهودی را می‌توان نتیجه ترکیبی از فشارهای سیاسی دولت آلبانی، وابستگی این کشور به غرب و تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی برای پروژه «دولت بکتاشی» دانست. به گزارش فراق، طریقت بکتاشی، به‌عنوان یکی از شاخه‌های صوفی‌گری با ریشه‌هایی از تشیع و با شعار مروج صلح و امنیت، از قرن بیستم، آلبانی را به مرکزیت جهانی خود انتخاب کرده است. اما در عین حال، رفتار اخیر رهبر این طریقت، حاجی بابا موندی (ادموند براهیماج) در قبال مسائل منطقه‌ای، به‌ویژه جنایات رژیم صهیونیستی، حمله اخیر به ایران و نیز دیدارهای گزارش‌شده با نمایندگان لابی‌های یهودی، پرسش‌های جدی را درباره ادعاها و آرمان‌های این گروه ایجاد می‌کند.

کارشناسان معتقدند سکوت رهبر بکتاشیان در برابر جنایات رژیم صهیونیستی، به خصوص تجاوز آشکار اخیر به ایران که به شهادت شهروندان بی‌گناه و فرماندهان ایرانی منجر شد، می‌تواند به چند عامل مرتبط باشد:

اول اینکه آلبانی، به‌عنوان کشوری با اقتصاد شکننده و عضوی از ناتو، به شدت به حمایت‌های سیاسی و اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه اروپا وابسته است. رژیم صهیونیستی، به دلیل نفوذ گسترده لابی‌های یهودی در آمریکا و اروپا، از متحدان کلیدی غرب محسوب می‌شود. ادی رامه، نخست‌وزیر آلبانی، با طرح ایجاد «دولت کوچک بکتاشی» در تیرانا، به دنبال جلب حمایت غرب و ترویج یک اسلام مورد دلخواه است. دومین دلیل ترس از واکنش لابی‌های صهیونیستی است. بکتاشیان در ایدئولوژی خود بر اصول عرفانی مانند صلح، محبت و احترام متقابل تأکید دارند و ادعا دارند

ایفا کنند. دیدارهای بابا موندی با این گروه‌ها ممکن است بخشی از تلاش برای جلب حمایت سیاسی و مالی باشد. همچنین بکتاشیان به دلیل رویکرد لیبرال خود، از جمله آزادی در پوشش زنان و مصرف الکل، به‌عنوان نمادی از اسلام به اصطلاح میانه‌رو معرفی می‌شوند. این تصویر برای غرب، که به دنبال تقویت جریان‌های مورد مطلوب خود با پوشش اسلامی است، جذابیت دارد.

به هر حال رفتار دوگانه رهبر بکتاشیان - سکوت در برابر جنایات رژیم غاصب و دیدار با لابی‌های یهودی - با اصول اعلام‌شده این طریقت، مانند مبارزه با ظلم و احترام به انسانیت، در تضاد است. علاوه بر این، در حالی که کشور ایران مورد تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی قرار گرفته و این طریقت اشتراکات مذهبی زیادی با ایران دارد، سکوت بکتاشیان می‌تواند نشانه‌ای از دوری از آرمان‌های شیعی و نزدیکی به منافع غرب آن‌ها تلقی شود. بابا موندی برای حفظ جایگاه معنوی خود، نیازمند بازنگری در رویکرد و اتخاذ مواضع شفاف‌تر در برابر ظلم و بی‌عدالتی است، حتی اگر این امر به قیمت چالش‌هایی هم در روابط با غرب تمام شود.

از درگیری‌های سیاسی دوری می‌کنند. آن‌ها این رویکرد را به‌عنوان توجیهی برای سکوت در برابر مسائل سیاسی حساس، از جمله جنایات رژیم صهیونیستی به کار می‌گیرند اما این استدلال زمانی که پای دیدار با لابی‌های یهودی به میان می‌آید، دیگر قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. همچنین نفوذ لابی‌های صهیونیستی، به‌ویژه آپیک (کمیته روابط عمومی آمریکایی-اسرائیلی)، در سیاست خارجی آمریکا و اروپا غیرقابل‌انکار است. این لابی‌ها توانایی فشار بر افراد و گروه‌هایی را دارند که علیه اسرائیل موضع‌گیری کنند.

گزارش‌هایی در فضای مجازی از دیدارهای رهبر بکتاشیان با نمایندگان لابی‌های یهودی، به‌ویژه در جریان سفر سال گذشته ادی رامه به آمریکا، وجود دارد که این می‌تواند به دلایل زیر انجام شده باشند:

طرح ایجاد یک دولت کوچک برای بکتاشیان، که از سوی ادی رامه در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد، نیازمند حمایت بین‌المللی است. لابی‌های یهودی، به دلیل نفوذ گسترده در کنگره آمریکا و محافل تصمیم‌گیری اروپا، می‌توانند در به‌رسمیت‌شناخته‌شدن این پروژه نقش کلیدی

افشاگری رسانه آلبانیایی از پول پاشی مجاهدین برای انتشار اطلاعات نادرست در این کشور

GAZETA IMPAKT



خبر حمایت «۱۰۰۰ شهردار

فرانسوی از مجاهدین»

جعلی است

تروریست‌ها اجازه حمله به ایران

از خاک آلبانی گرفتند

تروریستی سابق مجاهدین خلق ایران حمایت می‌کنند، ارائه نمی‌دهند.

خبر منتشر شده توسط «آلبانیان دیلی نیوز» در راستای اخباری است که سازمان مجاهدین خلق (MEK) قبلاً نیز منتشر کرده بود، مانند سال ۲۰۲۳ در جریان عملیات نیروهای ویژه ملی (FNSH) و پلیس دولتی در اردوگاه آنها، زمانی که مجاهدین ادعا کردند که پلیس آلبانی مجاهدین را کشته است.

بر اساس نوشته «گازتا ایمپکت» این خبر دروغین تنها چند روز پس از آن منتشر می‌شود که سازمان مجاهدین خلق از طریق سناتورهای آمریکایی پول گرفته، به دولت آلبانی و نخست‌وزیر «راما» فشار آورد تا به این سازمان اجازه دهد به حملات خود علیه ایران از خاک آلبانی ادامه دهد و امنیت ملی آلبانیایی‌ها را به خطر بیندازد.

کرده و به طرح ده ماده‌ای ایشان اشاره کرده‌اند که از عدالت، دموکراسی و پایان اعدام‌ها در یک ایران آزاد در آینده دفاع می‌کند.»

بنا بر نوشته «گازتا ایمپکت» این خبر که به دستور مریم رجوی منتشر شده و توسط فرماندهانی مانند شاهین قبادی که به رسانه‌های تیرانا مراجعه کرده و برای انتشار اخبار دروغین پول پیشنهاد می‌دهد، ارسال شده است، هیچ واقعیت قابل تأییدی ندارد. هیچ اطلاعات مشخصی در مورد این «حمایت» فرضی شهرداران فرانسوی از تشکیلات رجوی، نه اسامی آنها، نه محل سکونتشان و نه هیچ چیز دیگری ارائه نشده است. نه انیسا سکندای و نه سازمان مجاهدین خلق ایران (MEK)، که این خبر را آماده انتشار ارائه کرده است، هیچ اسمی از این شهرداریانی که ادعا می‌شود از سازمان

منتشر کرده است. در خبری که در ۱۴ آوریل توسط «آلبانیان دیلی نیوز» منتشر شده، ادعا شده است که هزاران شهردار فرانسوی علیه ایران صف‌آرایی کرده و از مریم رجوی، پیرزن تروریست، حمایت می‌کنند.

به گزارش فراق، این رسانه افزوده است که فرماندهان مجاهدین برای انتشار اخبار ضدایرانی، ضداسلامی و ضد فلسطینی به رسانه‌های تیرانا مراجعه می‌کنند.

در خبر «آلبانیان دیلی نیوز» آمده است:

«بیش از ۱۰۰۰ شهردار فرانسوی یک بیانیه مشترک را امضا کرده‌اند که در آن خواستار توقف فوری اعدام‌ها در ایران شده و به افزایش نگران‌کننده مجازات‌های اعدام در دوره ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان اشاره کرده‌اند. شهرداران به وضوح از درخواست مریم رجوی برای لغو مجازات اعدام حمایت

رسانه آلبانیایی «گازتا ایمپکت» گزارشی افشاگرانه منتشر کرد که در آن آمده است، عوامل تشکیلات رجوی با پول پاشی در رسانه‌های مشهور این کشور از جمله «آلبانیان دیلی نیوز» اطلاعات جعلی منتشر می‌کنند.

به گزارش اختصاصی فراق، «گازتا ایمپکت» ۲۶ فروردین ماه در گزارشی به شیوه نفوذ عوامل تشکیلات رجوی در رسانه‌های مشهور آلبانی پرداخته و نوشته است: «آلبانیان دیلی نیوز»، متعلق به انیسا سکندای، به کمپین اطلاعات نادرست مجاهدین به رهبری مریم رجوی در اردوگاه اشرف ۳ در مانزه پیوسته است.

پورتال «آلبانیان دیلی نیوز» اخیراً یکی از اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران را بدون بررسی صحت خبری که از سوی فرماندهی مجاهدین به رهبری مریم رجوی به آن داده شده،

وحشی‌گری آشکار رژیم صهیونیستی موجب واکنش «ترکی الفیصل» شد چرخش منصفانه حامی قدیمی قبر عضدانلو در سایه اقتدار ایران



رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان، اخیراً با اظهاراتی تند علیه رژیم صهیونیستی و حمایت تلویحی از ایران در کانون توجهات افکار عمومی قرار گرفت.

به گزارش فراق، ترکی الفیصل، در سخنانی اظهار کرد: «اگر در دنیا انصاف حاکم بود، ما شاهد بارش بمب‌های سنگر شکن بمب‌افکن‌های B۲ آمریکایی بر دیمونا و دیگر سایت‌های هسته‌ای اسرائیل می‌بودیم، چرا که اسرائیل در مغایرت با پیمان عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای، دارای بمب‌های هسته‌ای است.» به گزارش فراق، الفیصل در یادداشتی در روزنامه اماراتی «د نشنال» نوشت: اگر عدل و انصاف بر دنیا حاکم بود، باید شاهد بارش بمب‌افکن‌های B۲ آمریکایی بر روی دیمونا و دیگر سایت‌های اسرائیلی می‌بودیم؛ چراکه اسرائیل دارای بمب‌های هسته‌ای است که با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مغایرت دارد. وی افزود: علاوه بر این، (رژیم) اسرائیل به این معاهده نپیوسته و خارج از نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد و هیچ‌کس تأسیسات هسته‌ای اسرائیل را بازرسی نکرده است. ترکی الفیصل ادامه داد: کسانی که حمله یکجانبه اسرائیل به ایران را با استناد به اظهارات رهبران ایرانی که خواستار محو اسرائیل هستند توجیه می‌کنند، اظهارات بنیامین نتانیاهو را که از زمان نخست‌وزیری‌اش در سال ۱۹۹۶ خواستار نابودی دولت ایران بوده است را نادیده می‌گیرند. رئیس پیشین سازمان اطلاعات عربستان گفت: حمایت ریاکارانه غرب از حمله اسرائیل به ایران قابل پیش‌بینی بود؛ زیرا حمایت آنها از حمله اسرائیل به فلسطین نیز همچنان ادامه دارد، هرچند برخی کشورها به تازگی کمتر از گذشته حمایت کرده‌اند. وی افزود: تحریم روسیه توسط غرب به خاطر حمله به اوکراین در تضاد شدید با آنچه به اسرائیل اجازه داده می‌شود، قرار دارد. نظم مبتنی بر قوانین بین‌المللی که مدت‌هاست توسط غرب تبلیغ و اعلام شده، در حال فروپاشی است. ما در دنیای عرب از این موضوع مصون نیستیم.

فیصل در ادامه سکوت دنیای عرب در قبال جنایت آشکار صهیونیست‌ها را این گونه توجیه

کرد: موضع اصولی ما در این درگیری‌ها، نمونه‌ای از آن چیزی است که کشورها، رهبران و ملت‌ها باید انجام دهند. وی گفت: وقتی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده به ارتش آمریکا چراغ سبز داد تا سه سایت هسته‌ای در ایران را بمباران کند، مشخص شد که او به فریب‌های نتانیاهو و بزرگنمایی موفقیت‌های او در حمله غیرقانونی به ایران باور داشته است. ترکی الفیصل ادامه داد: ترکی الفیصل افزود: پدرم زمانی که رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، هری ترومن، به وعده‌های فرانکلین دی. روزولت که قبل از او رئیس‌جمهور آمریکا بود، خیانت و به تولد اسرائیل کمک کرد، تا پایان دوره ترومن از سفر به ایالات متحده خودداری کرد و من نیز تا زمانی که ترامپ در کاخ سفید باشد، از سفر به آمریکا خودداری خواهم کرد. این اظهارات، با توجه به سابقه طولانی ارتباط ترکی الفیصل با تشکیلات تروریستی مجاهدین خلق و حمایت‌های گذشته‌اش از این گروه، نشانه‌ای از چرخش آشکار در مواضع اوست. ترکی الفیصل بارها در گردهمایی‌های این تشکیلات منفور، حضور پررنگی داشته و از مواضع ضدایرانی آن‌ها حمایت کرده. اما سخنان اخیر او، که به‌طور غیرمستقیم از ایران در برابر رژیم غاصب دفاع می‌کند، نشان‌دهنده فاصله‌گیری از این گروه و تلاش برای بازسازی چهره سیاسی‌اش در منطقه است. این تغییر موضع به زعم نگارنده می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. نخست، تحولات اخیر منطقه‌ای، از جمله گرم شدن روابط ایران و عربستان در سایه دیپلماسی نظام، دوم، انتقاد از رژیم غاصب و اشاره به برنامه هسته‌ای این رژیم می‌تواند تلاشی برای همراهی افکار عمومی جهان عرب باشد که نسبت به سیاست‌های صهیونیست‌ها بی‌تفاوت هستند، سوم، این اظهارات ممکن است بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای کاهش وابستگی عربستان به غرب و نمایش استقلال سیاسی این کشور در برابر ایالات متحده باشد. با این حال، ترکی الفیصل با حمله به رژیم صهیونیستی و اشاره به «انصاف» در سیاست جهانی، به‌طور غیرمستقیم از ایران حمایت کرده و این امر نشان دهنده قدرت حقیقت‌محور ایران بوده که وادار نموده حتی دشمنان دیروز که با خبیث‌ترین تروریست‌ها همدست بودند چنین موضع‌گیری‌هایی منصفانه در خصوص پیرامون خود داشته باشند. آمریکا بامداد روز یکشنبه (یکم تیرماه) با تجاوز به سه سایت هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان، به جنگ نتانیاهو علیه ایران پیوست. در پی این اقدام، جمهوری اسلامی ایران نیز با هدف قرار دادن بزرگترین پایگاه آمریکا در منطقه، واقع در العدید قطر پاسخ مقتدرانه به این تجاوز داد.

فراخوان همگانی برای شناسایی عوامل تروریست و جاسوسان رژیم صهیونیستی با هوشیاری و اتحاد، ایران را از لوٲ عوامل دشمن منافقین و خائنین پاک کنیم

بگذاریم. ملت ایران! همان‌گونه که در دهه ۶۰ با وحدت و بیداری، منافقین را زمین‌گیر کردید، امروز نیز با حضور در صحنه و احساس مسئولیت، لانه‌های جاسوسی و تروریستی رژیم صهیونیستی را افشا کنید. بدانید که هر گزارش شما، گامی بزرگ در حفظ امنیت میهن و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن است.

دشمن بدانند: ایران، سرزمین شیران و پلنگان است و ملت بیدار آن، هرگز اجازه نخواهد داد لانه‌های فساد و خیانت در این خاک مقدس پابرجا بماند.

با هوشیاری و اتحاد، ایران را از لوٲ دشمنان، منافقین و خائنین پاک کنیم.

مسئولیت‌پذیری شهروندان و همکاری آنان با نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی بود. امروز نیز، رژیم صهیونیستی که از ناتوانی خود در برابر عظمت و عمق جغرافیایی ایران آگاه است، به مزدوران داخلی‌اش دل بسته تا با ایجاد آشوب، ترس و خرابکاری، ملت ما را تضعیف کند.

هشدار می‌دهیم: هر خانه، محله یا مکانی که به فعالیت‌های مشکوک، جاسوسی یا خرابکارانه عوامل رژیم صهیونیستی تبدیل شده باشد، باید با چشمان تیزبین شما شناسایی شود. وظیفه‌ای ملی و انسانی بر دوش تک‌تک ماست که با هوشیاری، گزارش دقیق و به‌موقع هرگونه فعالیت مشکوک، دشمن را در این جنگ نابرابر ناکام

چند در فعالیت‌های جاسوسی، در خانه‌ها و اماکن مخفی در نقاط مختلف کشور فعالیت می‌کنند. اما هوشیاری شما، ملت غیور ایران، تاکنون نقش کلیدی در شناسایی و دستگیری این خائنان داشته است. گزارش‌های مردمی، همان‌گونه که در دهه ۶۰ خانه‌های تیمی منافقین را یکی پس از دیگری افشا کرد، امروز نیز می‌تواند نقشه‌های شوم دشمن را نقش بر آب کند.

در دهه ۶۰، پس از شورش مسلحانه منافقین، کشف روزانه خانه‌های تیمی در شهرهایی چون تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و اهواز، ضربات سختی به این گروهک تروریستی وارد آورد. این موفقیت، مرهون همدلی و

ملت شریف و بیدار ایران، امروز، میهن عزیزمان بار دیگر آماج حملات ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. دشمن، همانند روزهای تلخ دهه ۶۰ که منافقین با بهره‌گیری از خانه‌های تیمی به قلب ملت ضربه می‌زدند، این‌بار نیز از عوامل خودفروخته و جاسوسان داخلی برای جاسوسی، خرابکاری و ترور بهره می‌گیرد. لانه‌های موساد و خانه‌های امن این مزدوران در گوشه‌وکنار کشور، پایگاه‌هایی برای طراحی اقدامات شوم علیه امنیت و آرامش مردم شده‌اند.

اخبار اخیر نشان می‌دهد که بسیاری از عوامل رژیم صهیونیستی، چه در ماجرایی ریزپرنده‌ها و پهپادهای خرابکار و

خطای استراتژیک صهیونیست‌ها و دستمال کثیفشان موجب اتحاد مردم شد

نه‌تنها منافقین را پس زدند، که با اتحاد خود آن‌ها را به حاشیه تاریخ راندند. امروز هم صهیونیست‌ها در همان تله گرفتار شده‌اند. آن‌ها باور نمی‌کردند که ایرانیان، از هر قشر و گروه، این‌گونه یکپارچه در برابر تجاوز بیاستند و از وطن و هموطنانشان دفاع کنند. مردم ایران که بارها در آزمون‌های سخت تاریخی سربلند بیرون آمدند، این‌بار نیز، با اتحادی مثال‌زدنی، نشان دادند که هیچ توطئه‌ای نمی‌تواند پیوند آن‌ها با میهن را سست کند. صهیونیست‌ها و منافقین، در توهم سرنگونی و تفرقه، باز هم شکست خوردند. ایران، با مردمی متحد و غیور، همچنان استوار ایستاده است و این اتحاد، پاسخی است کوبنده به هر آن‌که خیال خیانت به این خاک را در سر دارد.

پراکنده نشدند، بلکه متحدتر از همیشه به دفاع از میهن برخاستند.

امروز تمام ملت ایران از هر قشر و گروهی و با هر عقیده و مرامی در صفحات اجتماعی خود فریاد حمایت از ایران سر می‌دهند. این اتحاد، سیلی محکمی است به صورت کسانی که گمان می‌کردند ایرانیان به کشورشان پشت خواهند کرد؛ همانند آن مجری خائنی که در مصاحبه با گرگ‌های صهیونیست، به موشک‌باران مردم بی‌گناه ایران خندید.

این خطای استراتژیک صهیونیست‌ها، یادآور توهمت مجاهدین خلق در سال ۶۰ است. آن‌ها نیز فکر می‌کردند با حمله به شهرهای ایران، مردم به حمایت از آن‌ها برخوانند خاست. اما مردم ایران، دست در دست هم،

صهیونیست‌ها و دستمال کثیفشان مجاهدین خلق، در خیال خام خود، تصور می‌کردند که با حملاتشان به ایران، میان مردم شکاف ایجاد خواهند کرد، اما پاسخ ایران، اتحادی بود که از کارمند، کارگر، هنرمند، ورزشکار تا مردم عادی را در بر گرفت.

به گزارش فراق، صهیونیست‌ها و مجاهدین با توهمت یکسان گمان می‌کردند با تجاوز به خاک ایران، مردم این سرزمین در برابر وطن خود خواهند ایستاد و به سوی دشمن دست دوستی دراز خواهند کرد. این همان اشتباه فاحشی بود که مجاهدین خلق در سال ۶۰ مرتکب شدند و بهای سنگینی نیز برای آن پرداختند. اما تاریخ بار دیگر درس خود را تکرار کرد: مردم ایران، در برابر تجاوز و خیانت، نه‌تنها

هم کاسگی مجاهدین با تروریست‌های منطقه چرا مریم رجوی از خبر اخراج تروریست‌ها از کردستان عراق به خود پیچید؟

-حفظ امنیت داخلی و جلوگیری از تبدیل شدن عراق به پایگاه تروریسم.
-اجرای توافق‌های امنیتی با ایران برای مقابله با گروه‌های خرابکار.
-فشار افکار عمومی عراق که از حضور گروه‌های مسلح غیرقانونی خسته شده‌اند.
-منافقین که سال‌ها از ناامنی عراق سوءاستفاده کرده‌اند، حالا با این تصمیم مثل عقربی که لانه‌اش را خراب کنند، عصبانی شده‌اند.

مریم رجوی و هم‌پیمانانش به زودی شاهد تعطیلی پایگاه‌های تروریستی خود در منطقه خواهند بود.
تشکیلات تروریستی رجوی که امروز در غرب نمایش حقوق بشری اجرا می‌کند، در به شهادت رساندن هزاران ایرانی، از جمله زنان و کودکان، دست داشته، در کشتار کردهای عراق توسط صدام مشارکت کرده و امروز با رژیم غاصب و لابی آمریکایی برای ضربه زدن به ملت ایران همکاری می‌کند.

تروریستی مستقر در کردستان ارتباط داشتند و با حمایت برخی جریان‌های وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی، به فعالیت‌های تروریستی و جاسوسی ادامه دادند.

حضور آنها در منطقه همواره اهداف مشخصی داشته است:

-برنامه‌ریزی برای اقدامات خرابکارانه در ایران

-همکاری با گروه‌های تکفیری و ضدایرانی
-استفاده از پایگاه‌های رسانه‌ای برای جنگ روانی

حالا که دولت عراق و مسئولان محلی تصمیم گرفته‌اند امنیت منطقه را از وجود این گروه‌ها پاکسازی کنند، آن‌ها به شدت احساس خطر کردند.

چرا عراق دیگر خانه امن تروریست‌ها نیست؟

دولت عراق و اقلیم کردستان به دلایل متعددی تصمیم به اخراج گروه‌های تروریستی گرفته‌اند:

اخیراً مقامات امنیتی ایران، عراق و اقلیم کردستان در توافقی و با صدور ضرب‌الاجل به گروه‌های تروریستی مستقر در سلیمانیه، خواستار خروج آن‌ها از این منطقه شدند.

به گزارش فراق، این تصمیم که با استقبال مردم و مسئولان هر سه منطقه همراه بوده، با واکنش شدید تشکیلات تروریستی مجاهدین و مریم رجوی مواجه شده است.

مجاهدین ضد خلق که هنوز از دوران اخراج خفت بار خود از خاک عراق کینه به دل دارد، حالا با انتشار مطالب تحریف‌شده‌ای به نقل از خبرگزاری‌های ایرانی، سعی در ایجاد جو روانی علیه این تصمیم مهم دارد.

سؤال اصلی اینجاست، چرا منافقین از اخراج تروریست‌ها ناراحت‌اند؟

پاسخ روشن است: چون آنها خود بخشی از همان شبکه تروریستی هستند که سال‌هاست از پایگاه‌های عراقی برای توطئه علیه ملت ایران استفاده می‌کنند.

مجاهدین خلق از گذشته با گروه‌های

برگزاری همایش «مادران جدا شده از فرزندان» در آلبانی

همایش «مادران جدا شده از فرزندان» به مناسبت روز جهانی مادر در آلبانی برگزار شد. به گزارش فراق، در این همایش که روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه با حضور برخی از فعالان حقوق بشری در تیرانا پایتخت آلبانی برگزار شد، پیامدهای فعالیت‌های تشکیلات تروریستی مجاهدین (MOK) بر زندگی خانواده‌های ایرانی بررسی شد.
سخنرانان در این همایش به تشریح تأثیرات مخرب عملکرد مجاهدین خلق در جدا کردن اجباری اعضا از خانواده‌هایشان پرداختند.
شرکت‌کنندگان با اشاره به جنایات مستند مجاهدین علیه ایرانیان، خواستار رسیدگی جامعه جهانی به این موضوع شدند.
یکی از حاضرین در این مراسم تأکید کرد: «این یک فاجعه انسانی است که تحت عنوان فعالیت‌های سیاسی ادامه دارد.»
در بخشی از این همایش نیز، نامه‌های دردناک مادرانی که سال‌هاست امکان ملاقات با فرزندان خود را ندارند، قرائت شد.
شرکت‌کنندگان این همایش با توجه این که دولت آلبانی میزبان اصلی اعضای این گروه خطرناک در سال‌های اخیر بوده است، خواستار اقدام فوری و شفاف دولت برای حل این معضل انسانی شدند.



چه کسانی شایسته هم‌سفره شدن با ملت ایران نیستند؟

حسین عیوضی آذر

سر می‌دهند، بر حذر بود. اینان همان‌هایی‌اند که مولای متقیان، علی علیه‌السلام، از دست‌شان خون دل خورد. امروز منافقین داخلی و خارجی، که سال‌ها با تفرقه‌افکنی و تخریب چهره‌های نظام، دسیسه‌ها چیده‌اند، هرگز شایسته هم‌سفره شدن با ملت ایران نیستند.

ای مردم! به اطراف خود بنگرید و در این هنگامه سخت، دشمنان وحدت را بشناسید و با آنها اتمام حجت کنید. به یاری خداوند در حال عبور از یک گردنه سخت و حرکت به سوی پیروزی نهایی هستیم.

امروز هوشیاری در برابر اقدامات منافقین و حفظ انسجام ملی، وظیفه‌ای است که بیش از گذشته بر دوش ماست.

می‌توان جاهل خواند، اما اگر ریشه‌های این جریان را دقیق بکاویم، شاید به پیوندهای شوم با سرویس‌های بیگانه برسیم. منافقینی که سال‌ها بر طبل تفرقه کوبیده‌اند، فرماندهان نظامی و سران نظام را پیش از شهادت جسمانی، با ترور شخصیت آماج حملات خود قرار داده‌اند.

اینان همان‌هایی‌اند که در کشاکش بحران‌ها، نه تنها وحدت را نخواستند، بلکه با زبانی نحس و فریبی مزورانه، چون خوارچ نهروان، شعارهای فریبنده سر داده‌اند. امروز، شرایط کشور، چون بدر و حنین، آزمونی بزرگ است. باید معاویه‌صفتان را با حیل‌هایشان شناخت و از فریب خوارچ زمانه، که با ظاهری آراسته اما باطنی پلید، «لا حکم الا لله»



همبستگی را به نمایش گذاشته و کلام حکیمانه رهبر معظم انقلاب مبنی بر حفظ انسجام ملی و وحدت میان دستگاه‌های حاکمیتی و مردم، بیش از پیش معنا یافته است.

اما در این میان، دست‌هایی پیدا و پنهان در کارند تا این وحدت را به نفاق بدل کنند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، برهم‌زنندگان وحدت ملی را

امروز جهان می‌بیند که نعمت وحدت و همدلی در میان آحاد ملت ایران چون گوهری گران‌بها می‌درخشد.

حاکمیت ملی با اشراف و مدیریت بهنگام خود، شرایط حساس کشور را به گونه‌ای هدایت کرده که ستایش هر ایرانی وطن‌دوست را برمی‌انگیزد. گام‌های استوار ملت در خیابان‌های شهرها، موج

اعتراض مردم آلبانی به دریافت مدال از رئیس جمهور رژیم صهیونیستی توسط نخست وزیر این کشور

«ادی راما» از نام و تاریخ آلبانیایی‌ها سوءاستفاده می‌کند

وزیر ادی راما می‌خواهیم که به دلیل تفسیر نادرست موضع ما، از همه آلبانیایی‌ها عذرخواهی عمومی کند، عنوانی را که دریافت کرده پس دهد و وعده عمل نشده خود به مسلمانان کورچه را عملی کند.

هستند. پذیرش این جایزه از سوی او به نام همه آلبانیایی‌ها در تضاد با اصول اساسی است که بسیاری از ما آن را پرورش داده‌ایم، اصولی که شامل احترام جهانی به زندگی انسان است. به همین دلیل، ما از نخست

اسرائیل در رابطه با رویداد ۷ اکتبر و همچنین موضع او علیه یهودستیزی، یک عنوان افتخاری دریافت کرد. به گزارش فراق، حافظ عثمان، شهروند آلبانیایی در همین رابطه نوشت: «ادی راما، این جایزه را به نام همه آلبانیایی‌ها پذیرفت و ترجیح داد از کشوری حمایت کند که از نظر بسیاری از مردم به عنوان ترویج‌دهنده خشونت و مرگ تلقی می‌شود. ما شهادت می‌دهیم که این تصمیم ارزش‌های ما را به اشتباه تفسیر می‌کند. آلبانیایی‌ها یک جبهه متحد برای صلح، همبستگی و رد هرگونه ظلم، از جمله نسل‌کشی

مردم «کورچه» آلبانی به دریافت مدال از رئیس جمهور رژیم صهیونیستی توسط نخست وزیر آلبانی اعتراض کردند. به گزارش فراق، جمعی از مسلمانان و شهروندان شهر «کورچه» آلبانی اوایل اردیبهشت ماه در تجمعی اعتراضی خطاب به نخست وزیر کشورشان گفتند که او نه تنها نماینده آنها نیست، بلکه از نام و تاریخ آلبانیایی‌ها سوءاستفاده کرده است. این خشم بلافاصله پس از آن برانگیخته شد که «ادی راما» از رئیس جمهور رژیم صهیونیستی به دلیل قدردانی از حمایت او از رژیم



میراث شومی که رجوی بر جای گذاشت



اردوگاه‌های مجاهدین خلق نه تنها زندان‌هایی جسمانی، بلکه ابزاری برای زندانی کردن ذهن‌ها هستند. در این مکان‌ها، حقوق اولیه انسانی مانند عشق، خانواده و آزادی بیان نفی شده و جای خود را به ترس، رنج و افسردگی داده‌اند. آیا رجوی و مریم رجوی پاسخی برای این همه رنج دارند؟ آیا می‌توانند توضیح دهند که چرا اعضای این فرقه باید مانند ربات‌هایی زجرکشیده زندگی کنند؟

تشکیلات رجوی یک فرقه مخرب است که با شست‌وشوی مغزی و سرکوب، انسان‌ها را به موجوداتی بیمار و بی‌هویت تبدیل کرده است. مسعود و مریم رجوی زندانی‌کنندگان روح هستند و تاریخ آن‌ها را در کنار مستبدترین چهره‌های ضدبشر قضاوت خواهد کرد.

تبدیل نموده است. این جنایتی عظیم علیه روان بشر است؛ جنایتی که نتیجه‌اش را می‌توان در شیوع اختلالات شخصیتی، افسردگی و روان‌پریشی میان اعضا مشاهده کرد. رویکرد رجوی به اعضای مجاهدین، شبیه به آزمایش‌های وحشیانه روان‌شناختی است که در آن فردیت نابود می‌شود تا اطاعت کورکورانه جایگزین آن گردد. او با سرکوب نیازهای عاطفی و جسمی اعضا، آن‌ها را به ابزارهای بی‌اراده تبدیل کرده تا بتواند قدرت مطلق خود را حفظ کند. این رفتار نه تنها نشان‌دهنده حماقت و جهل عمیق نسبت به ماهیت انسان است، بلکه رجوی را در رده جنایتکاران ضدبشری مانند رهبران فرقه‌های مخرب و رژیم‌های توتالیتر قرار می‌دهد.

تحقیر سازمان‌یافته است. اعضا مجبورند در ملاء عام از خود انتقاد کنند، به «گناهان» ساختگی اعتراف نمایند و خود را در پای جمع لگدمال کنند. این روش نه خودسازی، که شکستن عزت نفس و وابسته‌سازی روانی است. کسی که از این شست‌وشو سر باز زند، به‌عنوان «عنصر نامطلوب» طرد می‌شود. جنایت سازمان‌یافته علیه غرایز انسانی

در دنیای رجوی، تماس زن و مرد ممنوع است، حتی عبور در یک سمت خیابان جرم محسوب می‌شود. عواطف انسانی به‌عنوان خیانت به ایدئولوژی قلمداد می‌شود و روابط خانوادگی نوعی ضعف و انحراف است. رجوی با حذف خانواده، افراد را به موجوداتی منزوی، افسرده و فاقد هویت

در اعماق تشکیلات رجوی، آنچه جریان دارد نه یک انقلاب ایدئولوژیک، بلکه یک پروژه سیستماتیک برای تخریب شخصیت، تحقیر فردیت و سرکوب غرایز طبیعی انسانی است.

به گزارش فراق، رهبران این فرقه، با شعارهای توخالی و ادعاهای انقلابی، ابزاری برای کنترل مطلق بر ذهن و جسم اعضا ساخته‌اند؛ سیستمی که در آن عشق جرم محسوب می‌شود، خانواده دشمن است و انسان‌ها به ماشین‌های بی‌اراده‌ای تبدیل شدند که تنها وظیفه‌شان تمجید از رهبران مریم و مسعود رجوی است.

شست‌وشوی مغزی به عنوان اصل بنیادین نشست‌های جمعی در تشکیلات رجوی، نمایشی از

وقتی پاسخ قاطع بنیانگذار انقلاب ایران، توهمات مجاهدین را برهم زد



”

سازمان تقاضا کرد اجازه دهند مسلحانه تا جماران راه پیمایی کنند و آنجا با امام دیدار کنند؛ زیرا تحلیل‌شان این بود که به دلیل وجود مشکلات متعدد در کشور، افکار عمومی آماده قیام است. اما پاسخ امام خمینی برنامه‌های آن‌ها را برهم زد. تحلیل سازمان این بود که امام خمینی توپ را در زمین آن‌ها انداخته است

بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر نداده‌اند.

۱۰- کلیه آحاد ملت و دستگاه‌های انتظامی موظف به تضمین رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروه‌هایی که فعالیت‌شان از طریق مقامات مسئول مملکتی غیرقانونی اعلام نشده، می‌باشند. مقامات قضایی و انتظامی موظف به اجرای این تصمیمات هستند و احزاب و گروه‌های متخلف طبق موازین، محاکمه و مجازات می‌شوند.

این اطلاعیه برای دادسراها و دادگاه‌های انقلاب سراسر کشور حکم دستورالعمل کتبی را دارد.

دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران - علی قدوسی» [۱]

با وجود صدور اطلاعیه دادستانی درباره فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در چارچوب قانون و تحویل سلاح‌ها، سازمان مجاهدین خلق (تشکیلات رجوی) به بهانه‌های واهی از تحویل سلاح‌های خود به مقامات نظامی خودداری کرده و از فعالیت سیاسی در چارچوب قانون تمکین نمی‌کرد.

در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ حضرت امام خمینی طی سخنانی به گروه‌های مسلح و ازجمله سازمان مجاهدین خلق (تشکیلات رجوی) هشدار داد اسلحه را کنار گذاشته و به آغوش ملت باز گردند؛ اما سازمان در مواجهه با

تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرند.

۵- از تاریخ صدور این اطلاعیه، کلیه احزاب و گروه‌های مسلح موظف‌اند سلاح‌های خود را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا مقامات انتظامی (با اخذ رسید) تحویل دهند.

۶- کلیه احزاب و گروه‌هایی که بر ضد جمهوری اسلامی ایران اعلام مبارزه مسلحانه کرده‌اند، چنانچه موضع قبل خود را رها کنند و سلاح‌های خود را تحویل سپاه پاسداران یا مقامات انتظامی دهند و موضع خود را رسماً اعلام نمایند، می‌توانند در چارچوب قانون فعالیت سیاسی داشته باشند؛ در غیر این صورت طبق قانون در دادگاه‌های انقلاب محاکمه می‌شوند و براساس قوانین اسلامی مربوط به محارب با آن‌ها رفتار خواهد شد.

۷- کلیه احزاب و گروه‌ها در بیان آرا و افکار سیاسی آزادند، به شرط این که مشتمل بر دروغ، تهمت و تحریک نباشد.

۸- احزاب و گروه‌ها مجاز به تشویق و تحریک به اعتصاب، کم‌کاری، تحصن یا هر نوع اخلاص در مؤسسات مختلف کشور نیستند و چنانچه مواردی مشاهده شود، متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

۹- کلیه احزاب و گروه‌ها اجازه مناظره و بحث‌های عقیدتی و سیاسی از طریق وسایل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا می‌باشند، مگر آن‌ها که اعلام مبارزه مسلحانه

در روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ حضرت امام خمینی(ره) طی سخنانی به گروه‌های مسلح و ازجمله سازمان مجاهدین خلق هشدار داد اسلحه را کنار گذاشته و به آغوش ملت باز گردند؛ اما سازمان تروریستی تحت امر رجوی به تهدید برخاست و از عکس‌العمل‌های خشونت‌بار و قهرآمیز سخن گفت.

به گزارش فراق، در ۱۹ فروردین ماه ۱۳۶۰ دادستانی کشور با صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای، مناسبات فعالیت سیاسی و گروه‌هایی را که همچنان مسلح بودند، ترسیم کرد:

«بسمه تعالی - بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که از تاریخ صدور این اطلاعیه مورخ ۱۹/۱/۱۳۶۰ کلیه احزاب و گروه‌ها موظف‌اند این نکات را رعایت کنند:

۱- نشر مطبوعات (روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، سالنامه) منوط به کسب اجازه از وزارت ارشاد اسلامی است.

۲- برگزاری میتینگ و تظاهرات، با توجه به شرایط جنگی، منوط به اجازه وزارت کشور است.

۳- ایجاد دفاتر حزبی و گروهی، منوط به اطلاع وزارت کشور است تا امکان نظارت قانونی از جهات مذکور در اصل ۲۴ قانون اساسی فراهم باشد.

۴- هیچ حزب و گروهی حق مسلح کردن اعضا و استفاده از سلاح را ندارد و متخلفین



تصویری از عوامل تروریستی سازمان مجاهدین خلق در تهران که قبل از اقدام تروریستی توسط مردم دستگیر شده است



تصویری از عوامل تروریستی موساد در تهران که قبل از اقدام تروریستی توسط نیروی انتظامی دستگیر شده است

■ دستگیری عامل تروریستی موساد در تهران

خرداد ۱۴۰۴

■ دستگیری عامل تروریستی مجاهدین خلق در تهران

خرداد ۱۳۶۴

جمهوری اسلامی را وادار به پذیرش نظرات خود از طریق بنی‌صدر کند. استراتژی سازمان راهپیمایی مسلحانه و ایجاد ناامنی بود. سازمان تقاضا کرد اجازه دهند مسلحانه تا جماران راهپیمایی کنند و آن‌جا با امام دیدار کنند؛ زیرا تحلیل‌شان این بود که به دلیل وجود مشکلات متعدد در کشور، افکار عمومی آماده قیام است. اما پاسخ امام خمینی برنامه‌های آن‌ها را برهم زد. تحلیل سازمان این بود که امام خمینی توپ را در زمین آن‌ها انداخته است. یکی از اعضای سازمان نوشته بود:

«ما با این رندی نفهمیدیم چه کنیم. گفتیم امام می‌گوید بیا باید که اگر این‌طور شود ما با راهپیمایی مسلحانه قدرت‌نمایی می‌کنیم یا می‌گوید نیاید که این هم به نفع ما بود. اما قابل پیش‌بینی نبود بگوید اگر شما اسلحه‌تان را زمین بگذارید، من می‌آیم.» [۳] (ر.ک. دایره‌المعارف مصور تاریخ زندگی امام خمینی، جعفر شیرعلی‌نیا، نشر سایان، صفحه ۳۱۶)

منابع

- ۱- روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۰ فروردین ۱۳۶۰، صفحه ۲
- ۲- صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۳۳۵
- ۳- جعفر شیرعلی‌نیا، دایره‌المعارف مصور تاریخ زندگی امام خمینی، تهران، نشر سایان، ۱۳۹۹، صفحه ۳۱۶

کردید. ما چطور با کسانی که می‌خواهند بر ضداسلام قیام مسلحانه بکنند می‌توانیم تفاهم کنیم؟ ... اسلام دین رحمت است، دین عدل است، دیانت قانون است. شما به قوانین اسلام سر بگذارید، گردن فروبیاورید، کشور اسلامی، همه شما را می‌پذیرد ... و من هم که یک طلبه هستم با شما حاضرم که در یک جلسه، نه در یک جلسه، در ده‌ها جلسه با شما بنشینم و صحبت کنم ... و من اگر یک در هزار احتمال می‌دادم که شما دست بردارید از آن کارهایی که می‌خواهید انجام بدهید، حاضر بودم که با شما تفاهم کنم و من پیش شما بیایم، لازم هم نبود شما پیش من بیایید و حالا هم به موجب احکام اسلام به شما نصیحت می‌کنم؛ شما در مقابل این سیل خروشان ملت نمی‌توانید کاری انجام بدهید ... برگردید به دامن اسلام ... دست بردارید از قیام مسلحانه ... مادامی که اسلحه در دست شماست ... تهدید به قیام می‌کنید، ما نمی‌توانیم از شما این‌طور مسائل را قبول کنیم.» [۲]

در واقع از اردیبهشت ۱۳۶۰ سازمان مجاهدین خلق، به منظور نیل به اهداف سازمانی خود تمام‌قد پشت رئیس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) ایستاده بود و با برپایی تظاهرات سعی داشت امام خمینی و هیأت حاکمه

اظهارات حضرت امام(ره)، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰ نامه‌ای خطاب به ایشان نوشت که در آن بدون پذیرش تحویل سلاح، از موضوع مظلوم و حق به جانب و در عین حال مدعی قدرت، به تهدید برخاست و ضمن یادآوری عملیات‌های تروریستی خود در رژیم گذشته، به‌صراحت اعلام کرد که به قانون اساسی که از تصویب ملت ایران گذشته است رأی نداده است و آن را قبول ندارد و از عکس‌العمل‌های خشونت‌بار و قهرآمیز سخن گفت.

در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ امام خمینی در پاسخ به نامه سازمان که در واقع آخرین اتمام حجت‌ها با سازمان محسوب می‌شد در دیدار با روحانیون و مردم آذربایجان فرمودند:

«آن‌هایی که این‌طور با قلم‌های‌شان، علاوه بر تفنگ‌های‌شان، با ما معارضه دارند، به آن‌ها کرارا گفته‌ایم و حالا هم می‌گوییم که مادامی که شما تفنگ‌ها را در مقابل ملت کشیده‌اید، یعنی در مقابل اسلام با اسلحه قیام کرده‌اید، نمی‌توانیم صحبت کنیم و مجلسی با هم داشته باشیم. شما اسلحه‌ها را زمین بگذارید و به دامن اسلام برگردید، اسلام شما را می‌پذیرد ... در آن نوشته‌ای که نوشتید، در عین حالی که اظهار مظلومیت‌های زیاد کرده‌اید، لکن باز ناشی‌گری کردید و تهدید به قیام مسلحانه

مادر «ثریا عبداللهی» به ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی

صدای خانواده‌ها برای دیدار با عزیزانشان را بشنوید

مادران چشم انتظار، منتظر پاسخی انسان‌دوستانه



مادر «ثریا عبداللهی» در نامه‌ای به نخست‌وزیر آلبانی از وی خواست تا صدای خانواده‌ها برای دیدار با عزیزانشان را بشنود و با التزام به اصول انسانی و تعهدات بین‌المللی، گامی مؤثر در جهت رفع این رنج عمیق بردارد.

به گزارش فریق، متن نامه این مادر به نمایندگی از مادران چشم انتظار اعضای گرفتار در تشکیلات مجاهدین خلق، خطاب به «ادی راما» به شرح زیر است:

جناب آقای ادی راما

نخست‌وزیر محترم جمهوری آلبانی

ما، خانواده‌هایی از ایران، با قلبی آکنده از درد و امید، این نامه را به شما می‌نویسیم تا از وضعیت فرزندانمان که بیش از یک دهه در منطقه‌ای به نام «مانز» در کشور شما، تحت کنترل تشکیلاتی به نام سازمان مجاهدین خلق به سر می‌برند، سخن بگوییم. این افراد، که بسیاری از آن‌ها به اجبار و در شرایط غیرانسانی از کشورهای نظیر ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان و حتی زندان‌های رژیم بعثی عراق به این تشکیلات پیوسته‌اند، سال‌هاست از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود محروم ماندند.

پیشینه‌ای از رنج خانواده‌ها فرزندان ما، پیش از انتقال به آلبانی، سال‌ها در کمپ «اشرف» مجاهدین خلق (MOK) در عراق، تحت شرایطی غیرانسانی و با تحمل فشارهای شدید روحی و جسمی به سر بردند. ما، به عنوان والدین، سال‌ها در برابر درهای بسته این کمپ تحصن کردیم تا تنها برای لحظه‌ای بتوانیم عزیزانمان را ببینیم. حاصل این تلاش‌های طاقت‌فرسا، فرار صدها نفر از این

اسارتگاه بود که خود گواهی بر وضعیت غیرقابل تحمل آن مکان است. پس از انتقال این افراد به کشور شما، با امید به زندگی آزاد و مطابق با قوانین بین‌المللی پناهندگی، انتظار داشتیم که آن‌ها از حقوق اولیه انسانی برخوردار شوند. اما متأسفانه، گزارش‌ها حاکی از آن است که این افراد همچنان تحت کنترل شدید تشکیلات مجاهدین خلق قرار دارند و از ارتباط با خانواده‌هایشان، انتخاب آزادانه مسیر زندگی، و حتی حقوق اولیه نظیر ازدواج و تشکیل خانواده محروم‌اند. سؤالاتی از شما، به عنوان مقام مسئول

جناب آقای نخست‌وزیر، ما به عنوان مادران و پدرانی که سال‌هاست در انتظار خبری از فرزندانمان هستیم، از شما می‌پرسیم

۱- آیا از شرایط زندگی این افراد در کمپ مانز آگاهی کامل دارید؟
۲- چه اقداماتی برای نظارت بر وضعیت حقوق بشری این افراد در خاک کشورتان انجام داده‌اید؟

۳- آیا این افراد از حق ارتباط با خانواده‌هایشان، دسترسی به اطلاعات، و انتخاب آزادانه سبک

زندگی برخوردارند؟

۴- چرا تاکنون هیچ دعوتی از خانواده‌ها برای دیدار با عزیزانشان، مطابق با تعهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های صلیب سرخ، صورت نگرفته است؟

۵- همچنین، پرسش ما این است که چرا پس از عملیات نیروهای امنیتی آلبانی در کمپ مانز، هیچ گزارش شفاف و جامعی از شرایط زندگی این افراد منتشر نشده است؟

۶- آیا حضور رسانه‌ها و گزارشگران مستقل برای بررسی وضعیت این کمپ امکان‌پذیر نیست؟ خاک مانز بخشی از قلمرو کشور شماست و مسئولیت آن بر عهده دولت محترم آلبانی است.

درخواست‌های ما جناب آقای راما، ما، به نمایندگی از صدها خانواده چشم‌انتظار، از شما درخواست داریم:

۱- شرایطی فراهم آورید تا خانواده‌ها بتوانند آزادانه و بدون محدودیت با فرزندان خود در آلبانی دیدار کنند.

۲- نظارت دقیق و شفافی بر وضعیت حقوق بشری افراد ساکن در کمپ مانز اعمال شود.

۳- امکان دسترسی این افراد به حقوق اولیه انسانی، از جمله ارتباط با جهان خارج، تضمین گردد.
۴- گزارش‌های مستقل و بی‌طرفانه‌ای از وضعیت این کمپ منتشر شود تا خانواده‌ها از سلامت و شرایط زندگی عزیزانشان مطمئن شوند.

سخن پایانی

جناب آقای نخست‌وزیر، ما مادران و پدرانی هستیم که سال‌هاست در انتظار دیدار فرزندانمان شب را به روز رسانده‌ایم. صدای ما برای دیدار با عزیزانمان را بشنوید. ما امیدواریم که دولت شما، با التزام به اصول انسانی و تعهدات بین‌المللی، گامی مؤثر در جهت رفع این رنج عمیق بردارد. در غیر این صورت، مسئولیت هرگونه پیامد ناگوار بر عهده دولت شما و حامیان این وضعیت خواهد بود. آخرین کلام ما آزادی اسیران و دیدار با فرزندان گرفتار در تشکیلات رجوی در کشور آلبانی است. با احترام و امید به پاسخی انسان‌دوستانه.

ثریا عبداللهی

از کشور ایران به نمایندگی از مادران چشم‌انتظار

نمایش‌های توخالی مجاهدین تنها برای حفظ روحیه در قلعه «مانز» است

عیسی آزاده



فراتر
Feraghnews

”

هدف اصلی نمایش‌های توخالی رجوی، فریب افکار عمومی و مهم‌تر از آن، حفظ روحیه و امید کاذب در میان اعضای گرفتار در ساختار بسته و ایزوله این فرقه است.

به گزارش فراق، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های تبلیغات تشکیلات تروریستی رجوی (یا آنچه این گروه خود را تحت عنوان «مقاومت ایران» معرفی می‌کند)، بهره‌گیری از تاکتیک‌های نمایشی و تبلیغاتی برای القای اهمیت و مشروعیتی است که در واقعیت هرگز نداشته‌اند. این گروه در پیشگاه مردم ایران به عنوان خائن به کشور و منافع ملی شناخته می‌شود.

با نگاهی گذرا به سایت‌های رنگارنگ و رسانه‌های وابسته به این فرقه، درمی‌یابیم که عمده مطالب با تیتراهای مشابه و تکراری منتشر می‌شوند. عباراتی مانند:

این تیتراها در نگاه نخست ممکن است نشان‌دهنده یک جریان زنده و فعال سیاسی تلقی شوند، اما حقیقت پشت پرده چیزی جز یک سلسله نمایش‌نامه تبلیغاتی و مهندسی‌شده نیست. هدف اصلی این نمایش‌ها، فریب افکار عمومی و مهم‌تر از آن، حفظ روحیه و امید کاذب در میان اعضای گرفتار در ساختار بسته و ایزوله این فرقه است. اکسیون‌هایی با شرکت چند نفر، پرچم‌های رنگارنگ و لنز دوربین!

آنچه تحت عنوان «اکسیون ایرانیان آزاده» در کشورهای مختلف از سوی رسانه‌های وابسته به مجاهدین منتشر می‌شود، در واقع گردهمایی‌هایی محدود و نمایشی است که به ندرت بیش از چند نفر شرکت‌کننده دارد. شرکت‌کنندگانی که عمدتاً از میان اعضای سالخورده فرقه یا افراد اجاره‌ای انتخاب می‌شوند و عملاً گوشه خیابان‌ها را به خانه سالمندان تبدیل کرده‌اند.

در این اکسیون‌ها، تعداد پرچم‌ها، پوسترها و پلاکاردها به مراتب بیشتر از تعداد شرکت‌کنندگان است. تصاویر تکراری و غیرطبیعی از چند فرد در خیابان‌های خلوت و بی‌اعتنا به این تجمعات، بارها و بارها در قالب «اخبار داغ مقاومت» بازنشر می‌شود. این در

حالی است که این نمایش‌های کوچک حتی توجه شهروندان کشور محل برگزاری را نیز جلب نمی‌کند، چه رسد به تأثیرگذاری سیاسی در عرصه بین‌المللی یا داخل ایران.

حمایت‌های پارلمانی؛ خریدن نام، فروختن اعتبار

یکی دیگر از شیوه‌های تبلیغاتی ثابت فرقه رجوی، انتشار مکرر بیانیه‌ها و پیام‌های حمایتی از سوی برخی افراد کم‌نفوذ یا بازنشسته در پارلمان‌های اروپاست. این افراد غالباً سیاستمدارانی ناشناس یا چهره‌هایی حاشیه‌نشین در ساختار سیاسی کشورهای غربی هستند که در ازای دریافت هدایا، کمک‌هزینه سفر یا پرداخت‌های مالی از لابی‌های وابسته به رجوی، بیانیه‌های از پیش تنظیم‌شده را امضا می‌کنند.

این قبیل حمایت‌ها نه از سر شناخت و اعتقاد به اهداف این فرقه، بلکه صرفاً یک معامله مالی-سیاسی است که ارزش واقعی آن حتی در همان کشورها نیز به رسمیت شناخته نمی‌شود. با این وجود، دستگاه تبلیغاتی تشکیلات تروریستی رجوی، این حمایت‌های جعلی و خریداری‌شده را همچون فتح قلعه‌های سیاسی به تصویر می‌کشد.

پیام‌های بی‌مخاطب و هذیان‌های تکراری

مریم قجر عضدانلو

بخش دیگری از این نمایش‌های پوچ و بی‌محتوا، محملی برای «تشخواری صدارت» تکرار شده «مریم قجر عضدانلو است که عمدتاً خطاب به پارلمان‌های اروپایی، محافل بین‌المللی یا مناسبت‌های سیاسی و اجتماعی

در ایران صادر می‌شود. این پیام‌ها بیش از آنکه مخاطب واقعی در سطح بین‌المللی داشته باشند، کارکردی درون‌سازمانی دارند و مصداق ضرب‌المثل «خود گویی و خود خندی» هستند. واقعیت این است که انتشار چنین پیام‌هایی، تلاشی است برای زنده نگه داشتن توهم «مهم بودن» در ذهن اعضای خسته، منزوی و فرسوده ساکن در قرارگاه اشرف ۳ در آلبانی. اعضای که در اثر سال‌ها انزوا، تحقیر و فشارهای طاقت‌فرسا، دچار بحران‌های عمیق روحی و جسمی شده‌اند و این پیام‌ها صرفاً نقش مسکن موقت برای جلوگیری از فروپاشی روانی آن‌ها را ایفا می‌کند. اما این نشخوارهای تکراری مریم قجر، در نهایت همچون «نف سربالا» به سر و روی خودش بازمی‌گردد.

انزوای کامل و فروپاشی تدریجی

با وجود تلاش‌های بی‌وقفه برای پوشاندن حقیقت، تشکیلات تروریستی رجوی سال‌هاست که در عرصه سیاسی و اجتماعی ایرانیان به‌طور کامل منزوی و مطرود شده است. استفاده مداوم از اکسیون‌های کوچک، حمایت‌های خریداری‌شده و پیام‌های تبلیغاتی بی‌مخاطب، تنها بخشی از ترفندهای نخ‌نمای این فرقه برای حفظ ظاهر و جلوگیری از پذیرش واقعیت فروپاشی است.

این‌گونه نمایش‌ها، اگرچه در ظاهر نمایانگر یک جریان فعال سیاسی هستند، اما در حقیقت تنها نشانه‌ای از تقلا و دست‌وپا زدن در مسیر سقوط و نابودی‌اند؛ سقوطی که هیچ‌یک از این مانورهای تبلیغاتی توان توقف آن را ندارند.

سرکوب تشکیلات رجوی، وظیفه‌ای ملی

سرکوب تشکیلات تروریستی منافقین، امروز نه تنها یک ضرورت امنیتی، که وظیفه‌ای ملی است. این تشکیلات که دستش به خون ۱۷ هزار ایرانی آلوده است، دیگر هیچ جایگاهی در هیچ جای جهان ندارد. عملیات «وعده صادق ۳»، که رژیم صهیونیستی را به زانو درآورد، تنها یک نمونه از عزم ایران برای مقابله با دشمنان و خائنان بود. نهادهای امنیتی ایران، با هوشیاری و اقتدار، ریشه‌های این خیانت را خواهند خشکاند و منافقین را به سزای اعمالشان خواهند رساند.

این خاک مقدس، هرگز به وطن‌فروشان امان نخواهد داد. منافقین، چون علفی هرز در حاشیه تاریخ، محکوم به نابودی هستند. ملت ایران، با عزمی راسخ، آینده خود را خواهد ساخت؛ آینده‌ای که در آن، نه اثری از خیانت است، نه نامی از منافقین. این سرزمین، جای عاشقان وطن است، نه تفاله‌های تاریخ.

آن‌ها با رسانه‌هایی چون ایران اینترنشنال و من‌وتو، که از بودجه استکبار و رژیم صهیونیستی تغذیه می‌شوند، به تحریف تاریخ و تفرقه‌افکنی میان ملت مشغول‌اند. حتی نرم‌افزارهای جاسوسی را با نقاب بی‌خطر، میان مردم ترویج می‌کنند تا اطلاعات ملت را به دشمن بفروشند. اما ملت ایران، این حافظه زنده تاریخ، هرگز فریب این ایرانی‌نماها را نخورده است. تجربه تلخ سلطنت پهلوی، که ایران را به پای بیگانگان قربانی کرد، در یاد مردم حک شده است. منافقین و سلطنت‌طلبان، ادامه همان راه وطن‌فروشی‌اند؛ از قراردادهای ننگین ترکمانچای تا تحریم‌های ظالمانه‌ای که امروز با حمایت این خائنان بر ملت تحمیل می‌شود. آن‌ها گمان کردند با ایجاد آشوب و ترور، می‌توانند ایران را به زانو درآورند، اما پاسخ ملت، وفاقی ملی بود که شکاف‌های اجتماعی را التیام داد و سدی محکم در برابر دشمن ساخت.

تشکیلات خائن مجاهدین امروز نه برای ایران، که برای اربابان غربی و صهیونیستی‌شان می‌جنگند.

به گزارش فراق، منافقین، این لکه ننگین بر دامن تاریخ ایران، سال‌هاست که با نقاب وطن‌دوستی، خنجر خیانت بر پشت ملت فرو می‌کنند؛ از همکاری با صدام در جنگ تحمیلی تا هم‌پیمانی با رژیم صهیونیستی و پیاده‌نظام شدن برای موساد، در کارنامه آن‌ها جز سیاهی و جنایت چیزی نیست.

منافقین، که روزگاری با شعارهای فریبنده به میدان آمدند، در گذر زمان چهره واقعی خود را عیان کردند. آن‌ها نه برای ایران، که برای اربابان غربی و صهیونیستی‌شان می‌جنگند. ترور دانشمندانی چون مجید شهریاری و مصطفی احمدی‌روشن، آتش‌سوزی‌های عمدی، و پرتاب ریزپرنده‌ها برای ناامن کردن کشور، تنها گوشه‌ای از جنایات این گروه تروریستی است.

فیلم سینمایی «شکلات ششم»

”

یک اثر سیاسی با مبنای افشاگری علیه خیانت‌های بعضی سران فرقه رجوی است و در عین سعی کرده نگاهی تحلیلی بر چگونگی شکل‌گیری التقاط در فعالیت‌های چریکی داشته باشد.

پروسه پژوهش این فیلم چندین ماه به طول انجامیده و سعی شده تصویری رئالیستی از زندگی‌های چریکی ارائه دهد.

با احترام به همه آثار مستندنامی که صرفاً فعالیت‌های گروهکی را از بیرون نشان می‌دهند در «شکلات ششم» سعی کردیم تصویری داخلی و از دل تقابلات درون‌سازمانی مجاهدین را براساس خاطرات و اسناد موجود، بازسازی کنیم.

علیرام نورایی و محمدرضا داودنژاد از جمله بازیگران «شکلات ششم» هستند که چهره‌پردازی آنها برای مخاطبان یادآور برخی شخصیت‌های پرمناقشه تاریخ فعالیت‌های سیاسی و از جمله خسرو گل‌سرخ و امیرحسین فطانت بوده است.

نیلوفر شهیدی، علیرضا مهران و زینب رفیعی و... دیگر بازیگران اصلی فیلم هستند.

فیلم سینمایی «شکلات ششم» تهیه شده در خانه تولیدات جوان مرکز سیم‌رغ، چندی پیش از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد.

به گزارش فراق، این فیلم که یک اثر سیاسی با مبنای افشاگری علیه خیانت‌های بعضی سران مجاهدین است سعی کرده نگاهی تحلیلی بر چگونگی شکل‌گیری التقاط در این فرقه را داشته باشد.

فیلمنامه «شکلات ششم» که بر مبنای برخی اسناد اخیراً فاش شده از فعالیت‌های چریکی نگاشته شده چندین بار بازنویسی شده و روایت آن برخلاف آثار مرسوم، به جای نگاه بیرونی، در درون سازمان و با شکل‌گیری تعارضات داخلی فعالان چریکی می‌گذرد.

«شکلات ششم» را مهدی میرغیائی به تهیه‌کنندگی روح‌اله حسینی با شخصیت‌هایی ساخته که بعضی از آنها قرابت‌های تاریخی با تیپ‌های سیاسی آشنا در فعالیت‌های چریکی قبل از انقلاب اسلامی دارند.

روح‌اله حسینی می‌گوید: ««شکلات ششم»



علت شیفتگی بیمار گونه «مجاهدین خلق» به خشونت از بدو تأسیس تاکنون

آرش رضایی

سازمان مجاهدین خلق از آغاز تأسیس و پی‌ریزی تشکیلات خود، در راستای دستیابی به قدرت و تحقق آرمان‌شهر موهوم (جامعه بی‌طبقه توحیدی)، به خشونت روی آورد.

به گزارش فراق، اتخاذ خط‌مشی مسلحانه، چه به‌عنوان تاکتیک و چه به‌مثابه استراتژی، ویژگی بنیادین این سازمان در تمایز با دیگر گروه‌ها و جریان‌ها در دنیای معاصر بوده است.

برای تحلیل و بررسی مواضع و عملکرد مجاهدین خلق در نیم‌قرن گذشته، ضروری است ریشه‌ها، ویژگی‌های فکری و سیاسی، و انگیزه‌های تأسیس این گروه واکاوی شود.

پر واضح است که در مسیر تحقق آرمان‌شهر و مدینه فاضله مجاهدین (جامعه بی‌طبقه توحیدی)، پنداشتن باورهای فرقه‌ای به‌عنوان «حقیقت مطلق» و به‌سخره‌گرفتن مفهوم «عدم قطعیت» در حوزه‌ی پدیده‌های انسانی و اجتماعی، از ویژگی‌های فکری و ایدئولوژیک این سازمان بوده و هست. نگاهی گذرا به مجموعه کتب و جزوه‌های ایدئولوژیک و سیاسی مجاهدین به‌وضوح نشان می‌دهد که سران این تشکیلات، به‌صورتی افراطی و احساسی، خود و سازمان‌شان را در نوک پیکان تکامل اجتماعی می‌پندارند. این توهم که همه «حقیقت» نزد آن‌هاست و دیگران از درک مسائل و فهم حقیقت ناتوان‌اند، در طول تاریخ، به‌ویژه در قرون وسطی، ذهن اربابان و شیفتگان قدرت را نیز به خود مشغول کرده بود.

هنگامی که مسعود رجوی،

گرافه‌گویی‌ها جز زائیده‌ی غرور، توهم «خودحقیقت‌بینی» و جهل مرکب چیز دیگری بود؟

پرسش اساسی این است که سرانجام چنین ادعاها و گرافه‌گویی‌هایی از سوی رهبر عقیدتی مجاهدین در عرصه‌ی سیاست و فعالیت تشکیلاتی به کجا انجامید؟

رجوی پس از پیروزی انقلاب مردمی ایران، دچار توهم حل مسائل پیچیده فلسفی و انسان‌شناختی شد و به‌زعم خود به تبیین جهان پرداخت، اما واقعیت این است که او حتی در ساده‌ترین مسائل و موضوعات مرتبط با تحولات جامعه سیاسی ایران ناتوان و درمانده بود. باید به یک مفهوم کلیدی اشاره کرد: پذیرش «نسبیت اندیشه‌ها» که اصلی عقلانی و علمی است. به عبارت دیگر، معیار تعیین‌کننده در تحقق یک اندیشه در حوزه قدرت سیاسی، «اراده و انتخاب مردم و شهروندان یک جامعه» است، نه یک طبقه، گروه خاص یا نخبگان و فرادستان یک تشکیلات، حزب، سازمان یا فرقه‌ای که خود را تجسم حقیقت مطلق می‌پندارند.

به شهادت تعداد بی‌شماری از کادرهای باسابقه جداشده از مجاهدین خلق، شدیدترین و عریان‌ترین سرکوب‌ها برای به‌دست‌گرفتن سکان هدایت فرقه‌ی مجاهدین به‌صورت مادام‌العمر از سوی مسعود رجوی اعمال شده است. بدون پای‌بندی به سازوکارهای انتخاب دموکراتیک و قواعد آن در دنیای مدرن، رهبری مسعود رجوی بر تشکیلات مجاهدین طی چهار

دهه تداوم یافته است.

رهبر عقیدتی مجاهدین با ترکیبی از دو رهیافت «کسب قدرت برای تحقق فضیلت» و «قدرت برای قدرت»، در آرمان‌شهر خودساخته و مدینه‌ی فاضله‌ی ذهنی‌اش، از حوزه‌ی عمومی سیاست، قلمرویی خصوصی برای خود ساخته که پرسش‌گری در آن جرمی نابخشودنی تلقی می‌شود. به‌گونه‌ای که هرگونه شک، تردید یا نقد سازنده به دستگاه فکری و مشی سیاسی مجاهدین، عملی ضدانقلابی و در تضاد با جوهره‌ی انقلاب خیالی مریم و مسعود رجوی محسوب می‌گردد.

طبیعی‌ترین واکنش در برابر این رویکرد تقدس‌مآبانه به قدرت و تلقی همیشگی رهبر عقیدتی مجاهدین از مقوله قدرت، واکنش‌هایی در میان افراد مستقر در قرارگاه اشرف، سپس کمپ لیبرتی در عراق و اکنون اشرف ۳ در آلبانی طی بیش از سه دهه بوده است. هرگاه این افراد روزنه و فرصتی یافته‌اند، طغیان کرده و از دنیای تاریک و سیاه مجاهدین گریخته‌اند. در واقع، جدایی و فرار بی‌سابقه کادرهای تشکیلاتی مجاهدین از قرارگاه‌های اشرف، لیبرتی و طی ماه‌های گذشته از کمپ مانر در آلبانی، نشانه روشنی از تمایل درونی و ذهنی اعضای این تشکیلات به رهایی از قیدوبندها و حصارهای فرقه‌ای و گرایش به اندیشه و دنیای دموکراتیک است؛ امری که سال‌ها در مناسبات قرون‌وسطایی مجاهدین و پایگاه‌ها و مقرهای این تشکیلات مخوف و ستیزه‌جو مغفول مانده بود.

کارگردان مستند «ساکنان برزخ» در گفت و گو با فراق هدف ما افشای حقایق پشت پرده فرقه رجوی است

”



این مستند که پیش بینی می شود با استقبال محافل حقوق بشری و رسانه های مستقل روبرو شود، احتمالاً جنجال های جدیدی را درباره فعالیت های مجاهدین خلق در آلبانی ایجاد خواهد کرد. آلبانی در سال های اخیر میزبان این گروه خطرناک و تروریستی بوده و نگرانی هایی درباره تأثیرات امنیتی و اجتماعی آن وجود دارد

«ساکنان برزخ» به زودی در جشنواره های مستند بین المللی به نمایش درخواهد آمد و امید می رود صدای قربانیان فرقه رجوی را به گوش جهانیان برساند

آشنا کند. بسیاری از آنان پس از سال ها تبعید و دوری از ایران، حتی امکان ارتباط با خانواده های خود را نیز از دست دادند. «ساکنان برزخ» نه تنها یک مستند، بلکه فریادی برای کمک به این افراد است تا شاید راهی برای رهایی از چرخه فریب و بازگشت به زندگی عادی پیدا کنند.

پخش و بازتاب های احتمالی

به گزارش فراق، این مستند که پیش بینی می شود با استقبال محافل حقوق بشری و رسانه های مستقل روبرو شود، احتمالاً جنجال های جدیدی را درباره فعالیت های مجاهدین خلق در آلبانی ایجاد خواهد کرد. آلبانی در سال های اخیر میزبان این گروه خطرناک و تروریستی بوده و نگرانی هایی درباره تأثیرات امنیتی و اجتماعی آن وجود دارد.

«ساکنان برزخ» به زودی در جشنواره های مستند بین المللی به نمایش درخواهد آمد و امید می رود صدای قربانیان فرقه رجوی را به گوش جهانیان برساند.

ایدئولوژی رهبران فرقه رجوی، از خانواده، عواطف و حتی میهن خود جدا شدند.

وی افزود: بسیاری از این افراد سال ها در کمپ اشرف و منصوره عراق تحت کنترل شدید روانی و فکری قرار داشتند و پس از انتقال به آلبانی، همچنان در انزوا به سر می بردند. کارگردان این مستند با نگاهی عمیق به روند شست و شوی مغزی و قطع ارتباط با خانواده ها پرداخته و تأکید می کند که رهبران فرقه رجوی با تکنیک های روانی، اعضا را به عروسک های خیمه شب بازی تبدیل کردند که بدون هیچ اراده ای، تنها به دستورات رهبری پاسخ می دهند.

مرتضی جعفری می گوید: هدف ما افشای حقایق پشت پرده فرقه رجوی بود. مردان و زنانی که قربانی افکار پلید رهبران این سازمان شدند حتی عزیزان خود را فدای اهداف بی معنای آنها کردند.

به گزارش فراق، این مستند درصدد است تا جامعه جهانی را با رنج های پنهان اعضای این فرقه

کارگردان مستند «ساکنان برزخ» گفت: هدف ما افشای حقایق پشت پرده فرقه رجوی است. مردان و زنانی که قربانی افکار پلید رهبران این سازمان شدند، حتی عزیزان خود را فدای اهداف بی معنای آنها کردند.

به گزارش فراق، شرکت Sevencoal Productions به کارگردانی مرتضی جعفری، مستند تکان دهنده ای با عنوان «ساکنان برزخ» تولید کرده است که به بررسی سرنوشت اعضای سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) در تیرانا، پایتخت آلبانی می پردازد.

این فیلم، روایتی دردناک از اسارت روانی و فریب اعضای این گروه است که سال ها تحت تأثیر رهبران خود، مسعود و مریم رجوی، از هویت اصلی خود دور شدند.

مرتضی جعفری در گفت و گو با خبرنگار ما در این باره اظهار داشت: مستند «ساکنان برزخ» با تصاویر میدانی و شهادت های اعضای سابق این سازمان، نشان می دهد که چگونه افراد تحت سلطه

۳ گناه که کیفرشان در همین دنیا می‌رسد

امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ۳ گناه است که کیفرشان در همین دنیا می‌رسد و به آخرت نمی‌افتد:

- ۱- آزدن و عاق پدر و مادر شدن.
 - ۲- بغی؛ کسی یا گروهی که مسلحانه قیام کرده و به مردم ظلم و ستم می‌کند.
 - ۳- ناسپاس نسبت به خوبی‌های دیگران.
- امالی شیخ مفید، ص ۲۳۷
- مریم رجوی در دادگاه ایران به جرم بغی محکوم شده و به یقین در این دنیا کیفر خود را می‌بیند.
- اعضای گرفتار در چنگال این ابلیس هنوز فرصت دارند تا مصداق بند اول این حدیث قدسی نشوند ولی تا دیر نشده باید بجنبند.

حضور مادر «ثریا عبداللہی» در مزار شهید مدافع وطن



شهر اردبیل اول تیرماه ۱۴۰۴ شاهد بدرقه عزتمندانه پیکر پاک شهید والامقام، امیرسرتیپ دوم علی پیری، بر دوش مردم ولایت‌مدار این دیار، به سوی آرامگاه ابدی‌اش بود.

به گزارش فراق، در مراسم تشییع پیکر پاک این شهیدکه در حمله رژیم صهیونیستی به پایگاه پدافند هوایی ارتش در اردبیل به شهادت رسید، مادر ثریا عبداللہی به نمایندگی از مادران عضو انجمن نجات، حضور یافت و با آغوشی پرمهر، مادر شهید را تسلی داد.

این مادر که سال‌هاست برای رهایی فرزندان از چنگال تشکیلات منافقین مبارزه می‌کند، با این حضور نشان داد که میهن‌پرستی و عشق به مدافعان میهن در قلبش ریشه‌ای عمیق دارد. این احساس وظیفه، نمادی از همدلی و وطن‌دوستی بود که پیوند مادرانه و تعهد به عزت میهن را به تصویر کشید.

ابوالقاسم یغمایی؛ مردی که

در مسیر مبارزه با رجوی تا پای جان جنگید



درگذشت یکی از مردان میدان مبارزه با تشکیلات تروریستی رجوی، مرحوم ابوالقاسم یغمایی، مصیبتی بزرگ برای خانواده‌های رنج‌دیده اسیران این تشکیلات شوم و تمامی آزاداندیشانی است که سال‌ها شاهد تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او بودند.

به گزارش فراق، وی مردی از تبار ایثار بود که با وجود رنج‌های جسمی، هرگز از پای ننشست و با عزمی راسخ، سنگر مبارزه با این فرقه انسان‌ستیز را ترک نکرد. یغمایی در دیار پاکیزه یزد، جایی که زمزمه‌های حق‌طلبی و آزادی در تاروپود تاریخش تنیده، به نمادی از پایداری در برابر فریب و توطئه رجوی و دارودسته‌اش تبدیل شد.

تلاش‌های او تنها یک مبارزه نبود، بلکه یک رسالت انسانی بود؛ رسالتی برای نجات جان‌هایی که در چنگال این تشکیلات خون‌آشام گرفتار شده بودند. یغمایی بیش از دو دهه صدای خانواده‌های داغ‌دیده‌ای شد که فرزندان‌شان با ترفندهای شیطانی رجوی، از آغوش گرم آنان ربوده شدند. او می‌دانست که هر قدمش

این پدر، هیچ مطالبه‌ای جز شنیدن صدای فرزند خود ندارد



سران تشکیلات تروریستی
رجوی باید منتظر مجازات
سختی باشند چرا که اسباب
اسارت و به بند کشیدن
فرزندان ما را به وجود
آورده‌اند.
خانواده‌های عضو انجمن نجات



وعده‌ی بعد،
نوبت شماست

ASHRAF3



www.feraghnews.ir

فعال‌ترین و پرمخاطب‌ترین گروه رسانه‌ای در حوزه افشاگری از سیمای نفاق